

آموزشی ابتداری

رشد

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای آموزگاران، دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوروی بیست و ششم اردیبهشت ۱۴۰۱ | شماره‌ی پستی ۲۵ | ۲۸ صفحه
www.roshdmag.ir | ۵۳۰۰ ریال

وقتی معلم‌ها برقی نبودند!

• رضوان دختران

• روزی که مادر شدم



از پدر گر قالب تن یافتیم
از معلم جان روشن یافتیم
محمد حسین شهریار

آموزشی ابتداری

رشد



ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
برای آموزگاران، دانشجومعلمین و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره بیست و پنجم | اردیبهشت ۱۴۰۱ | شماره پیاپی ۲۰۵ | ۴۸ صفحه | ۵۳۰۰۰ ریال
www.roshdmag.ir



نظرتان را درباره
مجله اعلام کنید.

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



فهرست

- ۲ **معلم بودن گوارای وجودتان!** | کبری محمودی
- ۳ **یادمان باشد** | زهرا نظام‌الدینی
- ۴ **به صرف افطار** | طاهره ملک‌زاده
- ۶ **رضوان دختران** | محبوبه محمدحسین‌پور
- ۸ **ما و فاصله‌ها** | ابراهیم اصلانی
- ۱۰ **وقت درو** | زهرا نصیری
- ۱۲ **آرامش ببخشیم** | عاطفه فرهادی
- ۱۴ **آینده‌پژوهان هم طرح درس می‌نویسند** | مرتضی مجدفر
- ۱۶ **روزی که مادر شدم** | مقصود ولی‌پور
- ۱۸ **چشم و گوش بسته، عقل و هوش باز** | علیرضا صالحی
- ۲۰ **راهنمای اولیا** | شمسی نوری
- ۲۱ **تقدیم تو باد!** | شیوا نادری
- ۲۲ **والدین و ارزشیابی توصیفی** | محمدهادی قاسمیان؛ فرحناز قاسمیان
- ۲۴ **کدام کتاب؟** | کبری محمودی
- ۲۶ **از من انتقاد کنید** | لیلا سلیقه‌دار
- ۲۸ **تربیت دانش‌آموز متعادل** | فاطمه دولتی
- ۳۰ **تدریس اصلی، تدریس فرعی** | معصومه فرهوش
- ۳۲ **حکایت همچنان باقی است** | سعیده نادری‌پور
- ۳۴ **وقتی معلم‌ها برقی نبودند!** | حبیب یوسف‌زاده
- ۳۶ **طرف کی هستی؟** | سیدغلامرضا فلسفی
- ۳۸ **هنر کاغذیابی** | مرتضی فاضل
- ۴۲ **آخرین گام‌ها** | مریم شهرآبادی
- ۴۴ **خوانش پریشی** | تمنا رستگار
- ۴۶ **پانجمی‌ها** | احمدرضا اعرابی
- ۴۸ **سفری کوتاه** | اعظم لاریجانی



اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجه

فرم اشتراک مجله



مدیر مسئول: محمد صالح مدنی

سر دبیر: کبری محمودی

شورای برنامه‌ریزی: مزگان آژیده، مهشید باستانی‌پورمقدم،

محمدعلی قربانی، مرتضی مجدفر و اصغر ندیری

مدیر داخلی: مریم شهرآبادی

ویراستار: زهرا نظام‌الدینی

مدیر هنری: کوروش پارساژاد

طراح گرافیک: وحیدحقی

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۰۲۱

۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۵۱۱)

نمابر: ۸۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۰۲۱

وبگاه اختصاصی: www.cb.roshdmag.ir

وبگاه: www.roshdmag.ir

رایانامه: ebtedayi@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۷۷۶۴۳۲۰۸ - ۰۲۱

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله‌ای که برای درج در مجله می‌فرستید:

● با اهداف و رویکردهای آموزشی - تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشد.

● قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.

● در حد ۱۲۰۰ کلمه و خلاصه‌ای علمی-آموزشی باشد.

● در قالب «ورد» و از طریق پیام‌نگار و راه‌های ارتباطی مجله فرستاده شود.

● روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد.

● محل قرار گرفتن جدول، شکل و عکس در متن مشخص شود.

● چکیده داشته باشد یا هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.

● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عنوان و آثار وی پیوست شود.

● اگر ترجمه است، متن اصلی نیز همراه آن باشد.

لازم به ذکر است:

● مجله در رد، قبول و ویرایش و تلخیص مقاله‌ی رسیده مختار است.

● مقاله در یافتنی بازگردانده نمی‌شود.

● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً تأمین رأی و نظر دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان یا خودنویسنده یا مترجم است.

● عکس‌های مدرسه‌ای‌تان را منتشر می‌کنیم.

● عکس‌های مدرسه‌هایی که در مجله می‌بینید،

قبل از دوران شیوع کرونا گرفته شده‌اند.

معلم بودن گوارای وجودتان!



کبری محمودی

کلاس درس و اتفاقات رنگارنگ آن برای من از لذت بخش ترین ساعت های زندگی ام هستند. این معنا را تنها شمایی درک می کنی که آموزگارید و با عشق معلمی می کنید! من بهترین سال های زندگی ام را در مدرسه سپری کرده ام. چه آن روزها که خودم دانش آموز بودم و چه وقتی معلمی می کردم. این یک سال را هم که در مجله ی رشد آموزش ابتدایی همراه با شما آموزگاران در مدرسه و بین دانش آموزان بودیم، اضافه می کنم به خاطرات خوش مدرسه ای. چه بسیار از شما آموختم و چه اندک از پس انعکاس تلاش ها و تجربه های شما در مجله برآمدم!

بهترین روزهای کاری مجله وقتی بود که آموزگاری از استان و روستایی دور یا نزدیک با ما مرتبط می شد و با بیان تجربه ی خودش یا همکاری، ما را به فضای مدرسه شان می کشاند و لذت بودن در مدرسه را تداعی می کرد. از خانم ها «منیره رضوان، آموزگار بازنشسته ای که در شماره ی اول مجله با او گفت و گو کردیم تا الهه دیمی، ام لیلیا صمدی، نجمه دائمی و آقایان علی چراغی و محمدعلی بابایی فرد» و عزیزان دیگری که در طول یک سال گذشته تجربه های شان را در مجله چاپ کردیم، یا تک آموزگار تنها دبستان تک شاگردی روستایی که روزی ۶۰ کیلومتر را تا مدرسه ی محل خدمتش می رود و برمی گردد، نکته ها آموختیم و برای چندمین بار سختی آموزگار بودن و عشق به کار را تجربه کردیم.

بدترین روزهایمان هم وقتی بود که خبر درگذشت آموزگاری را می شنیدیم که کرونا امانشان را بریده بود؛ عزیزی که شرایط همه گیری بیماری اجازه نداد حتی بزرگداشتی درخور برایشان برپا شود!

خسته نباشید آموزگاران انسان ساز ایران زمین. روز گرامی داشت مقام معلم با وجود عزیزی مثل شما گرامی است. معلم شهید، استاد مرتضی مطهری، وقتی نام استادان خود را می برد، با احترام و تعظیم بسیار زیاد از آنان تجلیل می کرد. امید که شما نیز شاگردانی چون استاد مطهری داشته باشید و یاد و نام شما هم در نظر دانش آموزانتان به نیکی ثبت شود. مهم تر از آن، امیدوارم تأثیر نیک این همه سختی که بر خود روا داشتید و در شرایط سخت این چندسال به حق و با عشق معلمی کردید، در وجود دست پروردگان شما نیز آشکار شود.

در آخرین شماره از دوره ی بیست و پنجم این مجله که مناسبت روز معلم را هم در برمی گیرد، برای همه تان آرزوی سربلندی می کنم. در دوره ی بعدی، یعنی دوره ی بیست و ششم، سردبیری مجله ی رشد آموزش ابتدایی به معلمی دیگر سپرده می شود. آقای مهدی رضایی از این پس لحظه ها و ساعت های خوشی را با شما تجربه خواهد کرد.

همچنان با مجله ی خودتان در تماس باشید و تجربه ها و خاطراتتان را به دفتر مجله بفرستید. نوشته های شما زینت بخش صفحات مجله هستند. این مجله متعلق به شماست و هدفی ندارد جز کمک به آموزگاران در پیشبرد اهداف درسی دانش آموزان و ارتقای شخصیت انسانی و حرفه ای معلم.

روزتان مبارک! معلمی گوارای وجودتان!

پروردگار قلم و دانش نگهدارتان.



زهرا انظام الدینی

یادمان باشد



۱۲ اردیبهشت؛ سالگرد شهادت استاد شهید مطهری و بزرگداشت معلم

کلاس اول که به نیمه رسید، معلم برایمان حکم مادری را پیدا کرد که یک روز ندیدنش ما را دلتنگ مدرسه می‌کرد. گویی دوره‌ی تولد بار دیگر آغاز شده بود، باز کسی آمده بود و یک حرف و دو حرف بر دهانمان می‌نهاد تا این بار نوشتن بیاموزیم و خواندن فرا بگیریم.

اوایل کلاس دوم بودیم که تاک وجودمان در حال قدکشیدن بود. باید ریشه می‌دواندیم در زمینی که تغذیه‌مان می‌کرد و با آب محبت و خاک معرفت رشدان می‌داد. معلم که برایمان از یار مهربان و چوپان درستکار و مورچه‌ی اشک‌ریزان می‌گفت، کم‌کم زندگی کردن را تجربه می‌کردیم.

به انتهای سال سوم که رسیدیم، یقین پیدا کرده بودیم که این نهال نورسیده در برابر گرما و سرما سیر بلایی دارد. سایه‌بانی که در پناهِش آرامش کمترین ارمغانی بود که به دست می‌آوردیم. برایمان از اشکال و اعداد می‌گفت، از رابطه‌ها و الگوها و باز به زیرکی در خطبه‌ی ریاضی و علوم و فارسی، زندگی کردن را نشانمان می‌داد.

سال چهارم ساقه‌هایمان رشد کرده بودند. باید برای لحظه‌های رستمان هر آن و هر لحظه تدبیری نو اندیشیده می‌شد. دیگر عقل‌رس شده بودیم که زیر سایه‌اش می‌نشستیم و او به زیبایی برایمان از راز آفرینش می‌گفت. به دانایی و هوشیاری می‌خواندمان. از سرزمینمان ایران می‌گفت و اینکه چگونه با علم و عمل آبادش کنیم. دقیقه‌ها، لحظه‌ها، روزها و سال‌ها همچنان گذشتند. برگ‌هایمان سبز، ریشه‌هایمان عمیق و ساقه‌هایمان بلند و بلندتر شدند. سر به آسمان نهادیم و به نزدیکی‌های خورشید رسیدیم.

رسیدیم؛ اما اگر سر بر گردانیم و خوب نگاه کنیم، شاید هنوز چشمان مهربانی را ببینیم که نگران هجوم بادهای وحشی است، مبدا که درخت تنومندش را گزندی رسد!

اگر خورشید شده‌ای و بر آسمان زندگی‌ات می‌تابی، فراموش نکن، دستان معلمت بوسیدنی است.

ستارگان آسمان علم و ادب

نام ایران از دیرباز با فرهنگ و تمدن آمیخته است. گاه در فلسفه‌اش حکیمانی چون ابن‌سینا و ملاصدرا می‌درخشند، گاه بر پیشانی‌اش زکریای رازی مهر دانایی می‌نهد و زمانی با ابوریحان بیرونی جهانی را به حیرت واد می‌دارد و صد البته که در آسمان شعر و ادبش ستارگانی چون فردوسی و مولوی و حافظ و سعدی همیشه خواهند درخشید.

هر ساله، اردیبهشت‌ماه میزبان بزرگانی است که نامشان تا ابد بر تارک اندیشه‌ی ایران ماندگار خواهد ماند:

اول اردیبهشت به نام سعدی شیراز زینت یافته است؛ همو که با بوستان و گلستانش حیاط فکرمان را گلباران کرده است.

سوم اردیبهشت روز بزرگداشت شیخ بهایی است، حکیم، فقیه، شاعر، منجم و دانشمند برجسته‌ای که فهرست خدمات شایسته‌اش به ایران طوماری بلند خواهد بود. این روز را روز ملی کارآفرینی نیز نام نهاده‌اند. **بیست و پنجم** ماه به نام فردوسی رقم خورده است. تاریخ به احترام این حکیم فرزانه تا ابد خواهد ایستاد.

بیست و هشتم اردیبهشت بهانه‌ای برای بزرگداشت حکیم **عمر خیام نیشابوری** است. اگر چه وی را بیشتر به رباعیاتش می‌شناسیم، اما آوازه‌ی او در فلسفه و ریاضیات و نجوم نیز مثال‌زدنی است.

نهم اردیبهشت؛ روز جهانی قدس جمعه‌های آخر ماه مبارک رمضان مسلمانان در نقاط گوناگون جهان حمایت خودشان را از مردم فلسطین به نمایش می‌گذارند. روز قدس نه تنها روز فلسطین، بلکه روز اسلام و حکومت اسلامی و مقدمه‌ای برای بسیج عمومی اسلامی و تشکیل حزب مستضعفین در تمام دنیاست (خمینی قدس سره، ۱۳۸۹: ۲۷۸).

دهم اردیبهشت؛ روز ملی خلیج فارس نام خلیج همیشه فارس را به خاطر می‌سپاریم.

هجدهم اردیبهشت، روز جهانی صلیب سرخ و هلال احمر



این روز بر تمام کسانی که جانشان را بر طبق اخلاص نهاده‌اند تا جانی را نجات بخشد، مبارک باد.

علی (ع) به آسمان نگاه می‌کند و آسمان به علی (ع). چشمان علی (ع) در آسمان دودو می‌زند، شاید نشانی بیاید از وعده‌ای که به او داده‌اند! چشمان آسمان سوسو می‌زند، شاید بهانه‌ای بیاید که علی (ع) را ماندگار زمین کنند! لب‌های مولا در حرکت است و زیر لب زمزمه می‌کند: «این شبی است که به من وعده‌ی شهادت داده شده است» (مجلسی، ۱۳۸۷: ۳۳۶). شیر خدا بی تاب فرشته‌ی مرگ است. نگاه آخر را به آسمان می‌اندازد و دست به در خانه می‌برد. کلون در دست به دامن علی (ع) می‌شود (همان، ۳۳۹). قطره اشکی از آسمان بر زمین می‌چکد. علی باز زمزمه می‌کند: «خدایا مرگ را بر من مبارک گردان» (همان، ۳۴۰). مرغابی‌ها دامنش را گرفته‌اند، صدای التماسشان که به گوش آسمان می‌رسد، قطره اشک دیگری بر زمین می‌چکد. ام‌کلثوم آخرین قدم‌های پدر را بدرقه می‌کند و علی (ع) پای در کوچه می‌نهد. آسمان هنوز متحیر علی (ع) است و نغمه‌هایش را می‌شنود: «یا علی (ع)، کمر بندت را برای مرگ محکم کن، زیرا او تو را ملاقات می‌کند» (همان، ۳۳۶). سپیده که سر می‌زند، نگاه پسرعم رسول خدا (ص) در چشمان آسمان قفل می‌شود. مولا قصد خدا حافظی دارد. آسمان بر خود می‌لرزد. الله اکبر اذان بلند می‌شود. دلهره‌ای سنگین کوچه‌به‌کوچه را پر می‌کند. این صدا سَوای روزهای دیگر است. طنین غربتی بیست و پنج ساله در آن موج می‌زند. از مأذنه پایین می‌آید و دست بر سر دیوارهای کاهگلی مسجد می‌کشد. قاتل را از خواب بیدار می‌کند و به نماز می‌ایستد. آسمان به او اقتدا می‌کند. به رکوع می‌رود، تمام ذرات مسجد با او همگام می‌شوند، سر بر سجده می‌گذارد، آسمان به خاک می‌افتد. شمشر ابن ملجم بر فرق مولا می‌نشیند. صدایی از عرش در گوش زمین می‌پیچد: «به خدا قسم! ارکان هدایت فرو ریخت...» (همان، ص ۳۴۲). ندایی از محراب به عرش می‌رود: «به خدای کعبه رستگار شدم!» (همان، ص ۳۴۱).

به صرف افطار



طاهره ملک‌زاده
مدیر دبستان

در آخرین روزهای فروردین‌ماه در تبوتاب برگزاری جلسه‌ی شورای آموزگاران بودیم. برنامه‌ی این جلسات طبق توافق همکاران و بر اساس تقویم اجرایی مدرسه، در فرصت طلایی خردادماه، برای مهر تا اسفند و بعد از آن از فروردین تا خرداد هر سال تحصیلی تنظیم می‌شود و از قبل می‌دانیم که در هر شورا، روی چه موضوع یا موضوعاتی کار خواهیم کرد. در واقع بر اساس پیشنهادهایی که از همکاران می‌گیریم، هر جلسه از شورای آموزگاران را به تفکیک پایه و موضوعی که ارائه داده‌اند، پیش می‌بریم.

موضوع شورای آموزگاران در فروردین‌ماه درس پژوهی بود و تمام پایه‌های تحصیلی می‌بایست در خصوص کم‌و کیف و چگونگی طرح درس‌های تجدیدنظرشده خود، بر اساس فرایند درس پژوهی، وارد بحث می‌شدند و نظر می‌دادند.

جلسه با تلاوت قرآن کریم آغاز شد. در ابتدای جلسه با تبریک سال نو و پاسداشت ماه رمضان، و تقدیر از همکاران به‌منظور تعطیل نکردن آموزش و همکاری در فضای مجازی در دوران تعطیلی دوره‌ی حضوری مدرسه، صحبت‌هایم را شروع کردم. سپس در مورد تشکیل نمایشگاهی از برگزیده‌ی فعالیت‌های عیدانه، فعالیت‌ها و دست‌سازه‌های بوم، برنامه‌ی خوانا و طرح پژوهش‌های جابر سخن به میان آمد. در ادامه از نماینده‌ی هر پایه خواستم نتیجه‌ی مباحث و گفت‌وگوهای پایه‌ی خود را در گروه‌های هم‌پایه ارائه دهند. این بحث‌ها در خصوص نحوه‌ی تنظیم طرح درس‌های تجدیدنظرشده و بر مبنای مراحل هشت‌گانه‌ی درس پژوهی بودند. از آنجایی که شورای آموزگاران مدرسه‌ی ما هر ماه به‌سبک مشارکتی و با رویکرد رفتار سازمانی تشکیل می‌شود، این بار نیز چنین کردیم و به این طریق جلسه پیش رفت. یعنی ابتدا توضیحات نماینده‌ی پایه‌ها را شنیدیم، تاریخ ارائه‌ی درس پژوهی، موضوع تدریس و همکار مدرس



گزیده‌ای از سندهای برنامه‌ی درسی ملی

هدف عملیاتی سیزدهم: افزایش نقش شوراهای آموزش و پرورش استان، مناطق و مدارس در تقویت فعالیت‌های تربیتی استان و منطقه و مدرسه در چارچوب سیاست‌ها و برنامه‌های ملی (۵، ۲۰، ۴۰ و ۷۰).
راهکار ۲-۱۳: افزایش کارآمدی شوراهای درون مدرسه (مانند شورای معلمان و شورای دانش‌آموزان) با تفویض برخی از اختیارات اداره و مدرسه به آنان و فراهم‌آوردن زمینه‌ی مشارکت بیشتر ایشان در فرایند تعلیم و تربیت مدرسه.

آموزگاران به‌صورت گروهی توضیحات خود را بیان کنند. سکوتی تأمل‌پذیر بر جمع معلمان در دفتر حاکم شد. یکی از همکاران عنوان کرد: «چقدر خوب است برای برنامه‌ی روز معلم به یک سفر زیارتی برویم.» این پیشنهاد با استقبال اکثریت مواجه شد و تعدادی هم به‌دلیل وضعیت کرونا مخالفت کردند. چند نفر دیگر از معلمان پیشنهاد دادند در روز معلم در حیاط مدرسه برنامه‌ای به‌صورت افطار داشته باشیم، اما این پیشنهاد با نقد و مخالفت خیلی از همکاران از جمله خانم ایزدی مواجه شد. دلیل مخالفت این بود که به‌دلیل شروع مجدد آموزش حضوری و حضور دانش‌آموزان در مدرسه، اصلاً به صلاح نیست پذیرایی در مدرسه انجام شود و بوی غذا همه‌جا پیچد. از نظر آنان این موضوع کاملاً با منش معلمی ما مغایرت داشت و حرفه‌ای بودن ما را زیر سؤال می‌برد. مخالفان این پیشنهاد می‌گفتند چه معنایی دارد در وضعیت سخت اقتصادی خانواده‌ها، بوی زرشک‌پلو با مرغ در فضای مدرسه بلند شود. در همین حین با شوخی و ظرافت خاصی وارد بحث معلمان شدم و گفتم: «اولاً از کجا معلوم انتخابمان زرشک‌پلو با مرغ باشد. ثانیاً من می‌دانم که اغلب معلمان خودشان را دغدغه‌مند برنامه‌های مدرسه می‌دانند و در مناسبت‌های مدرسه نظراتشان را عنوان می‌کنند، اما آنچه مهم است رعایت شرایط حال دانش‌آموزان و پررنگ کردن منش معلمی است که بهتر است با بینش معلمی زیباتر و کامل‌تر شود. ان‌شاءالله با مناسب‌شدن وضعیت بهداشتی جامعه، بنا را بر رأی اکثریت همکاران که برگزاری برنامه‌ی مدرسه برای روز معلم در قالب اردوی برون‌مدرسه‌ای و داشتن برنامه‌هایی در بیرون از مدرسه است، می‌گذاریم و سعی می‌کنیم روز مفرح و شادی را با همدیگر داشته باشیم.»
بعد با شوخی ادامه دادم: «خب، بفرمایید داخل جلسه تا درس‌پژوهی از دهن نیفتاده، صرفش کنید!»

مشخص و معرفی شد و همکاران کاملاً توجیه شدند که در روز معین و مقرر با ضوابط خاص در مدرسه حاضر شوند و مراحل کار را پیش ببرند. بعد از توضیحات نماینده‌ی هر پایه و بعضی همکاران، توضیحات تکمیلی را در خصوص چگونگی ارائه‌ی طرح درس‌پژوهی و تلفیق آن با سایر طرح‌ها را ارائه کردم. سپس چند دقیقه‌ای را به تنفس بین جلسه‌ای اختصاص دادم.

وقت تنفس، زمان ردوبدل شدن گپ‌وگفت‌های دوستانه بین معلمان است. چند نفر از همکاران باسابقه و پیشکسوت که در جلسات قبل به‌صورت کاملاً فعال در برگزاری کارگاه روش تدریس معکوس، به‌عنوان همیار مدرس، خیلی خوب توانسته بودند از لحاظ رفتار سازمانی بر بقیه تأثیر مثبت بگذارند، با لحنی آرام شروع به صحبت کردند: «خانم برازنده، می‌توانیم چند دقیقه هم در مورد نحوه‌ی برگزاری روز معلم و تقدیر از معلمان صحبت کنیم؟»
با خوش‌حالی، طمأنینه و استقبال خیلی خوبی موضوع را پذیرفتم و گفتم: «بله، چرا که نه! خواهش می‌کنم بفرمایید.»

ناگفته نماند این موضوع به جلسه‌ی شورای آموزگاران ختم نمی‌شد، بلکه از چندی پیش دغدغه‌ی همکاران شده بود و در این خصوص سعی داشتند در شورای



رضوان دختران

مدرسه‌ای پر از جنب و جوش



محبوبه محمدحسین پور
معاون دوره‌ی ابتدایی



دبستان دخترانه‌ی رضوان مدرسه‌ای دولتی است در استان کردستان در شهرستان مریوان. خانم هلاله حیدری، معاون آموزشی این مدرسه، تماسی تلفنی با دفتر مجله برقرار کرد و روش فرستادن ایده به دفتر مجله را پرسید. ایشان از همکاری بسیار تعریف کرد و از فعالیت‌های ساده اما کاربردی آن‌ها در کلاس درس گفت. همچنین از همراهی‌های گلاله حیدری، مدیر مدرسه، سخن گفت. دبستان رضوان با ۳۴۸ دانش‌آموز، ۱۲ کلاس درس دارد: سه کلاس در پایه‌ی اول، سه کلاس در پایه‌ی دوم، پنج کلاس در پایه‌ی سوم و یک کلاس در پایه‌ی چهارم. فرصت و صفحات محدود مجله امکان انعکاس فعالیت‌های همه‌ی آموزگاران مدرسه را ندارد. ما به‌منظور ایده‌دادن به همکاران آموزگار، تنها با چند عزیز صحبت کرده‌ایم. در ضمن، در بخش تجربه‌های این شماره، تجربه‌هایی از چند آموزگار همین مدرسه را هم آورده‌ایم.

خانم گلاله حیدری درباره‌ی مدرسه و فعالیت‌های خلاقانه‌ی همکارانش می‌گوید:

گلاله حیدری هستم؛ مدیر مدرسه. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه. ۲۳ سال سنوات خدمت دارم. مدرسه‌ی ما از مدرسه‌های پرتعداد منطقه است. اولویت کاری مدرسه پرورش روح انسانی، و آموزش مهارت‌های زندگی در قالب چالش‌ها و برنامه‌های انگیزشی و زیست‌محیطی است. در این مدرسه هیچ‌گونه رقابتی وجود ندارد و تمام کارها تیمی انجام می‌شوند. آموزش مهربانی به کودکان و حل چالش‌ها از ارکان اولویت‌دار مدرسه هستند.

با پیشنهاد روان‌شناس و مشاور کودک و نوجوان و به‌منظور تقویت اعتماد به نفس و خودباوری دانش‌آموزان، با همکاری شبکه‌ی استان کردستان چند پروژه انجام دادیم و نمونه‌هایی عالی از ناهنگ (کلیپ)‌های زیبای دانش‌آموزان دریافت کردیم. برگزاری مسابقه‌ی داستان‌خوانی و قصه‌گویی برای تقویت مهارت‌های شنیداری و تفکر و بهبود مهارت کلامی و تقویت نیروی تخیل و خلاقیت از دیگر فعالیت‌های همکاران ماست.

برای آشنایی با فعالیت‌ها، با آموزگاران مدرسه‌مان صحبت کنید. همراهی خانم هلاله حیدری، معاون مدرسه، در اجرای ایده‌ها و خلاقیت‌های همکاران بسیار راهگشاست. خانم نرگس حکیمی، معاون پرورشی مدرسه هم کمک حال ماست.

شمسی نوری؛

یکی از آموزگاران پایه‌ی اول

من در کلاس ۲۹ دانش‌آموز دارم. برای تشویق آن‌ها به درس و علاقه‌مند کردنشان، روش‌ها و فعالیت‌های بسیاری را آزموده‌ام. برای مثال، درس فارسی را با ریاضی تلفیق می‌کنیم و دانش‌آموزان را در نوشتن بخش‌ها و صداهای کلمات تشویق می‌کنیم. برای این کار، ایده‌ی بخش‌های کفش دوزکی را اجرا کرده‌ایم. به این ترتیب که بخش‌های هر کلمه را با دو رنگ سیاه و قرمز مشخص می‌کنیم. برای مثال، بخش اول یک کلمه‌ی سه‌بخشی را با مداد سیاه، بخش دوم را با مداد قرمز و باز هم بعدی را باز هم با مداد سیاه می‌نویسیم؛ یک در میان. همین کار ساده بخش کردن را برای دانش‌آموز آسان‌تر می‌کند. به این ترتیب، ساحت زیبایی‌شناسی را تربیت می‌کنیم، از طبیعت در ایده‌پردازی الهام می‌گیریم و مفهوم الگو و الگویابی را بسط می‌دهیم.

نتیجه چیزی نیست جز شکوفایی خلاقیت و ابتکار دانش‌آموزان؛ جلب علاقه و انگیزه‌ی بیشتر به نوشتن؛ آشناسدن با رنگ‌های رنگین کمان و ترتیب آن‌ها.



آبشار

اردیبهشت ماه
دوره‌ی بیست و نهم
شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۱





شیوا نادری؛

یکی از آموزگاران پایه‌ی دوم

هر معلم به اقتضای حساسیت و اهمیت خاص دوران ابتدایی لازم است از خصوصیات و ویژگی‌های کودکان این دوره شناخت لازم و کافی داشته باشد. مهم‌ترین این ویژگی‌ها برای معلمان، آگاهی از ویژگی‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی است، و صد البته توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان.

من در ارتباط با کودکان این سن، عینی‌گرایی و انگیزه‌ی زیادشان را برای یادگیری و کنجکاوی دیده‌ام. آن‌ها انرژی زیادی دارند و معمولاً یکجا بند نمی‌شوند. مدام در جنب‌وجوش هستند و به بازی علاقه دارند. دلشان می‌خواهد حرف بزنند و اتفاقات روزمره را تعریف کنند. به شادی و تنوع، و به گوش شنوای معلم و دوستان نیاز دارند.

با توجه به این ویژگی‌ها، برای جذاب کردن کلاس باید روش‌های متنوعی به کار برد. در عین اینکه باید تعاملی دوطرفه بین معلم و دانش‌آموزان برقرار باشد. دانش‌آموزان فعال باشند و فقط معلم انتقال‌دهنده‌ی اطلاعات نباشد و نقش هدایت‌گری داشته باشد. اما جمعیت زیاد در کلاس، کیفیت آموزش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. امید است در راه آموزش کودکان بهترین راه‌ها و روش‌ها را در پی بگیریم.

بری فردوسی؛

یکی از آموزگاران پایه‌ی سوم

در ابتدای مجازی‌شدن مدرسه‌ها، کار خیلی سخت بود، اما سعی کردیم بچه‌ها را با خودمان همراه کنیم. به آنجا رسیدیم که حتی به‌صورت مجازی جشن تکلیفشان را گرفتیم. جشن جدول ضرب برگزار کردیم و بچه‌ها گزارش‌های دیدارشان از مکان‌هایی را که قبلاً رفته بودند، به صورت فیلم و عکس تدوین کردند. اگر معلم معلمی بداند، در شرایط سخت هم آموزش را پیش می‌برد و ما این را تجربه کردیم. برای آموزش کاردستی‌های ساده و دخترانه، کیسه‌ی پارچه‌ای خرید نان درست کردیم؛ با نیم‌متر پارچه‌ی گل‌دار و مقاوم، یک متر پارچه‌ی ساده و ۸۰ سانت دکمه‌ی نواری، و نخ و سوزن. استفاده از این کیسه کمک می‌کند طبیعت کمتر آلوده شود، نان بهداشتی‌تر حمل شود و بچه‌ها کار عملی را بیاموزند.

در فعالیتی دیگر، جعبه‌ی نظم درست کردیم. این ایده را از یکی از مجله‌های رشد دانش‌آموزی الهام گرفتیم. با مقداری کاغذ رنگی، کاغذ کادو، چسب مایع، قیچی و رنگ، جعبه‌ی یک کش را به شکل آدمک تزئین کردیم. از خود جعبه به‌عنوان بدن آدمک بهره بردیم. و با در آن سر را ساختیم. بخش‌های بدن آدمک را با کاغذ رنگی و مقوا درآوردیم و به بدن چسباندیم.





تمرین ۱

به عنوان مدیر مدرسه یا آموزگار لازم است درک مناسبی از مفهوم «فاصله» داشته باشید. برای این منظور بررسی این موارد کمک کننده اند:

۱. دانش آموزان شما را چه نوع آدمی می شناسند: رسمی و خشک یا ملایم و صمیمی؟

۲. امکان ارزیابی این موضوع را دارید؟ یعنی اصلاً به ذهن خودتان فرصت می دهید تا سؤال بالا را مطرح کند یا به هر دلیلی این سؤال را موجه نمی دانید؟

۳. نگاه شما به مفهوم فاصله تا چه اندازه تغییر پذیر است؟ اگر فکر می کنید درک شما از مفهوم «فاصله» خیلی درست نبوده است، آیا می توانید رفتارتان را تغییر دهید؟

۴. موضوع «فاصله»، چه بین مدیر و معلمان، چه بین معلم و دانش آموزان و چه بین عوامل مدرسه یا والدین، می تواند موضوع بحث جالبی در شورای معلمان باشد. اگر به افراد فرصت بدهید راحت حرف بزنند، شاید ناگفته های زیادی وجود داشته باشند.

در خانواده

بیایید به چند و چون مفهوم فاصله در موقعیت های متعدد بپردازیم تا ضرورت های بودن بود آن را بهتر درک کنیم. یکی از این موقعیت ها «خانواده» است. در حالت عادی و پیش فرض، افراد یک خانواده کسانی اند که همدیگر را بیشتر می بینند یا حداقل فاصله ی کمتری از هم دارند. با در نظر گرفتن همان معنای مجاز، خانواده هایی هستند که در عین نزدیکی بسیار از هم فاصله دارند. دور هم بودن ظاهری اعضای خانواده موجب می شود فاصله به چشم نیاید یا افراد متوجه آن نباشند. گاهی هم اعضای خانواده از وجود فاصله آگاه اند و به دلایلی به آن رضایت داده اند. اصولاً وجود خواسته و ناخواسته ی فاصله در خانواده طبیعی تلقی نمی شود. فاصله ی بین زن و شوهر از همدیگر، والدین با فرزندان و فرزندان از هم، هر کدام به نوعی نشانه ای از وجود مشکلی در خانواده است و باید برای اصلاح و ترمیم وضعیت اقداماتی صورت پذیرند.

ما و فاصله ها

مروری بر چرایی وجود

فاصله در ارتباط ها

ابراهیم اصلانی

روان شناس تربیتی



این بار بحث ما درباره ی انگیزش، به روان شناسی و شخصیت بسیار نزدیک است. باور می کنید «فاصله» هم بتواند موضوعی انگیزشی باشد! نویسنده، در ادامه ی مباحث انگیزشی، این بار روی موضوع حساسی انگشت گذاشته است که شاید خیلی ها مایل نباشند آن را مطرح کنند یا نتوانند چنین واقعیتی را بپذیرند. وی با طرح موضوع «فاصله» در چند موقعیت، به طور مختصر چرایی آن را تحلیل کرده و رهنمودهایی ارائه داده است.

آیندپژ

زدهشت ماه
دوره ی بیست و نهم
شماره ی ۸ | ۱۴۰۱



در مدرسه

موقعیتی دیگر برای بحث فاصله «مدرسه» است. فضای مدرسه یکی از انسانی‌ترین موقعیت‌های ارتباطی است و به نظر می‌رسد نباید فاصله‌ای بین عوامل انسانی آن اعم از دانش‌آموزان، معلمان، مدیر، کارکنان و اولیا موجود باشد. در روان‌شناسی تربیتی این موضوع با عنوان «جو مدرسه» بررسی می‌شود. یک فضای تعاملی، صمیمانه، شاداب و پویا بهترین جو مدرسه‌ای است. با این همه، مدرسه‌هایی هستند که انواع فاصله در آن‌ها تشخیص داده می‌شود؛ فاصله بین معلمان با دانش‌آموزان، مدیر با معلمان، معلمان با عوامل اجرایی و مجموعه‌ی مدرسه با والدین. در موقعیتی مثل مدرسه بعضی از فاصله‌ها می‌توانند نشانه‌ای از رعایت اصول حرفه‌ای باشند، اما این موارد کم‌وبیش مشخص‌اند. بحث حاضر بیشتر در مورد مدرسه‌هایی است که فضایی خیلی رسمی و خشک دارند و ارتباط عوامل فقط از سر وظیفه و گذران امور است، اگر چه سعی می‌شود همه چیز عادی به نظر برسد. چنین فضایی از نظر تربیتی و مدیریتی جای نقد و تحلیل دارد و البته اصلاح اوضاع هم ضروری است. فاصله‌ها نه تنها می‌توانند در اهداف و برنامه‌های تربیتی خلل ایجاد کنند، بلکه در افت انگیزشی دانش‌آموزان و عوامل مدرسه نیز تأثیر خواهند داشت. وقتی معلم، به‌عمد یا غیرعمد، بین خود و دانش‌آموزان فاصله به وجود می‌آورد، امکان‌های ارتباطی را محدود می‌کند و فرصت‌های تربیتی را از دست می‌دهد. وقتی مجموعه‌ی مدرسه با دلایل متعدد از والدین فاصله می‌گیرد، شاید به‌ظاهر اتفاق خاصی رخ ندهد، اما امکان تعامل‌هایی هدر می‌رود که می‌توانست نوعی فرصت تربیتی باشد. به همین ترتیب، فاصله گرفتن مدیر از معلمان و عوامل اجرایی مدرسه هم به عملکرد و کارآمدی مدرسه لطمه می‌زند. این موضوع را از زاویه‌ی مدیریتی بیشتر تحلیل می‌کنیم.

در مدیریت

از موقعیت‌های دیگر انسانی که در آن فاصله‌ها نمود خود را به‌وضوح نشان می‌دهند، موضوع مدیریت است. چه در مدرسه و چه در موقعیت‌های دیگر، مدیریتی که بخواهد

با فاصله گرفتن از عوامل کار کند، در عمل به نتایج مؤثری نخواهد رسید. هر چند چنین مدیرانی خود تصور کنند که بسیار کارآمد و موفق‌اند. به‌طور معمول مدیری که به فاصله معتقد است، تصور می‌کند بین او و عوامل باید حریم و مرزی وجود داشته باشد و اگر این مرز رعایت نشود، سر رشته‌ی امور از دست او در خواهد رفت. گاهی حتی معلم به‌عنوان مدیر کلاس با چنین پنداری سر کلاس درس می‌رود. او به دانش‌آموزان به اصطلاح رو نمی‌دهد تا جایگاه خود را بشناسند و از مرز رد نشوند. این ذهنیت را مدیران سطوح دیگر و حتی مدیران ارشد هم دارند. شاید برای همین، مدیران اتاق خودشان را در طبقه‌ی آخر ساختمان و حتی اگر امکان داشت، در جایی دور از دسترس انتخاب می‌کنند تا ارباب‌رجوع و حتی همکاران مفهوم حدومرز را کاملاً درک کنند. بسیار دیده‌ایم، مدیرانی را که برای وقت گرفتن و دیدن آن‌ها باید ساعت‌ها وقت صرف کرد و حوصله به خرج داد، حتی اگر حوزه‌ی مدیریتی او چندان هم مهم نباشد. گاهی بخش عمده‌ای از طرح و تدبیر یک مدیر صرف آن می‌شود که چه اقدامات و مراحل را در پیش بگیرد تا فاصله‌ها را بیشتر و مرزها را پررنگ‌تر کند. سازمان معروفی را به یاد دارم که رئیس آن، طبقه آخر را برای استقرار خود برگزیده بود و عوامل سازمان و حتی معاونان و مدیران ارشد باید طی مراحل اداری خاصی به حضورش می‌رسیدند، مراحلی که گاه ماه‌ها وقت می‌برد. کارکنان همین سازمان رئیس خود را «رئیس گلخانه‌ای» می‌نامیدند و مفاهیم فاصله و مرز را عمیقاً درک کرده بودند. مدیریتی که با فاصله و مرز تفسیر شود و مدیری که بخواهد به این وسیله خود را قوی و بااهت بنماید، هم از نظر شخصیتی و هم از نظر مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی جای نقد دارد. تجربه هم نشان داده است که فاصله‌ها، البته فاصله‌های غیرمنطقی و ناموجه، سازمان‌ها را از فضای انسانی و اجتماعی دور می‌کنند و در نقطه‌ی مقابل، کم کردن فاصله‌ها به تقویت فضای انسانی و امنیت روانی کمک می‌کند، باعث تسهیل امور می‌شود و به رضایت بیشتر مردم می‌انجامد.

فاصله و شخصیت

«فاصله» نشانه‌ای از بخش خصوصی شخصیت است، یعنی نشان می‌دهد هر کس در درون خود چقدر دنیای اختصاصی و محرمانه دارد. از نظر روان‌شناسی شخصیت، داشتن دنیای خصوصی و محرمانه تا اندازه‌ای لازم است، اما بزرگ‌تر شدن این فضا نشانه‌ی خوبی نیست. هر چه بخش خصوصی و محرمانه‌ی شخصیت بزرگ‌تر شود، امکان ارتباط با دیگران و نزدیک شدن به آن‌ها کاهش خواهد یافت. کسی که در مواجهه با همسر، فرزند، دوست، همکار و افراد دیگر نتواند موضوع مناسبی برای صحبت بیابد یا به هر دلیل نتواند احساسات درونی خود را انتقال دهد، نخواهد توانست خود را به آن‌ها نزدیک کند و به این ترتیب فاصله‌ها تقویت خواهد شد. «فاصله‌ها» همه‌جا به تصورات و انتظارات ما پاسخ نمی‌دهند. شاید گاهی فاصله به نتیجه‌ی مطلوبی بینجامد، ولی زیاده‌روی در فکر و عمل به آن یا استفاده‌های نابجا و غیرمنطقی از موضوع هم به کیفیت ارتباطات انسانی و هم به اعتماد جمعی لطمه می‌زند. وقتی با هر توجیهی در خانواده، مدرسه، مدیریت و موقعیت‌های دیگر به تدریج از دیگران فاصله می‌گیرید و تصور می‌کنید با «دوری» بهتر می‌توان «دوستی» کرد یا «فاصله» را نشانه‌ای برای رسیدن به ابهت و تعیین مرز می‌دانید، انتظار نداشته باشید، اطرافیان به شما اعتماد کنند.

تمرین ۲

حالا وقت خلوت کردن است. در تنهایی خودتان به این سؤال‌ها پاسخ دهید:

۱. دنیای خصوصی دارید، درست. وسعت این دنیای خصوصی چقدر است؟ موقعیتی پیش آمده است که این موضوع را بسنجید؟

۲. چقدر به «فاصله» اعتقاد دارید؟ همه‌جا یا موقعیت‌های خاص؟

۳. آیا لازم می‌دانید کمی تا قسمتی درباره‌ی فاصله‌ها بیشتر فکر کنید؟ مفهوم «فاصله» در زندگی شما درست است؟ اگر نیست، برای اصلاح آن چه قدم‌هایی باید بردارید؟

وقتِ درو



زهره انصیری
آموزگار ابتدایی

هر کشت را برداشتی است و هر تلاشی را نتیجه‌ای. اگر محصولی کاشته شود، باید زمان مشخصی بگذرد تا با سپری شدن مراحل داشت، به مرحله‌ی برداشت برسد. شاید در این میان تنها کشتی که با برداشتش هم‌زمان است، پرورش و آموزش به‌ویژه درباره‌ی کودکان است.

اردیبهشت آخرین ماه سال تحصیلی است و آنچه در کارنامه‌ی پایانی ثبت می‌شود، نتیجه‌ی تلاش چندماهه‌ی دانش‌آموز و معلم اوست، اما این فقط ظاهر ماجراست. درباره‌ی تعلیم و تعلم به‌واقع این‌گونه است که هر لحظه‌ی آموختن برابر است با برداشت و نتیجه. این موضوع درباره‌ی کودکان ملموس‌تر است؛ چراکه هر نقشی بر لوح وجودشان بخورد، در عمق جانشان رخنه می‌کند و از همان لحظه نتیجه‌اش را در زندگی خود می‌بینند؛ حال گل و ربان باشد یا علف هرز.

دومین سال تجربه‌ی آموزش مجازی هم رو به اتمام است. با این تفاوت که امسال می‌توان آن را نیمه‌مجازی دانست. دیگر چیزی تا زمان ارزیابی باقی نمانده است. از آنجا که ارزیابی در دوره‌ی ابتدایی به‌صورت کیفی توصیفی انجام می‌شود، معلم تمام فرایندهای یادگیری در طول سال تحصیلی را در نظر می‌گیرد تا امتیازی معقول و منصفانه را در کارنامه‌ی دانش‌آموز وارد کند. در این اوضاع یکی از مهم‌ترین موضوعات، چگونگی استفاده از ماه پایانی سال تحصیلی است و اینکه معلم، کلاس مجازی یا حضوری خود را چگونه مدیریت کند و چه محتوایی ارائه دهد تا برای تکمیل و تثبیت آموخته‌های دانش‌آموزان مفید واقع شود.

در این‌جا نظر چند تن از معلمان دوره‌ی ابتدایی را می‌خوانید:

زهره حیدری آموزگار پایه‌ی پنجم

من برای تثبیت یادگیری و نیز ارزشیابی آموخته‌ها از فرصت تعطیلات عید بهره بردم؛ به این ترتیب که برای بچه‌ها تمرین‌های عملکردی تعیین کردم تا آموخته‌های خود را با فعالیت‌های جذابی در عمل به کار بگیرند و نتیجه را در کلاس ارائه بدهند. البته از اهمیت مرور و تمرین در پایان سال تحصیلی نباید غافل شد. به نظرم باید اردیبهشت‌ماه به تکرار و تمرین اختصاص داده شود.

لیلامحبی آموزگار پایه‌ی سوم

آموزش مجازی فرصت‌های یادگیری و روش‌های ارزیابی جدیدی را در اختیار معلمان و دانش‌آموزان قرار داده است و باید برای آن برنامه‌ی مفیدی داشت.

در اسفندماه سال ۱۳۹۸ وقتی آموزش مجازی آغاز شد، فرایند آموزش و ارزیابی صحیح برای معلمان و دانش‌آموزان خیلی سخت بود؛ ولی حالا با گذشت دو سال، معلمان خلاق به روش‌های خوبی دست یافته‌اند که از طریق آن روش‌ها هم آموزش مؤثری را ارائه و هم ارزیابی اصولی و درستی را انجام می‌دهند. این شرایط سخت باعث شد دانش مادر زمینه‌ی فناوری آموزشی بالاتر برود. حتی پس از بازگشایی کامل مدرسه‌ها هم می‌توان از این روش کمک گرفت. حالا که در پایان سال تحصیلی قرار داریم، باید ارزیابی‌هایمان را در همین راستا انجام دهیم؛ همان‌طور که برای تعطیلات نوروزی فعالیت‌هایی تعریف کردیم که کودکان با شوق و علاقه و با استفاده از فناوری آن‌ها را انجام دهند.

فاطمه محمدی آموزگار پایه‌ی پنجم

با وجود تجربه‌ی دوساله در آموزش مجازی، هنوز خیلی راه داریم تا به آموزش و ارزشیابی مطلوب در این شرایط دست پیدا کنیم.

به نظر من آموزش مجازی برای کودکان و در نهایت ارزیابی آن‌ها، به روش تدریس مخصوص به خود نیاز دارد. کارشناسان این حوزه باید با جمع‌آوری نظر و تجربه‌های معلمان، به تدوین آن روش‌ها بپردازند تا معلمان و دانش‌آموزان از سردرگمی موجود بیرون بیایند.

به پایان سال تحصیلی رسیده‌ایم. دو سال از تجربه‌ی آموزش مجازی می‌گذرد، اما هنوز هم کاملاً مشخص نیست چگونه باید ارزیابی دقیقی از دانش‌آموز انجام شود یا اینکه معلم چگونه برگه‌های «برنامه‌ی ملی شهاب» را درست و دقیق پر کند؛ در حالی که این برگه‌ها آینده‌ی دانش‌آموزان را رقم می‌زنند و باید با شناخت دقیق از توانایی‌های او پر شوند. از طرفی تجربه‌ی دوساله به ما نشان داد که احتمال ادامه‌ی این وضعیت یا وضعیتی مشابه وجود دارد. بنابراین باید تدبیری اندیشید که ارزیابی‌های تکوینی و پایانی دقیق و اصولی انجام شوند.

مینا باقری آموزگار پایه‌ی چهارم

به‌دلیل شیوع امیکرون در بهمن و اسفند کلاس‌ها به‌طور کلی مجازی بودند. تصمیم گرفتم با هماهنگی مدرسه برای دانش‌آموزانی که به تمرین بیشتر نیاز داشتند، کلاس رفع اشکال حضوری برگزار کنم. به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده بودم که در هر کلاس فقط یک یا دو نفر دانش‌آموز حضور داشته باشند. کلاس‌ها بسیار مفید بودند و اشکالات دانش‌آموزان به‌راحتی برطرف می‌شدند.



لیلا حیدری آموزگار پایه‌ی اول

برای اینکه از فرصت پایانی سال تحصیلی استفاده‌ی لازم را ببریم، در وهله‌ی اول باید مشکلات یادگیری دانش‌آموزان را بشناسیم. سپس برایشان تمرین‌های مربوط به مباحث را از ساده به مشکل طراحی کنیم تا با انجام آن‌ها اشکالاتشان برطرف و مباحث در ذهنشان تثبیت شوند.

هر معلمی در ماه‌های پایانی سال شناخت لازم را درباره‌ی دانش‌آموزانش کسب می‌کند. به نظرم با توجه به شرایط آموزش مجازی، لازم است معلم با دانش‌آموزانی که مشکل یادگیری دارند، تک‌به‌تک کار کند و به هر کدام تمرین‌ها و تکالیف مخصوص بدهد تا در پایان سال کلاس سطح مشخص و همسانی داشته باشد.

اگرچه در ارزشیابی پایانی باید وضعیت واقعی دانش‌آموز در نظر گرفته شود، ولی نباید فراموش کنیم که در ارزشیابی کیفی توصیفی مقایسه‌ی دانش‌آموزان با یکدیگر صحیح نیست و هر دانش‌آموز باید با توجه به توانایی‌ها و تلاش خودش ارزیابی شود.

امید که معلمان خلاق و توانمند از تهدیدی به نام «کرونا» فرصتی به نام «روش‌های نوین آموزش و ارزشیابی» را در آموزش مجازی و مجازی‌حضور بیافرینند.

زهرا اسکندری معلم پایه‌ی ششم

تجربه‌ی سال‌ها تدریس به کودکان به من آموخته است پایان سال را باید در آینه‌ی آغاز سال ببینم. بودجه‌بندی و برنامه‌ریزی صحیح در آغاز سال و تعیین روش‌های مناسب برای تدریس هر مبحث، مهم‌ترین کار برای رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب در زمینه‌ی فعالیت‌های آموزشی و پرورشی است.

گرچه اردیبهشت ماه نتیجه است و برای هر دانش‌آموز کارنامه‌ای صادر می‌شود، اما به اعتقاد من در دوره‌ی ابتدایی هر لحظه از آموزش، همان لحظه‌ی نتیجه است و معلم هر بذری در دل و جان و ذهن کودک بکارد، همان لحظه نتیجه‌ای دریافت خواهد کرد. درست است که با گذر زمان و تکرار مباحث در امور آموزشی و پرورشی، موضوع در ذهن کودک تثبیت می‌شود، ولی چون در سنین کودکی همه‌چیز در دل و جان انسان پایه‌گذاری می‌شود، مهم است که شالوده‌ی محکم و درست و استواری بنا نهاده شود.

آرامش بخشیم



عاطفه فرهادی
کارشناس ارشد ادبیات

روزهای امتحان تداعی کننده‌ی انواع اضطراب‌ها، ترس‌ها و شادمانی‌ها هستند. روزهایی که دانش‌آموزان برای کسب نتیجه‌ی مطلوب بیش‌ازپیش تلاش می‌کنند و با احوالات گوناگون منتظر اعلام نتایج می‌مانند. اکثر اوقات کسانی که باور دارند مسیر را درست طی کرده‌اند، دیگر نگران نتیجه نیستند و خیالشان راحت است، اما در این بین هستند دانش‌آموزانی که هم در طول امتحان و هم برای دریافت کارنامه مضطرب‌اند. باید بدانیم این اضطراب، چه در اثر عوامل محرک درونی باشد و چه عوامل بیرونی، مخرب و مغل آرامش فرزندانمان است. در این زمان والدین و معلمان آگاه باید حال این دانش‌آموزان را بیشتر درک کنند و با راهنمایی و هدایت درست، از استرس این بچه‌ها بکاهند. اما چرا یک دانش‌آموز از زمان شروع امتحانات تا دریافت کارنامه هنوز درگیر و مضطرب است:

مشاهده‌ی استرس والدین

جالب است بدانید که در برخی خانواده‌ها، والدین بیش‌تر از بچه‌ها مضطرب‌اند و این حس بد را به فرزندانشان نیز منتقل می‌کنند. انتقال این اضطراب، چه در طول امتحانات و چه بعد از آن، با پرسش مداوم درباره‌ی کیفیت امتحانات، منفی‌بافی کردن درباره‌ی نتیجه و شمارش روزها تا اعلام نتایج و رفتارهایی از این قبیل، باعث می‌شوند کودک پریشان و مضطرب شود و حتی از دریافت کارنامه بترسد.

داشتن توقعات غیرمنطقی

هرکس به‌فراخور اوضاع فیزیکی، روحی و خانوادگی توانایی‌های مختص به خود را دارد، اما بیش‌تر ما بدون در نظر گرفتن این توانایی‌ها و امکانات فردی از خودمان توقعات زیاد و غیرمنطقی داریم. توجه به برقراری هماهنگی بین توانایی‌ها و خواسته‌ها تا حد زیادی می‌تواند اضطراب دانش‌آموز را کنترل کند. مثلاً دانش‌آموزی که اضافه‌وزن دارد، نباید انتظار داشته باشد در امتحان پرش (درس تربیت‌بدنی) رکورد بالایی را ثبت کند.

از طرفی گاهی این والدین هستند که از دانش‌آموزشان توقعات غیرمنطقی دارند. آن‌ها مدام فرزندانشان را به سمتی سوق می‌دهند که خودشان می‌پسندند و بعد انتظار دارند که بچه‌هایشان در این مسیر به موفقیت برسند، اما نمی‌دانند که این کار ممکن است چه ضربه‌ی مهلکی را به آن‌ها وارد کند. به هر حال وقتی پای انتظارات و توقعات غیرمعقول به زندگی افراد باز شود، ممکن است اتفاقات ناگواری، هم برای جسم و هم روح آن افراد، پیش بیاید.



عکاس: مهدی حیدری‌نژاد

نداشتن خودباوری

یکی از مهم‌ترین دلایلی که باعث می‌شود دانش‌آموز، چه در طول امتحان و چه پس از آن، همچنان پریشان‌خاطر باشد، نداشتن خودباوری است. این فرد به توانایی‌ها، مقدار تلاش و همچنین درک و دریافت خود در طول سال تحصیلی اطمینان ندارد و گمان می‌کند مطالب کتاب را یاد نگرفته یا خوب یاد نگرفته است. در طول امتحان هم، به دلیل این تفکر که سؤالات برایش درک‌نشده‌ی و نامفهوم‌اند، نمی‌تواند پاسخ درستی بدهد، در نتیجه در آن امتحان موفق نمی‌شود. بعضی اوقات نیز دانش‌آموز امتحان را با موفقیت پشت سر می‌گذارد، اما وسواس فکری او باعث می‌شود گمان کند در امتحانات خود موفق نبوده است. این وسواس فکری تا حدودی از همان نبود خودباوری نشئت می‌گیرد.

مقایسه‌ی خود با دیگران

یکی از مهم‌ترین آفت‌هایی که می‌تواند خرمن زندگی را به آتش بکشد، مقایسه‌کردن خود با دیگران است. دانش‌آموزی که خودش را با دیگران مقایسه می‌کند، اعتمادبه‌نفس خویش را از بین می‌برد و آتش حسادت را شعله‌ور می‌کند. خشم، افسردگی و اضطراب از دیگر پیامدهای مقایسه‌کردن هستند. فرقی نمی‌کند خود دانش‌آموز دست به مقایسه بزند یا والدینش. به هر حال میزان خسارات وارده به روح و جسم فرد در این مواقع بسیار بالاست. دانش‌آموزانی که پس از امتحان، کیفیت عملکرد خود را با بقیه مقایسه می‌کنند، استرس خود را افزایش و اعتمادبه‌نفس خود را کاهش می‌دهند. همچنین والدینی که همواره فرزندشان را با دیگران مقایسه می‌کنند، در واقع روح و روان او را تحقیر و تخریب می‌کنند.



چه باید کرد؟

● **اعتماد به نفس را پرورش دهید:** تقویت اعتماد به نفس و خودباوری کودک در طول سال تحصیلی و در ایام امتحانات موضوع مهمی است که می‌تواند برای رشد و پیشرفت او مفید باشد. والدین و معلمان همواره باید نقاط قوت دانش‌آموز را به او گوشزد کنند و در برطرف کردن نقاط ضعف او همراهش باشند. فعالیت‌هایی را به او محول کنند که به افزایش اعتماد به نفس او منتهی می‌شود.

● **انعطاف‌پذیری را یاد بدهید:** اینکه فرزند یا دانش‌آموز شما آمادگی پذیرش هر اتفاقی را داشته باشد و در برابر سختی‌ها و شکست‌های احتمالی از خودش ضعف نشان ندهد، یعنی شخصیت منعطفی دارد و می‌تواند با شرایط متفاوت کنار بیاید. برای اینکه فرزند منعطفی داشته باشید، در اطراف او جو مثبتی ایجاد کنید. به ناراحتی‌های او بها بدهید و او را با احساسات منفی درونش تنها نگذارید. هدف‌های مهم زندگی او را به یادش بیاورید. فرزندان را به سمت انجام فعالیت‌های پر نشاط سوق بدهید. با او شوخی کنید و به او کمک کنید تا همه چیز را همان‌گونه که هست بپذیرد.

● **تشویق کنید:** تشویق آری، تحقیر نه! هرگز بچه‌ها را به خاطر ناکامی‌شان در امور گوناگون تحقیر نکنید و توانایی‌هایشان را نادیده نگیرید. این کار به اعتماد به نفس فرزندان ضربه می‌زند و احساس خشم و ناکارآمدی را در او پرورش می‌دهد. همواره سعی کنید حس حمایت را در آن‌ها برانگیزید و بگذارید باور کنند شما همیشه و در هر وضعیتی همدل و همراهشان هستید. به آن‌ها کمک کنید دلایل شکست خود را بیابند و با تکیه بر توانایی‌هایشان برای رسیدن به موفقیت بیشتر تلاش کنند.

● **گفت‌وگو کنید:** به یاد داشته باشید هرگز نباید پس از امتحان درباره‌ی کیفیت عملکرد فرزندان از او سؤال کنید. بگذارید از حال و هوای امتحان دور شود. او را به گردش ببرید و درباره‌ی مسائل مهیج و نشاط‌آور با هم صحبت کنید. این کار باعث می‌شود اضطراب از او و خودتان دور بماند.

کلام آخر

تمام اضطراب‌های پیدا و پنهان درون والدین و فرزندان عاملی است که می‌تواند زندگی عادی آن‌ها را مختل کند. اضطرابی که در روزهای امتحان تا حدودی عادی است، در برخی افراد به اوج خود می‌رسد و آن‌ها را فلج می‌کند. پس باید به فکر بود و دلایل این اضطراب‌ها را شناسایی و آن‌ها را برطرف کرد. عواملی چون مقایسه کردن، نداشتن خودباوری و داشتن توقعات غیرمنطقی باعث می‌شوند استرس کودکان و والدین آن‌ها در طول امتحانات افزایش پیدا کند و عملکردشان را تحت تأثیر خود قرار دهد. با انجام فعالیت‌ها و ترفندهای گوناگون می‌توان عوامل استرس‌زا را شناسایی و برطرف کرد. گاهی هم لازم است با کمک مشاور این چالش را پشت سر گذاشت. لطفاً محافظت از سلامت روح و روان خود و فرزندان را جدی بگیرید!

گزیده‌ای از سند برنامه‌ی درسی ملی

بند دهم از اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی بر این نکته تأکید می‌کند: فرایند برنامه‌ریزی درسی و تربیتی باید زمینه‌ی مشارکت و تعامل مؤثر معلمان، دانش‌آموزان، خانواده‌ها و سایر گروه‌های ذی‌نفع، ذیربط و ذی‌صلاح را در طراحی، تولید، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها فراهم کند.

آیندازی

اردیبهشت ماه
دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۱

۱۳

آینده پژوهان هم طرح درس می نویسند!

مرتضی مجدفر

پژوهشگر مسائل آموزشی



فرانامه نویسی

همان‌طور که معلمان برای رفتن به کلاسی که قرار است فردا، هفته‌ی بعد، ماه آینده یا در نهایت در طول سال تحصیلی تشکیل شود، «فرانامه» (سناریو)های متفاوتی طراحی می‌کنند که ما در ادبیات تربیتی از آن‌ها با عنوان «طرح درس» نام می‌بریم، آینده‌پژوهان هم فرانامه‌نویسی (سناریوپردازی) می‌کنند. فرانامه‌ها تصویرهایی از آینده‌های محتمل هستند که به شکل درونی به هم وابسته‌اند. فرانامه از اطلاعات مربوط به احتمالات و روندهای متنوع (و گاه واگرا)، تصویرهایی باورپذیر و از لحاظ درونی سازگار از آینده ایجاد می‌کند. هدف از به کارگیری فرانامه، ایجاد فضایی است از آنچه ممکن است رخ دهد که در آن کارایی سیاست‌های

اتخاذ‌شده در برابر چالش‌های موجود در آینده در بوته‌ی آزمایش قرار می‌گیرد. فرانامه‌ها همچنین کمک می‌کنند هم چالش‌ها و هم فرصت‌های بالقوه ولی غیرمنتظره شناسایی شوند. فرانامه‌ها با کشف نظام‌دار چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو، در خدمت تدوین راهبردها قرار می‌گیرند. فرانامه‌ها تنها حدسیات در مورد آینده نیستند. فرانامه‌نویسی کمک می‌کند بیندیشیم چگونه در شرایط محیطی متفاوت آینده، پیروزمندانه به هدایت امور بپردازیم. ممکن است برای یک آینده چند فرانامه پیش‌بینی شود. مجموعه‌ای از چندین فرانامه‌ی متمایز و مقیدکردن «عدم قطعیت لایتناهی» به یک حد و مرز، برنامه‌ریزی نظام‌دار برای انجام اقدام‌های لازم در سازمان را ممکن می‌کند.

تمرینی ساده برای فرانامه‌نویسی دانش‌آموزان

کتاب داستان جذابی را که حتماً می‌دانید دانش‌آموزانتان آن را ندیده و نخوانده‌اند، در کلاس برای بچه‌ها بخوانید، ولی بخش پایانی داستان را برایشان تعریف نکنید. حال از بچه‌ها بخواهید پایان مناسبی برای این داستان انتخاب کنند. اگر داستان چالش‌برانگیز باشد، در یک کلاس ۳۰ نفری بیش از ۲۰ پایان متفاوت را شاهد خواهید بود.

(راهنمایی: می‌توانید به جای داستان، قصه‌ی پیشرفت تدریجی وسیله‌ای مانند تلفن را برایشان تعریف کنید و از آن‌ها بخواهید آینده‌ی تلفن‌های همراه نسل امروزی را فرانامه‌نویسی کنند. البته فرانامه‌نویسی به این سادگی هم نیست، ولی چون قرار است تمرین کنیم، آن را ساده بیان کردیم.)



آینده‌پژوهی

اردیبهشت ماه
دوره‌ی بیست و نهم
شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۱

۱۴

روزی که مادر شدم

مقصود ولی پور

مدیر آموزگار، بیجار



در ۸۵ کیلومتری شهرستان بیجار، روستایی هست به اسم «کچه گنبد جعفرآباد»، با امکانات محدودی مثل آنتن‌دهی ضعیف تلفن همراه، کمبود آب شرب و جاده‌ی نامناسب. مدیر آموزگار مدرسه‌ی این روستا هستم و در مدرسه بیتوته می‌کنم. گاهی به دلیل وضعیت آب‌وهوایی و جاده‌ای مجبورم هفته‌ها در آنجا بمانم. سال گذشته هم در همین روستا بودم. وضعیت بیماری کرونا اجازه‌ی تدریس تمام‌وقت را نمی‌داد و دانش‌آموزان به صورت گروه گروه در مدرسه حضور می‌یافتند. دو نفر از بچه‌های من در کلاس اول ضعیف بودند. امسال برای کمک به آن دو نفر دوباره همین روستا را انتخاب کردم تا بتوانم ضعف‌هایشان را جبران کنم. با توجه به اینکه امکاناتی برای تشویق دانش‌آموزان نداشتیم، برنامه‌ای با عنوان «سینما مدرسه» برایشان تدارک دیدم. هر ماه در روز اجرای این برنامه، بچه‌ها در کنار هم برنامه کارتون‌ی می‌بینند و این برایشان بسیار لذت‌بخش است. این گونه تشویق‌ها می‌توانند بسیار لذت‌بخش‌تر از دادن یک دفتر یا مداد به عنوان جایزه باشند.



دبستان دخترانه-پسرانه‌ی کچه گنبد جعفرآباد مدرسه‌ای روستایی است که در استان کردستان، شهرستان بیجار، روستای کچه گنبد جعفرآباد قرار دارد و آقای مقصود ولی پور مدیر آن است. مدرسه ۴۱ دانش‌آموز دارد و ۲ کلاس درس. جمعیت تقریبی هر کلاس ۲۰ نفر است. آقای ولی پور آموزگار پایه‌های (دوم، سوم و ششم) است و در کلاسش ۲۱ دانش‌آموز دارد.

آزمونی

ز دیهشت ماه

دوره‌ی بیست و پنجم

شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۱

روزی که من آموزگاری را بر عهده گرفتم، احساس سنگینی عجیبی بر شانه‌هایم داشتم. گویا کاری بسیار مضاعف به وظایفم اضافه شده بود. دلم می‌خواست بتوانم نیازهای شاگردانم را برآورده سازم؛ حتی نیاز کودکی که در حسرت نداشتن مادر به سر می‌برد! اما مادربودن وظیفه‌ی سختی است و به اعتقاد راسخ من، کسی جز مادر نمی‌تواند این وظیفه‌ی سنگین را بر دوش بکشد. راستش را بگویم، من توان این کار را نداشتم. مادری تنها لایق بانوان و روحیه‌ی پرمهر و محبتی است که خداوند در وجود آن‌ها نهاده است.

ماجرای احساس مادری من از آنجا آغاز می‌شود که به‌رسم هر ساله، در روز مادر، در کلاس هنر برنامه‌ای با عنوان «کادویی برای مادر» ترتیب دادیم. قرار بود هر دانش‌آموز کار هنری خودش را که یک کارت تبریک بود، بعد از پایان، به مادرش هدیه دهد. از بچه‌ها خواستم مقواها و کاغذهای رنگی‌شان را که از قبل تهیه کرده بودند، به مدرسه بیاورند. ساعت هنر فرا رسید. همه مشغول انجام کار هنری بودند. همه با شور و ذوق خاصی مشغول اندازه‌گرفتن مقوا و کاغذ رنگی‌ها بودند تا بهترین کار را برای مادرشان آماده کنند. نگاهم به یکی

از شاگردان افتاد. هیچ‌کاری انجام نمی‌داد و لبه‌های قیچی را بر هم می‌مالید. با خودم گفتم کار سختی که نیست! چرا انجام نمی‌دهد؟ آرام‌آرام به‌سویش حرکت کردم. در کنار نیمکتش قرار گرفتم. دستم را بر شانه‌اش گذاشتم و پرسیدم: «پسر خوب، چرا انجام نمی‌دهی؟»

اشک در چشمانش حلقه بست و هق‌هق کنان گفت: «آق، آقا، من کسی را برای هدیه‌دادن ندارم، برای همین انجام نمی‌دهم.» تازه یادم افتاد که این دانش‌آموز، بعد از فوت پدر، مادرش، تنها چراغ روشنی‌بخش دنیای کودکی‌اش را هم از دست داده بود.

گفتم اشکالی ندارد. امروز من مادر تو هستم و تو در پایان، کار هنری خودت را به من هدیه بده. با اینکه اشک در چشمانش بود، خنده‌ی زیبایی کرد. انگار با این خنده می‌گفت: «آقا، شما کجا، مادربودن کجا؟»

به هر حال با شور و شوق شروع به انجام کار کرد. وقتی هم کارش را به پایان رساند، آن را به من هدیه داد.

آن روز من نقشی را برعهده گرفته بودم که هرگز توان انجام آن را نخواهم داشت، زیرا رسالت مادربودن فقط و فقط مختص بانوان است.



چشم و گوش بسته عقل و هوش باز

علیرضا صالحی

آموزگار، نوشهر



حوالی ساعت ۱۱ بود. زنگ چهارم را تازه شروع کرده بودیم. زنگ‌های قبل درس‌های سنگینی داشتیم، آن هم در کلاس دوپایه. خستگی بیشتر از نشاط در چهره‌ی بچه‌ها دیده می‌شد. این زنگ، برنامه‌ی چهارمی‌ها هنر و پنجمی‌ها نگارش بود، اما آن‌طور که من می‌دیدم، نه چهارمی‌ها حس نقاشی و خط داشتند و نه پنجمی‌ها حال انجام تکلیف فارسی نوشتاری. اینجا دیگر پافشاری بر برنامه‌ی کلاسی همیشگی عین ظلم به بچه‌ها بود. چون آمادگی یادگیری نداشتند، یاد نمی‌گرفتند و از درس هم زده می‌شدند و این چیزی نبود که من می‌خواستم.

در فکر بودم که چگونه این ساعت را بگذرانیم. یادم آمد می‌توانم به شیوه‌ی تلفیقی تدریس کنم، اما مسئله این بود که بچه‌ها حس و حال نداشتند. باید راه‌حلی پیدا می‌کردم. متوجه منظره‌ی سرسبز بیرون پنجره شدم. من از آنچه می‌دیدم لذت می‌بردم، ولی نمی‌دانستم بچه‌ها چقدر واکنشان مثبت خواهد بود. لذت‌بردن و پیدا کردن حس خوب هم مهارتی است که انسان باید تمرین بکند. مسئله‌ی بعدی این بود که این بچه‌ها هر روز در دل همین طبیعت بودند و حضور و دیدن مناظر برایشان عادی شده بود، پس باید به‌نحو جدیدی آن‌ها را با طبیعت روبه‌رو می‌کردم، جوری که تا الان آن را ندیده بودند. نفس عمیقی کشیدم، صدایم را با سرفه‌ی کوچکی صاف کردم و کف دستانم را به نشانه‌ی توجه دو بار بلند به هم زدم. بچه‌ها سرشان بالا آمد. شروع کردم: «خب، بچه‌های کلاس همه دقت کنند! امروز درس کلاس چهارم و پنجم مشترک است. می‌خواهیم کار جالبی انجام دهیم، اما قبل از آن از پنجمی‌ها می‌پرسم که یادتان هست ما درباره‌ی تفاوت شنیدن و گوش کردن چه گفتیم؟ و همین‌طور تفاوت دیدن و نگاه کردن؟» جوابی نشنیدم. برای اینکه کمی غیرت پنجمی‌ها را قلقلک دهم، رو کردم به چهارمی‌ها و گفتم: «از این پنجمی‌ها که بخاری بلند نشد، شما وقتی به آن‌ها تدریس می‌کردم، یاد گرفتید؟ می‌توانید بگویید؟» به محض اینکه یکی از دانش‌آموزان کلاس چهارم از جایش برخاست، صدای محمدجواد از میزهای آخر کلاس پنجم بلند شد و گفت: «آقا، گوش دادن یعنی ما به صدایی دقت و توجه کنیم.» تشویقش کردم و خواستم مثالی بزند. گفت: «آقا، ما صدای خانم الهی (معلم کلاس بغلی) را می‌شنویم، اما داریم به صدای شما و صحبت‌هایتان گوش می‌کنیم. یعنی دقت می‌کنیم تا یاد بگیریم.» گفتم: «به‌به! عالی بود، تشویق بچه‌ها!» کلاس دوباره روح گرفت. ادامه دادم: «بله، تفاوت دیدن با نگاه کردن هم همین است، ما در نگاه کردن دقت و به جزئیات توجه می‌کنیم، اما ممکن است در خیابان خیلی چیزها را ببینیم و یادمان هم

دبستان دخترانه-پسرانه‌ی صفا مدرسه ای چند پایه است در استان مازندران، شهرستان نوشهر، روستای کهنه‌سرا. خانم حسینی مدیر آن است. مدرسه ۵۵ دانش‌آموز دارد و چهار کلاس درس. جمعیت تقریبی هر کلاس ۱۳ نفر است. آقای صالحی آموزگار پایه‌های چهارم و پنجم است و در کلاسش ۱۶ دانش‌آموز دارد.

آب‌آب‌آب

از دیپهشت ماه

دوره‌ی بیست و پنجم

شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۱

۱۸

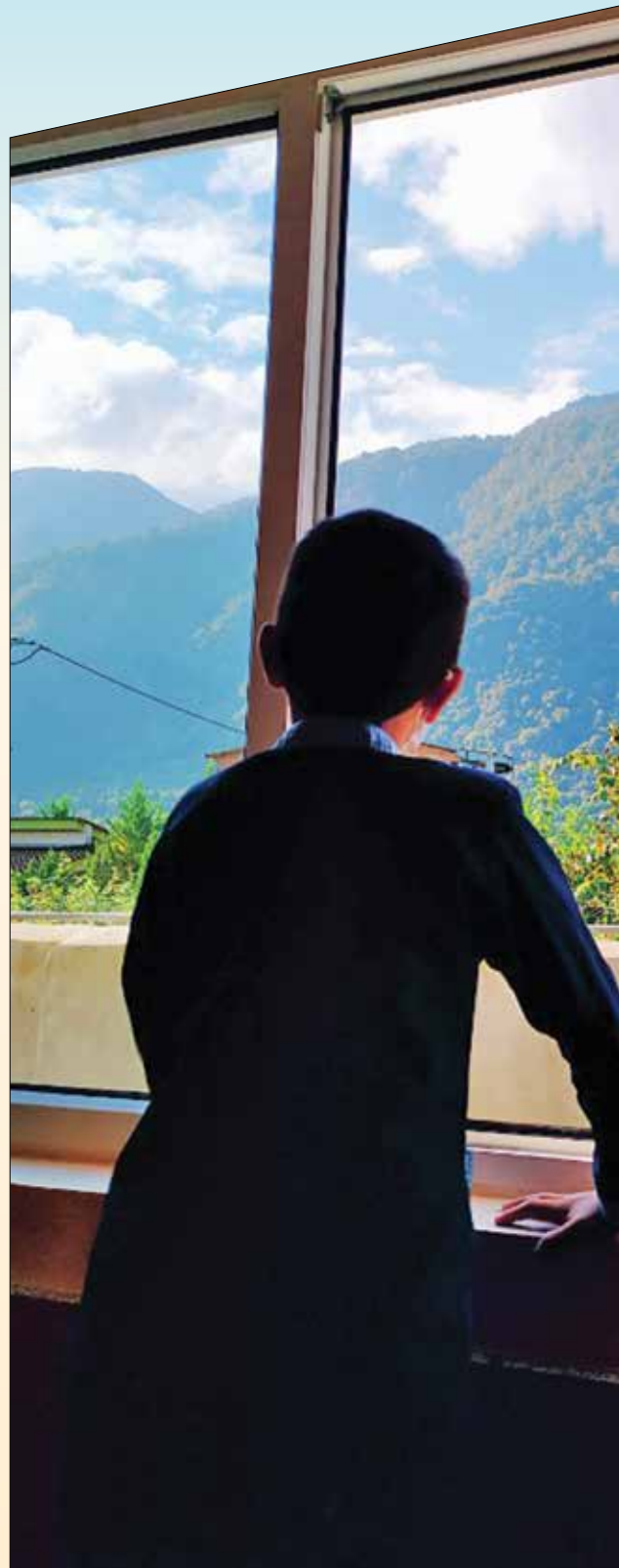


شنیدن یا گوش دادن؟



نماند. حالا برویم سراغ کاری که می‌خواهیم انجام دهیم.»
 بچه‌ها با چشم‌های باز و سراپا گوش منتظر بودند تا ببینند معلم چه می‌خواهد از آستینش در بیاورد و معلم مطمئن، قدری بیش از آنچه واقعاً بود، به کارش ادامه می‌داد. او دانش‌آموزان چهارم و پنجم را به پنج گروه سه‌تایی تقسیم کرد. بچه‌ها هنوز نمی‌دانستند که معلم چه در سر دارد. بعد از تقسیم گروه‌ها، با کشیدن خطی تخته را نیز دو قسمت کرد: چهارمی‌ها و پنجمی‌ها. برای پایه‌ی چهارم نوشت: «نقاشی بکشید.» و پایین قسمت پنجمی‌ها نوشت: «دو بند بنویسید.» سپس به سراغ چهارمی‌ها رفت که ستنشان کمتر بود و دو گروه سه‌نفره بودند. یک صندلی را نزدیک پنجره گذاشت. به پنجمی‌ها گفت: «خوب دقت کنید به آن‌ها (کلاس چهارم) چه می‌گوییم.» رو به چهارمی‌ها کرد و گفت: «از شما می‌خواهم چشم‌هایتان را ببندید و خوب گوش کنید، می‌خواهم چیزی را که شنیدید، نقاشی کنید.» ابوالفضل خواست بگوید آقا ما بلد نیستیم... که معلم انگشت راهگشای اشاره را بر بینی گذاشت و با تعجب و حیرت گفت: «می‌شنوی؟» چشم‌های خودش را بست و وانمود به گوش دادن کرد. ابوالفضل هم حالا فقط گوش می‌کرد و آرام چیزهایی را که می‌شنید، زیر لب می‌گفت: «صدای جیر جیر ک، صدای گنجشکان، صدای باد که برگ‌های درخت بزرگ نارنج روبه‌رو را تکان می‌دهد.» اندکی بعد، عطر بهار نارنج بود که مشام من و ابوالفضل را نوازش می‌داد. جالب پنجمی‌ها بودند که خودشان را ساکت می‌کردند تا ابوالفضل بتواند خوب بشنود. خب، چهل ثانیه زمانش به پایان رسید. آمد پایین و عرفان رفت بالا. عرفان صدای زنگوله‌ی گاوها را که پشت حیاط روبه‌رویی بودند، شنید و صدای گنجشکان و... لحظاتی نگذشت که عرفان گفت: «آقا اجازه، چرا... چرا ما چشم‌ها را بستیم، صدای گنجشک‌ها می‌آمد؟» اول نفهمیدم، ولی بعد، یک لحظه ماتم برد، حرف عرفان برایم خود عرفان بود. جا خوردم از این سؤال. چرا؟ چون وقتی یک حس (بینایی) از کار افتاد، تازه راه برای شنیدن آنچه قبلاً بود و شنیده نمی‌شد، باز شده بود. یاد بیتی از مولانا افتادم.

این دهان بستی، دهانی باز شد / کو خورنده‌ی لقمه‌های راز شد
 به خودم آمدم، توی دلم قند آب شده بود، گفتم: «عرفان، چه خوب پرسیدی. بهت می‌گم. خوبم می‌گم.»
 چهارمی‌ها مشغول نقاشی آنچه در ذهنشان با گوش دادن به صداها ایجاد شده بود، شدند. نوبت پنجمی‌ها رسید. از قبل می‌خواستیم پنجمی‌ها هم همین کار را تکرار کنند. چشم‌هایشان را ببندند و تصویر و تصویری را که از شنیدن و حتی از سایر حواس در ذهن آن‌ها ایجاد می‌شود، در حد دوسه بند بنویسند، اما تصمیم عوض شد. از آن‌ها خواستم که گوششان را بگیرند و این بار با چشمشان چیزهایی را در منظره‌ی پشت پنجره ببینند که تا به حال نمی‌دیدند و بنویسند از چیزهایی که این‌گونه دیدند. شاید این تمرینی باشد که یادشان بماند بزرگ‌تر که شدند، برای دیدن و شنیدن بعضی چیزهای جدید، اتفاقاً گاهی نیاز است چشم و گوششان را نگه دارند تا ببینند، تا بشنوند.



گزیده‌ای از سند برنامه‌ی درسی ملی

در برنامه‌ی درسی ملی، در دلالت ششم، در توضیح مبانی روان‌شناختی و در بند ۳-۶ آمده است: فرایندهای شناختی از عملکرد ساده‌ی حواس پنجگانه‌ی ظاهری آغاز شده و به دریافت و استنتاج پیچیده‌ی انتزاعی و عقلانی می‌رسد.

آبشار

اردیبهشت ماه

دوره‌ی بیست و پنجم

شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۱

۱۹

راهنمای اولیا

شمسی نوری

آموزگار، مریوان

باتوجه به وضعیت حاکم بر کشور (بیماری کرونا)، والدین به‌طور مستقیم درگیر آموزش فرزندانشان شده‌اند. لذا برای

هم‌سوسدن آموزش‌های اولیا به فرزندان با آموزش‌های معلم، در رابطه با نام کاربردی نشانه‌ها، در جدول حروف الفبا، طراحی و تدوین جدولی مخصوص اولیا خیلی ضروری است. جدولی که درنهایت بعد از تدوین و چاپ دراختیار والدین محترم قرار گیرد. این جدول کمک می‌کند نام کاربردی حروف الفبا به‌صورت درست به دانش‌آموزان آموزش داده شود.

راهنمای جدول

● مصوت‌ها با رنگ قرمز و به ترتیبی قرار گرفته‌اند که با کامل شدن جدول، هنگام خواندن، ریتم و آهنگ داشته باشند.

● حروف سبزرنگ، چون به ترتیب صداهای او، ا، ای هم می‌دهند، با رنگ سبز نوشته شده‌اند.

جدول حروف الفبا (راهنمای اولیا)

آ	اول	غیر اول	ا	اول	غیر اول	ه	آخرتتها	او	اول	غیر اول	آخرتتها	ای	اول	غیر اول
آ	اول	غیر اول	ا	اول	غیر اول	و	غیر اول	او	اول	غیر اول	و	ای	اول	غیر اول
ب	غیر آخر	آخر	پ	غیر آخر	آخر	ت	غیر آخر	ث	غیر آخر	ث	غیر آخر	ب	غیر آخر	آخر
ج	غیر آخر	آخر	چ	غیر آخر	آخر	ح	غیر آخر	خ	غیر آخر	خ	غیر آخر	ج	غیر آخر	آخر
د	تنها		ذ			ر		ز		ز		د		
ذ			س	غیر آخر	آخر	ش	غیر آخر	ص	غیر آخر	ص	غیر آخر	ذ		
ض	غیر آخر	آخر	ط			ظ		ع	غیر آخر	ع	غیر آخر	ض	غیر آخر	آخر
غ	غیر آخر	آخر	ف	غیر آخر	آخر	ق	غیر آخر	ک	غیر آخر	ک	غیر آخر	غ	غیر آخر	آخر
گ	غیر آخر	آخر	ل	غیر آخر	آخر	م	غیر آخر	ن	غیر آخر	ن	غیر آخر	گ	غیر آخر	آخر
و			ه	غیر آخر	آخر	ی	غیر آخر					و		

به جز جدول الفبا، فعالیتی هم برای مشخص کردن صداهای کلمه داریم با عنوان «صداهای رنگین کمانی». صداهای کلمات با رنگ‌های قرمز، نارنجی، زرد، سبز، آبی، نیلی و بنفش نوشته می‌شوند. با این تمرین، رنگ‌های رنگین کمان را به ترتیب حفظ می‌کنیم و یاد می‌گیریم.



تقدیم تو باد!

شیوا نادری
آموزگار، مربیان

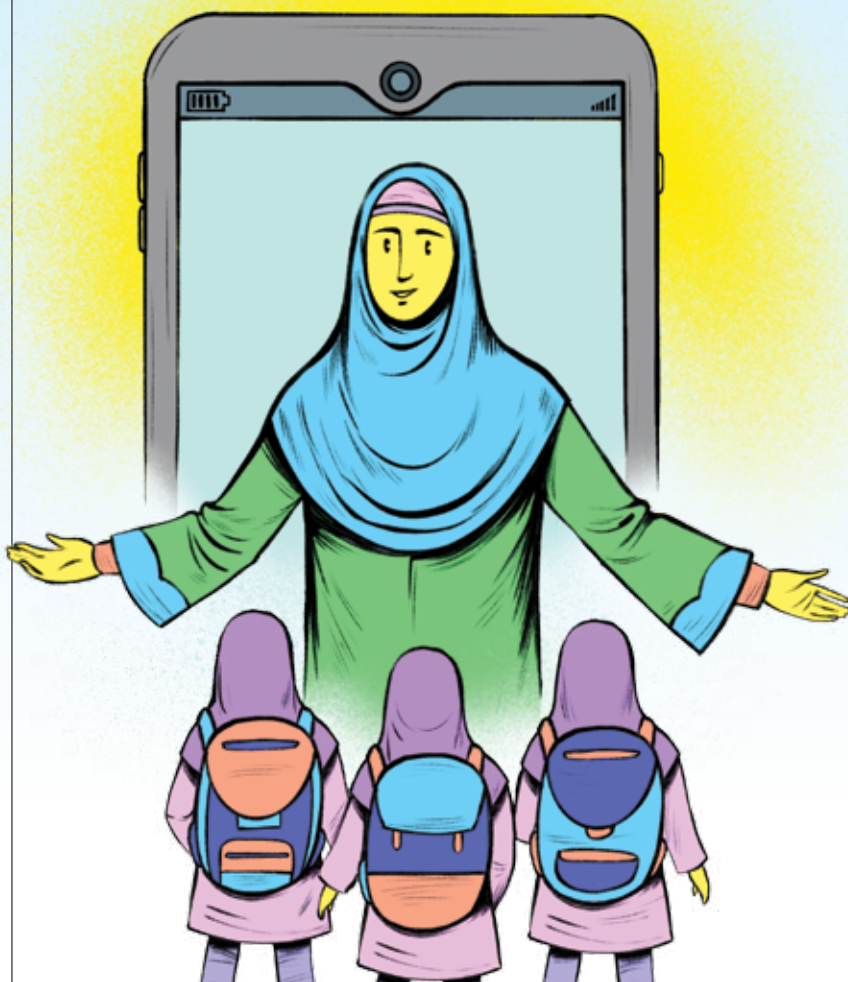
تقریباً اواخر مردادماه، بعد از تعیین شدن مدرسه‌ی محل تدریس که در محل سکونت خودم بود، به آنجا رفتم. خوشبختانه با مسئولان اجرایی مدرسه آشنایی خوبی برقرار کردم. برخورد و استقبال شایسته‌ی مدیر و معاون‌ها بسیار رضایت‌بخش بود و بر بنده تأثیر مثبت فراوانی داشت. پس از آشنایی، از مدیر خواستم که فهرست دانش‌آموزان کلاس را به من بدهد، چون با توجه به وجود کرونا، وضعیت برگزاری کلاس‌ها به‌صورت حضوری نامشخص بود. تصمیم گرفتم، قبل از شروع مدرسه، کانال کلاسی را در بستر فضای مجازی آماده کنم و با بچه‌ها و اولیا آشنا شوم. نخست به‌صورت تماس تلفنی خودم را به اولیا معرفی و مقداری از وضعیت یادگیری بچه‌ها در خواندن و نوشتن اطلاع کسب کردم. سپس با برداشتن قدم‌های آغازین و تشکیل کلاس مجازی خود را به دانش‌آموزانم نیز معرفی کرده و از آنان هم خواستم خودشان را به من و هم کلاسی‌هایشان معرفی کنند. خوشبختانه هفته‌ی اول مهر که از راه رسید، مدرسه‌ی ما اجازه‌ی تشکیل کلاس به‌صورت حضوری را داد. این فرصت به‌نظرم فرصتی طلایی بود که می‌توانستم به‌صورت حضوری و رودررو با دانش‌آموزانم ارتباط برقرار کنم. من آن را فال نیکی می‌پنداشتم برای برقراری ارتباط چشمی و قلبی با دانش‌آموزان و بیشتر سعی و تلاشم رسوخ در قلب آنان بود، چون در سابقه‌ی دوساله‌ی تدریس، تأثیر مثبت این نثار محبت بر دانش‌آموزان و نیاز آنان به محبت‌دیدن را فراتر از حس دریافته بودم. با محبت و عشق با دانش‌آموزان رفتار کردن، محیط کلاس، خود را همچون محیطی امن به آن‌ها نشان می‌دهد و جایگاهی برای والاشدن آنان از منظر آموزشی و تربیتی خواهد شد. ایجاد بستر امن آموزشی از طرف خودم را به‌عنوان قدم آغازین و اساسی

تجربه کرده‌ام و هر روز سعی بر پیشرفت آن خواهم داشت. امیدوارم خداوند هم مرا در این امر خطیر یاری دهد.

هر روز که وارد کلاس می‌شوم سعی می‌کنم با دانش‌آموزانم ارتباط مؤثر برقرار کنم. فقط کافی است نگاهمان به این کودکان معصوم مهربانانه باشد، کودکانی دوست‌داشتنی که برای ساختن آینده‌شان در این ایام ویروسی کرونا، با دل‌های پر از امید به مدرسه قدم گذاشته‌اند. آیا حق آن‌ها نیست با آغوش باز ما روبه‌رو شوند؟ به نظر بنده بهترین صدقه‌ای که ما معلمان هر روز می‌توانیم بدهیم، تقدیم محبت و امن کردن کلاس درس است.

این تجربه‌ی شیرین که هر روز بچه‌ها پس

از پایان کلاس با دل‌های شاد و پرانرژی‌شان و با بیان جملات ساده اما پر از معنا و مثل نگاه‌هایشان پر از شوق، از من خداحافظی می‌کنند، انگیزه و شوق تدریس من است و کار با کودکان را برایم لذت‌بخش می‌کند. من رضایت آنان را در کلام و نگاه‌هایشان بازخوردی می‌بینم که خودم هم نیازمند آن هستم. معلم شایسته، با همه‌ی عشقی که به حرفه‌اش دارد، هرگز فراموش نمی‌کند که خودش انسان است و مانند سایر افراد بشر نیازمند محبت، احترام متقابل، احساس ارزشمندی، سلامت همه‌جانبه، افزایش مداوم حکمت و معرفت و ایجاد تناسب زمان با تقویت علمی و حرفه‌ای خویش است.



گزیده‌ای از سندها تحول بنیادین

در جامعه اسلامی که مظهر تحقق بعد اجتماعی حیات طیبیه به شمار می‌آید، پیوندها خشونت‌آمیز نیست، بلکه ارتباط میان اعضای جامعه به ارزش‌های انسانی و اخلاقی، معرفت، محبت و اطاعت از خدا معطوف است.

آیندگی

اردیبهشت ماه

دوره‌ی بیست و پنجم

شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۱

۲۱

والدین و ارزشیابی توصیفی

در تدوین سیاست‌ها و راهبردهای خود به ظرفیت خانواده‌ها تکیه می‌کنند.

والدین مانند سایر عناصر آموزشی می‌توانند در ارزشیابی نیز نقش فعال داشته باشند. مشارکت والدین در ارزشیابی فرزندان، افزون بر کمک به مستندسازی و تأمل روی داده‌های ارزشیابی، اطلاعات غنی و ارزشمندی برای معلمان فراهم می‌سازد و به خود والدین نیز کمک می‌کند ضعف‌ها و قوت‌های فرزندان خود را بهتر بشناسند و روی آن تأمل کنند (بیرلی و تزیکا، ۲۰۱۴).

تقویت فرهنگ مشارکت والدین در فرایندهای مدیریتی و تربیتی مدارس از نشانه‌های نظام آموزشی کارآمد به شمار می‌رود.

بسیاری از محققان تلاش خود را روی طبقه‌بندی انواع خاصی از مشارکت والدین در سطح مدرسه متمرکز کرده‌اند. طبقه‌بندی‌های صورت‌پذیرفته مشارکت والدین را در سه بعد مشارکت مبتنی بر خانه، مشارکت مبتنی بر مدرسه و اداره‌ی مدرسه تقسیم می‌کنند (واشنگتن، ۲۰۰۱؛ گرینوود و اپستین، ۱۹۹۵؛ فن و چن، ۲۰۱۱). لیکن والدین به‌دلایلی مانند کمبود وقت، تجربه‌های منفی مدرسه، پایین بودن سطح تحصیلات و پایین بودن درآمد اقتصادی به‌طور مؤثر در فعالیت‌های آموزشی مشارکت نمی‌کنند (میلز و گال، ۲۰۰۴).

برای درک موانع مشارکت والدین در ارزشیابی توصیفی از چارچوب‌ها و مدل‌های توضیح‌دهنده‌ی موانع مشارکت والدین استفاده شده است که در این مدل‌ها به ویژگی‌های والدین، بستر اجتماعی، نقش معلمان، وضعیت خانوادگی، شغل و مسئولیت‌های والدین و فضای مدرسه اشاره شده است. بر اساس آن موانع، مشارکت والدین در ارزشیابی توصیفی را می‌توان به دو دسته‌ی کلی موانع اختصاصی و موانع عمومی طبقه‌بندی کرد. موانع فرهنگی و اجتماعی به‌عنوان هسته و مینا بر تمامی موانع عمومی و اختصاصی تأثیر می‌گذارند.

موانع مشارکت والدین از دیدگاه معلمان

مشغله‌های روزانه، عوامل شناختی (آگاهی‌نداشتن)، عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل مربوط به معلم (نمودار ۱).

نگرشی بود (صالحی و دیگران، ۱۳۹۴). برای اجرای این طرح اغلب معلمان و مدیران مدرسه‌های ابتدایی آموزش‌های لازم را دریافت کردند و آیین‌نامه‌های اجرایی آن نیز تهیه و تنظیم شد، اما بر اساس نتایج پژوهش‌ها ارزشیابی توصیفی نه تنها تاکنون در تحقق هدف‌های خود موفق نبوده، بلکه موجب کاهش سطح سواد، کاهش انگیزه‌ی تحصیلی در دانش‌آموزان و کاهش شوق معلمان به تدریس و تنزل جایگاه آموزشی آن‌ها نیز شده است (پیشین).

با شکل‌گیری مدرسه‌های نوین، به‌تدریج از نقش والدین در عرصه‌ی تربیت فرزندان کاسته شد. مدرسه‌ها و معلمان با تأکید بر برنامه‌های درسی رسمی، عرصه‌ی نفوذ والدین در تربیت فرزندان را محدودتر کردند تا جایی که والدین نیز سهم مدرسه‌ها را در تربیت فرزندان مهم‌تر از خودشان می‌دانند. لیکن در دهه‌های اخیر، دوباره به نقش تربیتی والدین و خانواده‌ها توجه شده و سیاستگذاران تربیتی به‌همراه پژوهشگران

محمدهادی قاسمیان
دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی



فرحناز قاسمیان
دکترای مدیریت ورزشی
استان مازندران



ارزشیابی توصیفی از تغییرات مهم آموزشی بود که از سال ۱۳۸۱ به‌صورت آزمایشی در ۵ استان ایران و در ۲۵ کلاس اجرا شد و بلافاصله از سال‌های بعد در همه‌ی استان‌ها به‌صورت پلکانی از پایه‌ی اول شروع و تا پایان دوره‌ی ابتدایی (پایه‌ی ششم) ادامه یافت. هدف از اجرای این طرح ارتقای همکاری و کار گروهی در بین دانش‌آموزان، کاهش رقابت، افزایش مشارکت و گفت‌وگو در کلاس، رفع اضطراب امتحان و تحقق نتایج یادگیری سطح‌های بالای شناختی و



آموزشی
آینده

اردیبهشت ماه
دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۱

۲۲

کدام کتاب؟

کبری محمودی

تصویرگر: سام سلماسی



آبشار

اردیبهشت ماه
دوره ی بیست و نهم
شماره ی ۸ | ۱۴۰۱

۲۴



نشانی کتاب‌های مورد
تأیید آموزش و پرورش



آموزشی

اردیبهشت ماه
دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۸ / ۱۴۰۱

۲۵

از من انتقاد کنید!

معلم و تفکر انتقادی در کلاس درس



لیلا سلیقه‌دار
مشاور آموزشی

با نزدیک شدن به روزهای پایان سال تحصیلی، یکی از اقدامات معلم، جمع‌آوری اطلاعات برای تصمیم‌گیری‌های نهایی در سال جاری و نیز برنامه‌ریزی سال آینده است. به همین سبب از دریافت نظرات و نقدهای کلاس درس استفاده می‌کند. ممکن است در طول سال تحصیلی نیز از این اقدام مهم استفاده کند، اما بررسی‌های نهایی نمای روشن‌تری را از راه نشان می‌دهد. تفکر انتقادی و توانایی نقادی از جمله مهارت‌هایی است که می‌تواند برای معلم مفید و نیز در طراحی آموزشی مؤثر واقع شود.

منتقدانه فکر کنیم

تفکر انتقادی یا تفکر نقادانه^۱ برخلاف تصور عموم به معنی انتقاد یا

عیب‌جویی کردن نیست. نقادی این امکان را می‌دهد که موقعیتی را بر اساس همه‌ی حقایق و اطلاعات موجود درک کنیم. تفکر انتقادی موجب می‌شود حقایق، داده‌ها و سایر اطلاعات مرتب و سازمان‌دهی شوند، مسئله بر اساس آن‌ها بررسی شود و در نهایت راه‌حل‌های مؤثری به دست آیند. با این نگاه، حقایق و اطلاعات مربوط به مسیر یادگیری در کلاس شما چگونه است؟ آیا نشانه‌ها مؤید این هستند که طراحی آموزشی بی‌نقصی در اختیار دارید یا لازم است در برخی موارد اصلاحاتی داشته باشید؟

خرده‌مهارت‌های تفکر انتقادی

تفکر انتقادی در دسته‌ی مهارت‌های زندگی قرار دارد و شامل مجموعه‌توانایی‌هایی است که هریک مبنای شکل‌گیری و تقویت نقادی است. گستردگی این مهارت به گونه‌ای است که در برخی خرده‌مهارت‌ها

با دیگر توانایی‌های زندگی آمیختگی دارد. در جدول شماره ۱ به مهارت‌های فرعی مرتبط با تفکر انتقادی اشاره شده است. برای مطالعه‌ی بیشتر، منابع پیشنهادی در زمینه توصیه می‌شود.

تأمل، یار انتقاد

در فرایند یاددهی-یادگیری، معلم بازوی اول نقادی است. او می‌تواند از طریق توانایی حرفه‌ای خود، کلاس درس و فرایند آموزشی را نقد و بررسی کند و صرفاً نیازی به رسیدن روزهای پایانی سال تحصیلی ندارد. در نقطه‌ی مقابل، اتفاقاً لازم است معلم بتواند با تبسجی مداوم جریانات آموزشی، از آنچه در حال انجام است، اطمینان حاصل کند و گام بعدی را با قدرت و قوت بیشتری بردارد. تدریس تأملی از جمله‌ی این حرفه‌مندی‌هاست.

تدریس تأملی فرایندی است که در طول آن معلم درباره‌ی آنچه در کلاس انجام داده یا مشغول ارائه‌ی آن است، تفکر می‌کند. این فرایند شامل تجزیه و تحلیل تمام روندی است که معلم به‌منظور ایجاد یادگیری در دانش‌آموزان طی می‌کند.

بررسی این روند و تفکر و تأمل در آن با تکیه بر برخی پرسش‌های اساسی صورت می‌گیرد. این پرسش‌ها غالباً بر اجزا و بخش‌های گوناگون و مؤثر بر فرایند یاددهی-یادگیری مبتنی هستند. برای نمونه دو پرسش صفحه‌ی بعد از پرتکرارترین و مهم‌ترین مواردند:

جدول ۱

ردیف	مهارت‌های اصلی	خرده‌مهارت‌ها
۱	تفسیر کردن	طبقه‌بندی کردن
		پرده برداشتن از دلالت‌ها
		تبیین معنا
۲	تحلیل کردن	بررسی ایده‌ها / افکار
		روشن‌سازی و درک ادله
		تحلیل ادله
۳	ارزیابی کردن	ارزیابی ادعاها
		ارزیابی ادله
		جست‌وجو / درخواست شواهد
۴	استنباط کردن	گمانه‌زنی درباره‌ی جایگزین‌ها
		نتیجه‌گیری



مشاهده شود. برای این منظور می‌توانیم از دریافت نظرات، بدون مشخص بودن نام هر دانش‌آموز، بهره‌مند شویم. اما ارزشمندی این قبیل اقدامات وقتی است که معلم تلاش کند تا به دانش‌آموزان شیوهی نقادی را آموزش دهد و در عین حال از آن‌ها درباره‌ی مواردی سؤال کند که در حیطه و محدوده‌ی دانش و توانایی‌شان است.

بارش فکری

از دیگر مواردی که موجب می‌شود نظرات دانش‌آموزان همراه با راه‌حل‌های پیشنهادی به دست آید، بهره‌مندی از روش بارش فکری یا ایده‌گرفتن از آن است. در چنین شرایطی دانش‌آموزان در یک گفت‌وگوی کلاسی شرکت می‌کنند و پیرامون یک موضوع به ارائه‌ی نظرات خود می‌پردازند. برای مثال معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد درباره‌ی چنین سؤال یا جمله‌ی ناتمامی نظر دهند:

چه کاری انجام دهیم تا کلاس شادتری داشته باشیم؟

اگر می‌توانستید چیزی را در کلاس تغییر دهید،

مجموع نظرات دریافتی به معلم کمک می‌کند بررسی دقیق‌تری از روند کلاسی داشته باشد.

دنیای تازه؛ یادگیری منتقدانه

از جمله ضرورت‌ها در فرایند یاددهی یادگیری این است که معلم با اصلاح و غنی‌سازی این فرایند زمینه را برای یادگیری آسان و عمیق دانش‌آموزان فراهم آورد. این موضوع نیازمند آن است که علاوه بر معلم، دانش‌آموزان نیز درباره‌ی یادگیری خود تأمل و با نقادی، مسیر یادگیری را تحلیل و بررسی کنند. از این اقدام می‌توان با عنوان «یادگیری تأملی» یاد کرد.

بدین طریق دانش‌آموزان نیز در روند یادگیری تأمل می‌کنند، فعالیت یادگیری خود را بررسی کرده و شیوه‌های اصلاحی را همان زمان به کار می‌گیرند. با یادگیری تأملی، دانش‌آموزان می‌توانند درباره‌ی یادگیری خود آگاهی بیشتری کسب کنند و در حین یادگیری، تغییرات سودمندی را ایجاد کنند. معلمان در کنار دانش‌آموزانی که اهل تأمل و تفکرند، نتیجه‌ی یادگیری اثربخش را محقق می‌کنند.

آیا دانش‌آموزانم به خوبی یاد می‌گیرند؟

چه چیزی موجب عملکرد خوب یا بد من و دانش‌آموزانم می‌شود؟

انتقاد بدون معطلی

به‌منظور تکمیل رویه‌ی بررسی، نقادی و اثرگذاری بر طراحی آموزشی، معلم می‌تواند مواردی را به‌صورت دوجانبه از سوی خود و نیز دانش‌آموزان در کلاس درس دنبال کند و در نظر داشته باشد. این اطلاعات ناب نتایج فوری را برای تغییر مسیر معلم به همراه دارد.

مثال‌های جدول شماره ۲ راهنمای خوبی برای حصول این نتیجه هستند.

در آینده مخاطب

شما هم در دوران تحصیل خود صندوق‌های نظرخواهی را به‌خاطر دارید که به‌طور معمول در سالن مدرسه قرار داده می‌شدند؟ از دیرباز دریافت نظرات دانش‌آموزان و مخاطبان به‌صورت ناشناس مطرح بوده است و برای اینکه دانش‌آموزان بتوانند بدون نگرانی از شناسایی خود نقادانه به بررسی و نظردهی بپردازند، شیوه‌هایی به کار می‌رفت. اما امروزه دیگر

جدول ۲

مشاهده در کلاس

در رفتار دانش‌آموزان نشانه‌ای از جذابیت تدریس مشاهده می‌کنم؟

دانش‌آموزان از کدام بخش از کلاس بیشتر لذت می‌برند؟

کدام بخش از مطالب را دانش‌آموزان بهتر یاد گرفته‌اند؟

آیا دانش‌آموزان در تعامل با یکدیگر و کلاس درس هستند؟

آیا همه‌ی دانش‌آموزان در تمام فعالیت‌های یادگیری شما مشارکت دارند؟

پرسش معلم از خود

در تدریس چه تغییراتی بدهم تا جذاب شود؟

چه چیزی را کم و زیاد کنم تا نتیجه بهتری به دست آید؟

در سطوح یادگیری چه تغییری ایجاد کنم تا یادگیری را عمیق‌تر کند؟

برای ایجاد تعامل بیشتر در کلاس چه اقداماتی انجام دهم؟

وضعیت فعالیت‌های مشارکتی در کلاس چگونه است؟



فاطمه دولتی
کارشناس تعلیم و تربیت

مدت‌ها بود با خودش کلنجار می‌رفت. مدام به خودش می‌گفت: «تو باید ادامه بدهی»، اما خیلی وقت‌ها نمی‌توانست. با اینکه می‌دانست عمل به دانسته‌هایش کار درستی است و اگر به دنبال موفقیت و سعادت است باید در مسیر آن‌ها حرکت کند، اما پایبند نبود. سؤالی در سرش چرخ می‌زد که پاسخی برایش نداشت: «اگر شش‌ساحت تربیتی را سرمشق زندگی قرار بدهم چه می‌شود؟» اگر پاسخ این سؤال را می‌یافت، با علاقه و انرژی بیشتر و با آگاهی و چشمانی باز به دانسته‌هایش عمل می‌کرد.

بلندمدت

عادت‌های خوب و بد در بلندمدت خود را نشان می‌دهند. اگر شما مقید به انجام کاری خوب باشید، نمی‌توانید انتظار داشته باشید بعد از سه روز تغییر شگفت‌انگیزی در زندگی‌تان رخ دهد. یا اگر عادت بدی را تکرار کنید، در عرض یک هفته ضرر چشمگیری نمی‌بینید. اما در بلندمدت چطور؟ عادت‌های خوب و بد در بلندمدت اثری قابل توجه در زندگی‌مان دارند. اگر شما عادت خوب کوچکی را در خود ایجاد کنید و مقید به آن باشید، بعد از ماه‌ها و گاهی سال‌ها بازتابش را در زندگی شخصی خود خواهید دید. برای مثال، شما در ساحت تربیت زیستی و بدنی آموختید که باید به فکر سلامت خود باشید و عادت‌های کوچکی در خود ایجاد کنید، مانند: لقمه‌های کوچک بر می‌دارید و هنگام جویدن به طعم و مزه‌ی آن توجه بیشتری می‌کنید. در طول صرف غذا تلویزیون را خاموش می‌کنید. هنگام صرف غذا تا حد امکان آب و مایعات دیگر نمی‌نوشید. در طول صرف غذا، گوشی همراه را در فاصله‌ای دور از دسترس قرار می‌دهید. با کمی تأمل درمی‌یابید که تأثیر رعایت این موارد در میان‌سالی یا حتی کهن‌سالی خود را نشان خواهد داد. پس با قدرت به عادت‌های درست کوچک خود ادامه دهید.



تربیت دانش‌آموز متعادل



عکاس: سعیدرضا مقصودی؛ یازدهمین جشنواره‌ی عکس رشد؛ استان مرکزی

تأثیر گذاری

شما آموزگار هستید. این را به یاد داشته باشید. کوچک‌ترین اعمال آموزگار روی دانش‌آموزانش اثر می‌گذارد. وقتی شما با ایمان به درستی عملی به آن مقید می‌شوید، نمود این عادت در گفتار و رفتار بچه‌ها نمایان می‌شود. دانش‌آموزان شما بر کردار شما دقت زیادی دارند و متوجه این نکات ریز می‌شوند. آن‌ها از شما الگو می‌گیرند و اگر شما الگویی شایسته باشید، در زندگی‌شان تغییر ایجاد خواهد شد. برای مثال، شما در ساحت اجتماعی آموختید که با دیگران تعاملی نیکو داشته باشید. یکی از نموده‌های این تعامل درست، تقدیر و تشکر از افراد اطرافمان است. اغلب ما عادت کرده‌ایم که مدام غر بزنییم و فراموش می‌کنیم گاهی لازم است از کارها و خدمات خوب تشکر کنیم. اگر ما به خدمات و آدم‌های خوبی که تا کنون به ما کمک کرده‌اند، کمی فکر کنیم، می‌بینیم باید قدردان آن افراد باشیم. دادن هدیه‌ی مناسب برای تقدیر از یک کار یا خدمات خوب، نه تنها شایسته است، بلکه کمک می‌کند افراد در مواجهه با ما رابطه

و احساس بهتری داشته باشند. اگر شما در مواجهه با دانش‌آموزان این عادت خوب را بروز دهید، آن‌ها نیز تقدیر کردن از دیگران را می‌آموزند. کم‌کم این خصلت در آن‌ها ملکه خواهد شد و حتی در دنیای بزرگسالی هم به کارشان خواهد آمد. عادت خوب امروز شما فردای آن‌ها را می‌سازد، چرا که عادت‌های خوب مانند مزرعه‌ی گندم است. شما در قلب دیگران بذرهایی را پخش می‌کنید و هرگز نخواهید فهمید نتیجه‌ی کدام کار و رفتار خوب شما به زمینی حاصلخیز تبدیل شده است.

حس خوب

اگر چشمان را بر دو مورد گفته‌شده ببندیدم، می‌توانیم بگویم یکی از مهم‌ترین تأثیرات عادت خوب، ایجاد حس خوشایندی و رضایت است. آدمی دوست دارد در مسیر توسعه قدم بردارد و عمر خود را صرف زیبایی‌ها و کسب ارزش‌ها کند. پس اگر شما عادت خوبی را در خود نهاده کنید، نسبت به خود احساس رضایت پیدا می‌کنید و هر روز زندگی‌تان شیرین خواهد شد. برای

مثال، شما در ساحت علمی و فناوری به یادگیری مهارت‌های علمی و فناورانه تشویق شدید. یادگیری هر مهارت می‌تواند شما را به انسانی شادتر بدل کند. یادگیری در حوزه‌های جدید یا جایی که قبلاً تجربه نکرده‌اید، تأثیر شگفت‌انگیزی بر ذهن و روح دارد و می‌تواند به پیشرفت سایر مهارت‌ها هم کمک کند. اگر شما مهارتی جدید یاد بگیرید، احساس ارزشمندی پیدا می‌کنید و خود را پویا و مفید می‌پندارید. چه چیز بهتر از اینکه آدمی در دنیای پر از چالش امروز بتواند به طریقی شادی درونی را به خودش هدیه بدهد.

نکته‌ی پایانی

به نظر می‌رسد عمیق شدن در سه نکته‌ی بالا بتواند شما را به پاسخی قابل قبول به سؤال «چرا باید به ساحت‌های شش‌گانه پایبند باشم» برساند. پس همین امروز چند دقیقه با خود خلوت کنید، به ساحت‌ها و تأثیرات آن‌ها بر زندگی‌تان بیندیشید و سپس با تمام توان به ایجاد عادت‌های خوب و رعایت دائمی آن‌ها مشغول شوید.

تدریس اصلی، تدریس فرعی

مروری بر راهبردهای یاددهی یادگیری در کلاس های چندپایه

معصومه فرهوش
برنامه ریز درسی



در شماری قبل دربارهی رویکردها و راهبردهای یاددهی یادگیری، نقش معلمان و دانش آموزان در این دورویکرد، زمان مناسب استفاده از هر رویکرد و چرایی ارجحیت یک رویکرد بر دیگری با توجه به موقعیت یادگیری صحبت کردیم. در این شماره قصد داریم به تبیین اولین راهبرد یاددهی یادگیری تحت این رویکردها بپردازیم.

راهبرد محوری، گروهی و ترکیبی

این راهبرد که از پرکاربردترین راهبردهای کلاس های چندپایه است، به سه شیوهی محوری، گروهی و ترکیبی اجرا می شود. به منظور آشنایی معلمان که به تازگی تدریس در این کلاس ها را بر عهده گرفته اند، شیوهی اجرا، نمونه، چالش ها و فرصت های شیوه های زیرمجموعه ای این راهبرد ارائه می شود.

الف) شیوهی محوری

به دلیل حجم زیاد کار آموزشی در کلاس چندپایه، لازم است در اجرای این دسته از شیوه های آموزش برای یک جلسه، چندین پایه از دانش آموزان کلاس (حداکثر سه پایه ی تحصیلی و حداقل دو پایه) محور

تدریس قرار گیرند. دلیل تعیین حداکثر سه پایه این است که از حداقل زمان آموزش مستقیم در یک مادهی درسی استفاده شود. زمان پذیرفتنی می تواند بین ۱۰ تا ۱۵ دقیقه برای یک مادهی درسی باشد؛ زیرا در زمانی کمتر از این نمی توان به اهداف آموزشی مورد نظر دست یافت.

در کلاس های بیش از سه پایه، آموزش دیگر پایه ها در همان جلسه ی آموزشی و به طور غیرمستقیم و به عنوان محور فرعی خواهد بود. در کلاس هایی با حضور دو یا سه پایه هم گاهی بعضی از پایه ها، به تشخیص معلم، محور فرعی تدریس خواهند بود.

اما منظور از شیوهی محوری در کلاس چندپایه این است که در یک جلسه ی آموزشی به تدریسی که معلم تعیین می کند، تدریس مستقیم هر یک از پایه ها در زمان معینی صورت می گیرد. یعنی معلم یک جلسه ی ۴۵ یا ۵۰ دقیقه ای را به سه قسمت مفید ۱۵ دقیقه ای تقسیم می کند و هر قسمت آن را به یکی از پایه های مورد نظر به طور مستقل اختصاص می دهد. زمان کوتاه پایان آن جلسه هم به محور فرعی اختصاص می یابد. بنابراین چون زمان معینی از یک جلسه ی آموزشی را دانش آموزان در پایه ای به طور مستقیم با معلم کار می کنند، آن پایه محور تدریس نام می گیرد.

نکته ی مهم: معلم برای آغاز کردن تدریس در شیوهی «محوری» باید از قبل برنامه ریزی کند که در زمان تدریس مستقیم با یکی از محورها، هر کدام از دیگر محورهای اصلی تدریس تا رسیدن زمان تدریس مستقیمشان و پایه های محور فرعی باید چه کنند؟ یعنی محورهای دو و سه، قبل از تدریس مستقیم و مستقل یا حتی پس از آن، چه فعالیت یا تکلیف درسی را باید انجام دهند؟

برنامه ریزی کردن برای این بخش از اداره ی کلاس چندپایه بسیار حساس، مهم و راهبردی و از جمله کارهای اصلی و خاص کلاس چندپایه است. تدوین چنین برنامه ای است که کلاس چندپایه را از کلاس های عادی به طور کامل متمایز می کند (میرشعایی لنگری، ۱۳۹۵: ۲۴).

مراحل اجرای شیوهی محوری (چگونگی انجام فعالیت)

معلم به منظور اجرای برنامه به شیوهی محوری برای یک جلسه ی آموزشی در کلاس شش پایه، کارهای زیر را به ترتیب انجام می دهد:

۱. در این جلسه ی آموزشی، دانش آموزان پایه ی اول محور نخست تدریس تعیین شده اند. در شیوهی محوری، به طور معمول پایه ی پایین تر از میان چندین پایه، محور اول تدریس مستقیم تعیین می شود، زیرا دانش آموزان آن تحمل کمتری برای شروع فعالیت آموزشی دارند و به ترتیب دیگر پایه های کلاس به عنوان محورهای بعدی تدریس مشخص می شوند؛ مثلاً معلم تصمیم دارد درس ریاضی را در ۱۵ دقیقه از وقت اول این جلسه، به محور نخست آموزش دهد، لذا از وقت این جلسه ی آموزشی ۳۵ دقیقه باقی می ماند.

۲. پایه ی دوم این کلاس محور شماری دوم تدریس تعیین می شود. معلم تصمیم دارد درس علوم تجربی را در ۱۵ دقیقه از وقت دوم همین جلسه ی آموزشی به آن ها آموزش دهد. از وقت این جلسه ۲۰ دقیقه باقی می ماند.

۳. پایه ی سوم این کلاس محور شماری سوم تدریس تعیین می شود و معلم درس مطالعات اجتماعی را با موضوع زندگی در ۱۵ دقیقه از وقت سوم همین جلسه به آن ها آموزش می دهد. از وقت این جلسه ۵ دقیقه دیگر باقی می ماند.

۴. برای پایه های چهارم، پنجم و ششم در همین جلسه ی آموزشی مهارت نوشتاری،



آیندازی

ز دیپلمت ماه
دوره ی بیست و نهم
شماره ی ۸ | ۱۴۰۱

۳۰

مشترک دارند، لذا آموزش مستقیم را همزمان برای همه‌ی پایه‌ها در کلاس خود آغاز می‌کند. سپس در وقت دوم به آموزش هدف اختصاصی آن ماده‌ی درسی در هر پایه به‌طور جداگانه می‌پردازد (همان، ۳۹).

روش دوم: شیوهی گروهی با ماده‌ی درسی مشترک

گاهی در یک جلسه‌ی آموزشی، معلم برای همه‌ی پایه‌ها یک ماده‌ی درسی واحد مثلاً درس علوم تجربی یا درس ریاضی را به‌منظور آموزش تعیین می‌کند، اما برخلاف شیوهی اول فقط نام ماده‌ی درسی پایه‌ها مشترک است، ولی هدف مشترکی ندارند. بلکه موضوعی که در هر پایه ارائه می‌شود، مستقل از دیگر پایه‌هاست.

به‌طور مثال در یک کلاس با حضور سه پایه (سوم، چهارم و پنجم)، همه‌ی پایه‌ها درس علوم تجربی دارند، اما موضوع علوم در پایه‌ی سوم «گیاهان»، در پایه‌ی چهارم «تغییرات ماده» و در پایه‌ی پنجم «ساختمان بدن انسان» است (همان، ۴۳).

ج) شیوهی ترکیبی

در این روش معلم در برنامه‌ریزی یک جلسه از آموزش، ترکیبی از هر دو شیوهی «محوری» و «گروهی» را به کار می‌برد. یعنی ممکن است معلم در یک جلسه‌ی درس برای بعضی از پایه‌ها از شیوهی «محوری» استفاده کند، اما در همین جلسه، آموزش درس‌های مشترک بعضی از پایه‌ها را به‌روش «گروهی» انجام دهد. بنابراین چون هر دو شیوهی آموزش (محوری و گروهی) در یک جلسه به کار گرفته می‌شوند، روش اداره‌ی کلاس «ترکیبی» نامیده می‌شود. مثلاً کلاس چندپایه‌ای را در نظر بگیرید که پایه‌های اول تا ششم را دارد. معلم، از قبل، یک جلسه‌ی آموزشی به شیوهی ترکیبی را برنامه‌ریزی و طراحی می‌کند. در این جلسه‌ی آموزشی درس‌ها این گونه ارائه می‌شوند:

- پایه‌ی اول: درس ریاضی؛
- پایه‌ی دوم: درس علوم تجربی؛
- پایه‌ی سوم: درس فارسی؛
- پایه‌های چهارم، پنجم و ششم: درس مشترک قرآن.

در این جلسه، برای آموزش سه پایه‌ی اول، دوم و سوم از شیوهی «محوری» و در سه پایه‌ی چهارم، پنجم و ششم از شیوهی «گروهی» استفاده می‌شود که علاوه بر واحد بودن ماده‌ی درسی، هدف مشترک و نزدیکی هم در سه پایه وجود دارد (همان، ۴۴).

دشواری است.

● تعیین فعالیت‌هایی تحت عنوان «خودآموز»، یعنی فعالیتی بدون حضور مستقیم معلم، موجب می‌شود دانش‌آموزان به‌سرعت آن‌ها را انجام دهند و مدت زمان زیادی را در انتظار تدریس مستقیم بمانند. این زمان انتظار برای پایه‌هایی که محور پایانی تدریس مستقیم هستند، بیشتر است و به‌طور قطع این انتظار خستگی دانش‌آموزان را به همراه دارد. پس معلم باید در تعیین فعالیت‌های قبل از تدریس محورها نهایت سعی خود را به عمل آورد.

● اگر معلم کلاس چندپایه بدون تقسیم مناسب زمان و طبق برنامه‌ی کلاس‌های تک‌پایه و عادی به تدریس بپردازد، یا به‌طور سلیقه‌ای و بدون در نظر گرفتن اصول انتخاب برای ترتیب مناسب پایه‌ها در تدریس محوری، ماده‌ی درسی خاص یا پایه‌ی بالاتر را به عنوان محور یک برای شروع تدریس در نظر بگیرد، این شرایط باعث عقب‌ماندن در اجرای برنامه و افت آموزشی دانش‌آموزان می‌شود. چنین کلاس‌هایی افراد را به این نتیجه‌گیری سوق می‌دهند که کلاس‌های چندپایه حتماً با افت آموزشی همراه هستند (همان، ۳۵ و ۳۶).

ب) شیوهی گروهی

در این شیوه، برخلاف شیوهی «محوری»، ماده‌ی درسی و موضوعی که در یک جلسه‌ی آموزشی در همه‌ی پایه‌های کلاس تدریس می‌شود، واحد یا مشترک است. روش گروهی را می‌توان به دو شکل اجرا کرد (همان، ۳۹).

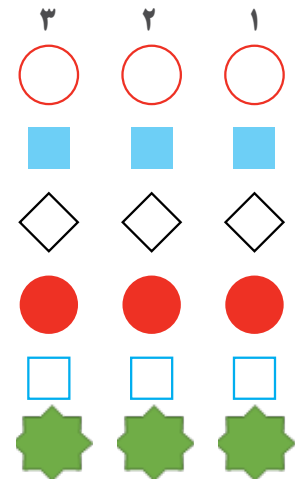
روش اول: شیوهی گروهی

با اهداف مشترک

گاهی معلم به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کند که در یک جلسه‌ی آموزشی، برای همه‌ی پایه‌ها یک ماده‌ی درسی واحد مثلاً قرآن یا ریاضی تدریس شود. اما لازمه‌اش این است که اهداف مشترکی بین آن‌ها وجود داشته باشند. به‌طور مثال به این موارد می‌توان اشاره کرد:

- هدف آموزش قرآن: کسب مهارت روخوانی و روان خوانی و ...؛
 - هدف هدیه‌های آسمان: خدانشناسی، نبوت، اخلاق، احکام و ...؛
 - هدف هنر: تقویت حواس، زیباشناسی و ...؛
 - هدف تربیت بدنی: توسعه و بهبود سرعت، توسعه و بهبود قدرت و استقامت عضلانی و ...؛
- معلم در این حالت از شیوهی گروهی، وقت یک جلسه‌ی آموزشی را دو قسمت می‌کند. در وقت اول، تدریس خود را طوری شروع می‌کند که محتوا در همه‌ی پایه‌ها هدف

شکل ۱- تقسیم‌بندی تخته‌ی کلاس چندپایه به شیوهی محوری



نماد دانش‌آموزان: پایه‌ی اول: ○، پایه‌ی دوم: ■، پایه‌ی سوم: ☆، پایه‌ی چهارم: ●، پایه‌ی پنجم: □، پایه‌ی ششم: ★

مطالعه و انجام تمرین خودآموزی پیش‌بینی شده است. در این جلسه، پایه‌های چهارم، پنجم و ششم محور اصلی تدریس نیستند و اصطلاحاً «محور فرعی» نامیده می‌شوند، زیرا در این پایه‌ها تدریس مستقیم معلم صورت نمی‌گیرد، زیرا حداکثر سه تدریس برای یک جلسه‌ی آموزشی مناسب است (همان، ۲۵ و ۲۶).

برای اینکه دانش‌آموزان به تخته‌ی کلاس و معلم دسترسی بهتری داشته باشند، هر پایه‌ای که تدریس مستقیم دارد، باید در جلوی کلاس باشد. شکل ۱ چینش دانش‌آموزان را نشان می‌دهد. در صورتی که تابلوی کلاس یکی باشد، معلم آن را با توجه به زمان آموزش محورهای اصلی تدریس در یک جلسه، با خط‌های عمودی از سمت راست، سه قسمت می‌کند تا آنچه در زمان آموزش مستقیم هر یک از محورها روی تخته یادداشت می‌شود یا دانش‌آموزان چیزی می‌نویسند، تا پایان تدریس آن پایه و بعد از آن، روی تخته بماند (همان، ۳۲).

چالش‌ها و موانع اجرای شیوهی محوری

● حجم کار آموزشی برای هر روز در این کلاس‌ها به دلیل تنوع پایه‌ها بسیار زیاد است. به خصوص تعیین فعالیت‌های قبل و بعد از تدریس محورهای اصلی و فرعی، در کلاس‌هایی با ترکیب سه پایه یا بیشتر، نیاز به معلمی دارد که کلاس چندپایه را به درستی تجربه کرده باشد و از قبل شیوه‌ها را بشناسد. ● فعال نگه داشتن همه‌ی دانش‌آموزان در پایه‌های گوناگون، قبل از فرارسیدن زمان تدریس مستقیم به آن‌ها، کار به‌نسبت

حکایت همچنان باقی است



سعیده نادرپور

رسم است در انتهای هر کاری، مروری بر آنچه انجام شده و آنچه حاصل شده صورت گیرد تا از تجربه‌ها درس گرفته شود. در واقع این خودش نوعی ارزشیابی است؛ منتها ارزشیابی معلم از خودش. همیشه که نباید دانش‌آموزان را ارزشیابی کنیم! بیا بید ببینیم امسال چه اندازه در دانش‌آموزانمان شوق ایجاد کرده‌ایم. حتی با تجربه‌ترین و تحصیلکرده‌ترین آموزگاران هم گاهی اوقات در همراه کردن دانش‌آموزان با روند درس و کلاس دچار مشکل می‌شوند. انگیزه و علاقه‌ی دانش‌آموزان در دوره‌ی ابتدایی بیش از هر چیز دیگری به روابط شخصی آن‌ها با آموزگارشان و شیوه‌های مدیریتی وی بستگی دارد. البته عوامل دیگر را نمی‌توان نادیده گرفت. تأثیری که کودک از خانواده، رسانه‌های اجتماعی و گروه‌های دوستی می‌پذیرد، بسیار زیاد است، اما این تأثیرات به پای تأثیری که از آموزگار می‌پذیرد، نمی‌رسد. در واقع این آموزگار است که می‌تواند

با مدنظر قرار دادن چند نکته‌ی خاص، میزان شوق و انگیزه‌ی دانش‌آموزانش را برای همراهی با کلاس افزایش دهد. به مواردی که در ادامه می‌آیند، مثل یک فهرست وارسی (چک لیست) نگاه کنید و خودتان را بسنجید.

برقراری عدالت و انصاف

به تدریج که کودکان رشد می‌کنند و به پایه‌های بالاتر می‌روند، با حس انصاف و عدالت بیشتر آشنا می‌شوند. گرچه شاید خودشان انصاف را درست رعایت نکنند، اما قادرند انصاف یا بی‌انصافی دیگران را به درستی تشخیص دهند. درست مثل اینکه کسی بگوید «می‌توانم فلان زبان را بفهمم، اما نمی‌توانم به آن زبان صحبت کنم». جمله‌ی «این نامردیه» جمله‌ای است که در بسیاری از مدرسه‌های ابتدایی در میان دانش‌آموزان به گوش می‌خورد. اگر آموزگار رفتاری دور از انصاف داشته باشد، کودکان خیلی زود نسبت به درس و مدرسه دلسرد می‌شوند. آن‌ها از حضور در کلاس‌هایی لذت می‌برند که خواسته‌های آموزگار از ایشان منطقی باشد، با همه به‌طور یکسان برخورد شود، به مصادیق برابری و انصاف توجه، و بر این ویژگی اخلاقی تأکید شود. امسال و در شرایط آموزش نیمه‌حضوری، چه اندازه توانستید در کلاس انصاف را رعایت کنید؟

دست‌رسی به آموزگار

کودکان از حضور در فضایی که به‌راحتی می‌توانند با آموزگار خود ارتباط برقرار کنند، او در دست‌رسان است و به حرف‌های آن‌ها توجه می‌کند، لذت می‌برند و به درس و

کلاس توجه بیشتری نشان می‌دهند. بیشتر دانش‌آموزان دوست ندارند فاصله‌ی زیادی میان آن‌ها با آموزگارشان وجود داشته باشد. اما به علت‌های متفاوت از جمله سن کم، حدود رابطه با آموزگار را تشخیص نمی‌دهند. پس این آموزگار است که تعیین می‌کند دانش‌آموزان تا چه حد به نزدیک شدن به او مجاز هستند. در واقع، روابط بین آموزگار و دانش‌آموزان باید به گونه‌ای باشد که نه ترس بر کلاس درس حاکم باشد و نه چالوسی و بی‌حرمتی. دانش‌آموزانی که از آموزگار خود می‌ترسند، انگیزه‌شان را از دست می‌دهند و در نتیجه نتایج تحصیلی ضعیف‌تری کسب می‌کنند. همچنین، دانش‌آموزانی که با رفتار خود حرمت آموزگار و کلاس را حفظ نمی‌کنند، حرمت خود را نیز از بین می‌برند و این خود باعث تحقیر شدن از طرف سایرین می‌شود و نتایج روانی منفی برای وی در بر خواهد داشت. باز هم پرسش این است که در شرایط آموزش مجازی، آیا دسترسی دانش‌آموزان کلاستان به شما راحت بود؟

شفافیت

آموزگاران می‌توانند با شفاف بودن در مورد آنچه از دانش‌آموزان انتظار دارند، انگیزه‌ی آن‌ها را افزایش دهند. این انتظارات می‌تواند در زمینه‌ی موضوعات درسی، یا کمک‌های فردی به معلم، یا دستورالعمل انجام یک فعالیت و یا حتی در مورد رفتارهایی باشد که نباید از دانش‌آموز سر بزنند. چنانچه برای دانش‌آموز مشخص شود آموزگار دقیقاً از وی چه می‌خواهد، مدت زمانی که طول می‌کشد به راهنمایی‌های آموزگار خود عمل کند، بسیار کمتر خواهد شد، چرا که دانش‌آموز وقت خود را صرف آزمون و خطاهای بی‌موردی نخواهد کرد که خود صلب انگیزه می‌کنند. در واقع، هر بار که دانش‌آموز در اثر شفاف نبودن انتظارات و خواسته‌های آموزگار و سردرگمی‌های ناشی از آن، در انجام کاری با شکست مواجه شود، نه معلم خود، بلکه خود را مقصر می‌داند و احساس می‌کند مشکل از قوه‌ی درک و فهم خود اوست. بنابراین، رفته‌رفته اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهد و این موضوع خود به کم‌رنگ شدن انگیزه‌ی او می‌انجامد. پس اگر معلم صراحت داشته باشد و برای روشن کردن ذهن دانش‌آموزانش وقت صرف کند، کمتری تلف می‌کند و اعتماد به نفسشان





خنده‌دار نمی‌شود. صراحت و شفافیت شما در برخورد با دانش‌آموزان تا چه حد مؤثر بوده است؟

ایجاد هیجان در کلاس

به‌طور معمول، کودکان از هیجان‌آفرینی معلم خود در کلاس لذت می‌برند. مسلم است، آرامش و سکوت کلاس بسیار اهمیت دارد، اما این آرامش نباید به رخوت و سکون کلاس معنا شود. داشتن هیجان عنصر اصلی کنجکاوی، و کنجکاوی از عناصر اصلی لازم برای یادگیری است. به عبارت دیگر، بدون هیجان، کنجکاوی، و بدون کنجکاوی، توجه وجود نخواهد داشت. بدون توجه هم یادگیری به وقوع نخواهد پیوست و چیزی در ذهن ثبت نخواهد شد. تحقیقات نشان داده‌اند، خلق فضای آموزشی جذاب، شاد و درگیرکننده برای دانش‌آموزان، کنجکاوی آنان را افزایش می‌دهد و سطح توجهشان را (در مقایسه با روش‌های آموزش سنتی) بالا می‌برد. بنابراین، ایجاد هیجان یکی از اصلی‌ترین مراحل آغازین آموزش است. بر اساس تحقیقات عصب‌شناسی، برانگیختن احساساتی چون شادی، لذت و هیجان، مغز را در حالت «آمادگی» برای یادگیری و به‌خاطر آوردن اطلاعات قرار می‌دهد. همچنین، برای تجدید انگیزه و انرژی برای یادگیری مطالب، بردن دانش‌آموزان به اردوهای درسی یا حتی کتابخانه، برای انجام تحقیقی ساده، بسیار مؤثر است. ذهن انسان مشتاق چیزهای جدید است و به همین دلیل قرار گرفتن در محیط‌های جدید می‌تواند انگیزه‌ی دانش‌آموزان را تقویت کند. آیا شما امکان این را داشته‌اید که هیجان بیشتری به کلاس بدهید؟

استفاده از شوخ‌طبعی

شوخ‌طبعی واکنش اصیل، درست، انسانی با نگاهی موشکافانه به زندگی است. حضور در فضایی صمیمی که در شوخ‌طبعی و طنز در جریان باشد، دانش‌آموز را جذب موضوع یادگیری می‌کند و انگیزه‌ی او را بالا می‌برد. شوخ‌طبعی در کلاس درس، نقش گرم‌کننده رابطه میان آموزگار و دانش‌آموزان را دارد. این خصوصیت اوضاع پراسسترس و عجیبی را که گاهی بر کلاس حاکم است، برای دانش‌آموزان قابل تحمل و خوشایند می‌کند و کمک می‌کند آن‌ها هر روز برای شروع شدن کلاستان لحظه‌شماری کنند و در نتیجه

توجه و انگیزه‌شان برای پیگیری درس‌هایشان بیشتر شود. به‌طور معمول، دانش‌آموزان پنج تا شش ساعت از روز خود را با آموزگارشان سپری می‌کنند و چنانچه روند آموزش به‌صورت خشک و بی‌روح سپری شود، انگیزه‌ی دانش‌آموزان در هر جلسه کمتر از قبل خواهد شد. البته حفظ حدود شوخ‌طبعی بر عهده‌ی آموزگار است و نباید حکم یک طنزپرداز در کلاس را پیدا کرد. در واقع نباید اجازه داد شوخ‌طبعی کنترل کلاس را از دست معلم خارج کند، چرا که شوخ‌طبعی بیش از حد به حرمت کلاس و کم‌اهمیت‌شدن درس می‌انجامد. آیا فضای کلاس شما آن‌قدر صمیمی است که شوخ‌طبعی بجا داشته باشید؟

تشویق و تحسین

تحسین و تشویق یکی از اهرم‌های پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان به‌شمار می‌رود. انسان‌ها به‌طور فطری خواهان مورد قبول واقع شدن و تحسین شدن هستند و از این طریق برای ادامه‌ی کار خود انگیزه‌ی بیشتری کسب می‌کنند. تحسین دانش‌آموزان در کلاس باعث می‌شود آن‌ها نظر و واکنش مثبتی به درس‌ها و تکالیفشان داشته باشند. تحسین، دانش‌آموزان را در جهت‌های متعددی انگیزه می‌بخشد و توجه آن‌ها به جزئیات را بالا می‌برد و شوق بیشتری برای فعالیت‌های هرچند دشوارتر در آن‌ها به وجود می‌آورد. واقعا چقدر از عنصر تحسین بهره برده‌اید؟

اختیار دادن

با وجود اینکه آموزگار سکاندار کلاسی است، چنانچه به دانش‌آموزان کمی قدرت کنترل شرایط را بدهد، انگیزه‌ی آن‌ها را برای فعالیت بیشتر بالا می‌برد. مثلاً خوب است اجازه دهد خودشان انتخاب کنند چه نوع تکلیفی انجام دهند یا روی کدام مسئله کار کنند. داشتن مسئولیت بعضی کارها، نه تنها برای دانش‌آموزان سخت نیست، بلکه آن‌ها مشتاقانه به انجام آن اقدام می‌کنند تا ثابت کنند می‌توانند انتظارات آموزگار را برآورند. واگذاشتن مسئولیت برخی کارها به دانش‌آموزان، حس مهم و باارزش بودن به آن‌ها می‌بخشد. کمک می‌کند انجام وظایف درسی‌شان را مهم تلقی کنند و به بهترین نحو انجام دهند. دانش‌آموزان کلاس شما تا چه اندازه اختیار دارند؟

وقتی معلم‌ها برقی نبودند!



ترجمه‌ی حبیب یوسف‌زاده

آن شب، مارجی تا دیروقت درباره‌اش فکر می‌کرد و آخر سر در دفترچه‌ی یادداشت خود نوشت: «۱۷ ماه مه ۲۱۵۵، امروز برادرم و تامی یک کتاب واقعی پیدا کردند.» کتاب خیلی کهنه‌ای بود. یک بار پدربزرگ مارجی از قول پدربزرگ خودش گفته بود که در گذشته همه‌ی داستان‌ها را روی کاغذ چاپ می‌کردند.

آن روز باور کردن چنین چیزی برای مارجی خیلی سخت بود، اما حالا که با تامی ورق‌های زردشده و پوسیده‌ی کتاب را ورق می‌زدند، به‌نظرش خیلی عجیب بود که با ورق‌زدن و رفتن به صفحه‌ی بعد، مطالب صفحه‌ی قبل هنوز سر جایشان بودند و از روی صفحه پاک نمی‌شدند!

همین‌طور که با تعجب به کتاب نگاه می‌کردند، تامی گفت: «عجب کار بی‌خودی! حتماً آن روزها بعد از خواندن و تمام کردن یک کتاب، آن را دور می‌انداختند، اما حالا روی صفحه‌ی تلویزیون می‌توانیم یک میلیون کتاب بخوانیم؛ شاید هم بیشتر. من که هیچ‌وقت حاضر نیستم آن را دور بیندازم.»

مارجی گفت: «من هم همین‌طور.» او یازده‌ساله بود و هنوز به اندازه‌ی تامی که سیزده سال داشت، «تله‌کتاب» ندیده بود. از تامی پرسید: «کجا پیدایش کردی؟» او بدون اینکه سرش را از روی کتاب بلند کند، جواب داد: «در خانه، توی انباری.»

- درباره‌ی چیه؟

- مدرسه.

مارجی سر در نمی‌آورد. پرسید: «مدرسه؟ درباره‌ی مدرسه چی نوشته؟ من که از مدرسه بدم می‌آید.»

مارجی همیشه از مدرسه بدش می‌آمد، به‌خصوص از وقتی که معلم ماشینی پشت‌سرهم از او امتحان جغرافیا گرفته و

سرشان می‌شود، قیافه‌ای جدی به خود گرفت و گفت: «چون که این مدرسه از آن مدرسه‌هایی که تو فکر می‌کنی نیست. اصلاً تو چه می‌فهمی؟ اینجا درباره‌ی مدرسه‌هایی نوشته شده که صدها سال قبل وجود داشته‌اند.» با غرور خاصی ادامه داد: «قرن‌ها قبل از این، می‌فهمی؟»

مارجی که دلخور شده بود، گفت: «خب، من از کجا بدانم آن همه سال قبل، مدرسه‌ها چه جور بودند؟»

بعد روی شانه‌ی تامی خم شد. چند خطی از کتاب کهنه را خواند و گفت: «به هر حال معلم که داشتند، مگر نه؟»

- البته که داشتند، اما نه یک معلم معمولی، معلم آن‌ها آدم بود.

- یک آدم؟ چطور یک آدم می‌تواند معلم باشد؟!

- چطور ندارد؟ او به پسرها و دخترها چیز یاد می‌داد، از آن‌ها سؤال می‌کرد و تکالیفشان را نگاه می‌کرد.

- اما آدم که نمی‌تواند مثل معلم زرنگ باشد.

چرا نمی‌تواند؟ پدر به‌اندازه‌ی یک معلم چیز بلد است. اگر باور نمی‌کنی، حاضرم شرط ببندم.

مارجی که آمادگی بحث بر سر این موضوع را نداشت، گفت: «اصلاً دلم نمی‌خواهد یک آدم غریبه بیاید توی خانه به من درس یاد بدهد.»

تامی یک‌دفعه زد زیر خنده و گفت: «تو خیلی از مرحله پرتی. معلم که به داخل خانه نمی‌آمد، یک ساختمان مخصوص داشتند و همه بچه‌ها به آنجا می‌رفتند.»

- یعنی همه‌ی بچه‌ها یک درس را می‌خواندند؟

- خب، معلوم است. درس همه‌ی آن‌هایی که در یک سن بودند، یک جور بود.

- ولی مادر می‌گوید که معلم باید خودش را با سطح درک بچه تطبیق بدهد. باید به هر بچه‌ای جداگانه درس داد.

- همین که گفتیم: آن وقت‌ها فرق می‌کرد. اگر خوش نمی‌آید، مجبور نیستی این کتاب را بخوانی.

مارجی با دستپاچگی جواب داد: «من کی گفتم خوش نمی‌آید!»

او می‌خواست چیزهای بیشتری درباره‌ی آن مدرسه‌های جالب بخواند. وقتی نصف کتاب را خوانده بودند، مادر صدا زد: «مارجی!

نمره‌های او روزبه‌روز بدتر شده بود تا اینکه چندوقت پیش، مادرش متوجه موضوع شد و در حالی که سرش را به علامت تأسف تکان می‌داد، به دنبال تعمیرکار فرستاد.

او که مرد کوتاه‌قدی بود و گونه‌های سرخی داشت، جعبه‌ابزار مفیدی پر از سیم و وسایل عجیب‌وغریب با خود آورده بود. اول لیخندی به مارجی زد و یک سبب به او داد.

بعد همه‌ی پیچ‌ومهره‌های معلم را از هم باز کرد. مارجی خداخدا می‌کرد نتواند آن را دوباره سر هم کند، اما تعمیرکار در عرض یک ساعت آن را مثل اولش درست کرد؛ یک دستگاه بزرگ و سیاه یا صفحه‌ای بزرگ که تمام درس‌ها در آن نمایش داده می‌شد و همه‌ی سؤال‌ها روی آن نوشته می‌شد.

همه‌ی این‌ها به کنار، قسمتی که مارجی بیشتر از همه از آن بدش می‌آمد، شکافی بود که از آنجا تکالیف و پاسخ‌نامه‌های امتحانی خود را داخل ماشین می‌گذاشت و ماشین در یک چشم به‌هم‌زدن تکالیف او را بررسی می‌کرد و به ورقه‌هایش نمره می‌داد. مارجی از شش‌سالگی یاد گرفته بود تکالیفش را به زبان ماشین بنویسد.

تعمیرکار بعد از اینکه کارش را تمام کرد، دستی به سر مارجی کشید و با لیخند به مادر او گفت: «تقصیر این کوچولو نبود خانم جونز. به‌نظرم تنظیم بخش جغرافیا به هم خورده بود و کمی تندتر از حد معمول کار می‌کرد، این‌طور چیزها بعضی وقت‌ها پیش می‌آید. من سرعت آن را در حد یک دانش‌آموز ده‌ساله تنظیم کردم. یعنی در واقع درس دختر شما خوب بوده است.»

دوباره دستی به سر مارجی کشید.

مارجی ناراحت بود. فکر می‌کرد دست‌کم مدتی از شر این معلم راحت خواهد شد. همان‌طور که قبلاً معلم تامی را به دلیل خراب‌بودن قسمت تاریخ، یک ماه تمام در تعمیرگاه خوابانده بود. بنابراین، مارجی که دل خوشی از مدرسه نداشت، پرسید: «اصلاً چرا باید درباره‌ی مدرسه چیز بنویسند؟»

تامی مثل کسانی که خیلی چیزها

مارجی! مدرسه.»
مارجی با التماس گفت: «هنوز که وقتش نشده است!»

خانم جونز گفت: «بلند شو! همین الان! تامی، تو هم همین طور.»

مارجی از تامی پرسید: «می گذاری بعد از مدرسه دوباره با هم این کتاب را بخوانیم؟» تامی به سردی جواب داد: «شاید! حالا ببینم چه کار می کنم.» سپس در حالی که سوت می زد، کتاب کهنه و غبارآلود را زیر بغل زد و از آنجا رفت.

اتاق مدرسه کنار اتاق خواب مارجی بود. معلم ماشینی روشن شده بود و انتظار او را می کشید. همیشه غیر از روزهای تعطیل، سر وقت روشن می شد.

مادرش می گفت بهتر است دخترهای کوچولو درسشان را سر ساعت بخوانند و نظم داشته باشند. روی صفحه‌ی ماشین نوشته شد:

«توجه! درس ریاضی امروز درباره‌ی جمع کردن اعداد کسری است. لطفاً تکالیف دیروز را داخل شکاف قرار بدهید.»

مارجی آهی کشید و تکالیفش را به دستگاه داد. همه‌ی حواسش پیش مدرسه‌های قدیمی بود؛ آن روزهایی که پدربزرگ پدربزرگش پسر کوچکی بود. بچه‌های همسایه باخنده و هیاهو در حیاط مدرسه جمع می شدند و همه در یک کلاس می نشستند و با هم به خانه بر می گشتند. هم کلاسی‌ها می توانستند در درس‌ها به همدیگر کمک کنند؛ روزگاری که معلم‌ها آدم بودند.

معلم ماشینی به کارش ادامه داد و روی صفحه نوشت: «وقتی که بخواهیم عدد کسری $\frac{1}{4}$ را با $\frac{1}{2}$ جمع کنیم...»، اما مارجی همچنان غرق در خیالات بود و با خود فکر می کرد بچه‌های آن روزگار چقدر از درس لذت می بردند و چه اوقات خوشی داشتند!

منبع

این داستان ترجمه‌ای است از داستان‌های کتاب «English through reading» از، باسکر و پراهو (bhasker , prabhu). انتشارات مک‌میلان کتاب را منتشر کرده است.



طرف کی هستی؟



شخصی خود را دارد، اما برای پوشش خبری باید تلاش کند دیدگاه‌های فردی را کنار بگذارد، چراکه کاربران تنها با دریافت دقیق و منصفانه‌ی موضوع می‌توانند تصویری واقعی از رویداد را در ذهن خود ترسیم کنند. لذا منظور از بی‌طرفی این است که رسانه هیچ‌گاه نباید طرفدار یکی از طرفین درگیری شود.

● تصور کنید دوست دوران کودکی شما که به‌شدت نیز از او دلگیرید، در اداره‌ی آموزش و پرورش منطقه مسئولیتی دارد. در پی شیوع امیکرون و حضور متریان در واحدهای آموزشی، حوادثی رخ می‌دهد که او نیز در آن سهیم است. چنانچه شما شهروند خبرنگار یا خبرنگارید، چگونه بین مسائل شخصی و کاری مرز قائل می‌شوید؟

پرسش‌های مذکور در پی تبیین این مفهوم‌اند که مسائل و عوامل گوناگونی می‌توانند پایه‌ی اصل بی‌طرفی را متزلزل کنند، چراکه رسانه‌ها برای فعالیت حرفه‌ای خود، با آنانی که قدرت اقتصادی دارند، به نحوی از انحا مرتبط‌اند. صاحبان زر و زور هم از وابستگی رسانه به ثروت و قدرت سود می‌برند، چراکه دسترسی و انتفاع این نهادها از رسانه

تربیت و یادگیری نیز حامی مالی شماست. این مؤسسه به ازای انتشار آگهی‌های تبلیغاتی‌اش، مبالغی به شما پرداخت می‌کند. در همین بین، خبری درباره‌ی عملکرد ناثواب این مؤسسه به دستتان می‌رسد که چنانچه آن خبر را در صفحه‌ی اجتماعی‌تان منتشر کنید، مؤسسه‌ی مذکور ارتباط اقتصادی‌اش را با شما قطع می‌کند. با این شرایط:

● آیا خبر را منتشر می‌کنید؟ اگر خبر را منتشر کنید، خود را ملزم به رعایت بی‌طرفی می‌دانید؟

● به نظر شما رعایت بی‌طرفی برای یک کاربر، خبرنگار یا رسانه‌ای که منافع اقتصادی، سیاسی و ... دارد، چه پیامدهایی دارد؟

رعایت اصل بی‌طرفی یعنی ارائه‌ی تصویری منصفانه از رویداد. این شرایط به انصاف، بی‌غرض بودن و واقع‌گرایی برمی‌گردد. هدف از بی‌طرفی خبری، کمک به افکارعمومی برای داشتن نظر مستقل درباره‌ی یک رویداد است. به این معنی که خبرنگار واقعیت را روایت می‌کند و به کاربران امکان می‌دهد تفسیر خود را از موضوع داشته باشند. البته خبرنگار نیز چون دیگران نظر

سید غلامرضا فلسفی
ارتباط پژوه



هفتمین و در واقع آخرین پرسش کلیدی سواد خبری این است: «آیا در خبر اصل بی‌طرفی رعایت شده است؟»

فرض کنید یکی از دوستانتان از اعضای کمیسیون فرهنگی شورای شهر است و شما نیز کانالی در یک پیام‌رسان ایرانی درباره‌ی مسائل مربوط به آموزش و پرورش دارید. خبری به دستتان می‌رسد که اگر منتشر شود جایگاه آن دوست در شورا زیر سؤال می‌رود، تا جایی که ممکن است موقعیت شغلی‌اش به خطر بیفتد. با این حال:

● آیا خبر را منتشر می‌کنید؟ اگر پاسختان مثبت است، عین واقعیت را منتشر می‌کنید یا مطابق تمایلات خود خبر را دستکاری می‌کنید؟

حال این بار تصور کنید شما در یک پیام‌رسان ایرانی، صفحه‌ای اجتماعی با حدود هزار دنبال‌کننده دارید و یک مؤسسه‌ی تولیدکننده‌ی اجزای بسته‌های

آبشار

اردیبهشت ماه
دوره‌ی بیست و نهم
شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۱

۳۶



با عنایت به توضیحات ارائه شده،
لطفاً خبری را در رسانه‌ها بیابید
و پس از مطالعه، به این سؤال‌ها
جواب بله یا خیر بدهید:

۱. آیا در آن از منابع متفاوت استفاده شده است؟
۲. به نظر شما خبرنگار نظر شخصی خود را در خبر وارد کرده است؟
۳. آیا خبرنگار تلاش کرده است اصل بی‌طرفی را رعایت کند؟
۴. آیا در آن از نظرات موافق و مخالف استفاده شده است؟
۵. آیا در آن از «صفت» استفاده شده است؟
۶. آیا در خبر به عناصر خبری پاسخ داده شده است؟
۷. آیا مطالب از منابع معتبر نقل قول شده‌اند؟
۸. آیا سابقه‌ی مرتبط (همسو) با رویداد ارائه شده است؟
۹. به نظر شما خبرنگار در پوشش خبری موضوع با محدودیت مواجه بوده است؟
۱۰. آیا خبرنگار از بیان نظرات مغرضانه و دیدگاه‌های یکجانبه پرهیز کرده است؟
۱۱. آیا این موضوع خبری جزو مواردی است که امکان داشته باشد پرداختن به آن قشری خاص را برنجانند؟
۱۲. آیا پاسخ و نظرات همه‌ی طرف‌هایی که از آنان نام برده شده در خبر آمده است؟
۱۳. به نظر شما در تنظیم این خبر بی‌طرفی به‌طور متناسب و کافی رعایت شده است؟
۱۴. آیا خبرنگار نظرات و واقعیت موضوع را از هم جدا کرده است؟
۱۵. آیا پایان‌بندی مطلب سوگیری دارد؟

خبر رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. برخی نشانه‌های رعایت بی‌طرفی در رسانه و توسط خبرنگار عبارت‌اند از:

- در تهیه‌ی خبر یا گزارش، از نظرات موافق و مخالف به یک اندازه، چه به لحاظ زمانی (در رسانه‌های جمعی صوتی و تصویری) و چه به لحاظ میزان سطر اختصاص داده‌شده و سطح زیر چاپ (در رسانه‌های چاپی) و چه فضای اختصاص داده‌شده (در رسانه‌های اجتماعی) در موضوع مورد بحث استفاده شود؛
- در جمع‌بندی موضوع، به جریانی خاص گرایش وجود نداشته باشد، بلکه نظرات هر دو طرف عرضه شود تا خود کاربر نتیجه‌گیری کند؛
- از منابع خبری و تصویری بی‌طرف یا شامل هر دو جریان استفاده شود؛
- اجازه‌ی گفت‌وگو همراه با زمان یکسان به طرفین داده شود (به‌ویژه در قالب‌های تلویزیونی)؛
- در تلویزیون، ساعت‌های پربیننده به نظر همسو با رسانه و از آن طرف، زمان نامناسب به طرف مقابل داده نشود و اعتدال برقرار شود.

می‌تواند به شناخته‌شدن و رشد بیشتر آن‌ها منجر شود. لذا رسانه از خواسته‌ی آنانی که تأمین‌کننده‌ی منابع مالی‌اش محسوب می‌شوند، پیروی و حمایت می‌کند. بنابراین، بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند، منافع اقتصادی و سیاسی اجازه‌ی بی‌طرفی را به رسانه نمی‌دهند و آنچه وجود دارد، تظاهر به رعایت بی‌طرفی است تا بی‌طرفی!

در رسانه‌های اجتماعی هم این شرایط به شکلی دیگر حاکم است، چراکه رسانه‌های نوین به امکانی برای دریافت و ارسال سریع‌تر خبر توسط افراد تبدیل شده‌اند. دورانی که دیگر مخاطب نداریم و کسانی که در گذشته تنها مصرف‌کننده بودند، امروزه با استفاده از این امکان، کاربر به حساب می‌آیند؛ کاربر شهروندانی که توجه صاحبان زر و زور را به خود جلب می‌کنند و با دریافت پیشنهادهای مالی، در حمایت از سیاست‌ها و دیدگاه‌های صاحبان ثروت و قدرت حرکت می‌کنند و بسیاری از آن‌ها به همین دلیل خود را ملزم به رعایت اصل بی‌طرفی نمی‌دانند.

صاحب‌نظران حوزه‌ی علوم ارتباطات معتقدند، بین بی‌طرفی و عینی‌بودن

هنر

کاغذتایی

مر تفضی فاضل
مشاور خانواده

تاکردن کاغذ یا همان «اورینگامی» هنری است که در کشور ژاپن متولد شد و اکنون در تمام جهان گسترش پیدا کرده و به صورت علم جدیدی در آمده است. از آنجا که این فعالیت مفرح و سالم به امکانات خاصی نیاز ندارد، در اوضاع کرونایی جایگزین مفیدی برای بازی‌های رایانه‌ای و دیجیتال امروز و بخشی از فعالیت تکمیلی در تدریس معلمان است. از این طریق هوش‌های چندگانه‌ی دانش‌آموزان نیز پرورش می‌یابند. در این یادداشت تأثیرات هنر کاغذتایی را در پرورش انواع هوش‌ها به اختصار بررسی می‌کنیم:

پرورش هوش منطقی ریاضی

کودکانی با هوش منطقی و ریاضی از الگوها، رابطه‌ی اعداد، اعمال یا نمادها درک و شناخت خوبی دارند. آنان در مهارت‌های محاسباتی و حل مشکلات متعدد از طریق منطق توانمندند. همچنین کودکانی که از دستان خویش به خوبی استفاده می‌کنند، علاوه بر استعداد فنی، در علم ریاضی نیز توانایی بهتری دارند. بنابراین، هنر «کاغذ و تا» به سبب استفاده از دستان، تأثیر خوبی بر پرورش انکارناپذیر است. معلم‌ها می‌توانند از هنر کاغذتایی در شناخت و توضیح بحث‌های هندسی مانند معرفی شکل‌های گوناگون (مربع، مستطیل، مثلث و چندضلعی‌های منتظم و غیرمنتظم)، شناساندن متفاوت به یکدیگر استفاده کنند. در دوره‌ی ابتدایی، ساخت مربع به کودکان کمک می‌کند مفهوم واقعی و ویژگی‌های شکل‌های هندسی را یاد بگیرند. از دیگر موضوع‌های هندسه مفاهیم زاویه، نیم‌ساز و عمودمنصف است که به خوبی با کاغذتایی آموزش داده می‌شود. علاوه بر مفاهیم هندسی، مفهوم‌های دیگری نظیر اعداد، کسر، اعشار، جمع، ضرب، تقارن و انواع الگوهای چندگانه را به راحتی می‌توان از طریق کاغذتایی آموزش داد و استعداد ریاضی کودکان را تقویت کرد.

پرورش هوش موسیقایی و استعداد هنری

هوش موسیقایی میزان ارتباط ضرب‌آهنگ (ریتم) را با نغمه (ملودی) تعیین می‌کند. انجام هنر کاغذتایی با به کارگیری انگشتان دست می‌تواند در توانمندی و هماهنگی استفاده از ابزار آلات موسیقی به کودکان کمک کند. الگوها، توالی و توازن طرح‌های کاغذتایی به حفظ ضرب‌آهنگ، الگوها و توازن موسیقی نیز کمک می‌کنند. کاغذتایی یکی از شاخه‌های هنرهای تجسمی است. پس به خوبی می‌تواند این مهارت (تجسم) را تقویت کند. کودکان غالباً دیدگاه خوبی به هنر ندارند، اما زمانی که شباهت انتزاعی شکل‌های حاصل از کاغذتایی را با نمونه‌ی واقعی آن در طبیعت مشاهده می‌کنند، کم‌کم تجسم هنری آن‌ها ارتقا می‌یابد و به مرور زمان دیدگاهی هنری در ذهنشان پرورش داده می‌شود. همچنین، از طریق کاغذتایی می‌توان به خوبی هنرهای نظیر نقاشی، طراحی، مجسمه‌سازی و ماکت‌سازی را به کودکان آموزش داد و چنین هنرهایی را به خوبی ارتقا بخشید.

از دیگر فایده‌های هنر کاغذتایی توانایی ترکیب آن با سایر هنرهای دستی نظیر هنرهای تجسمی است. آموزگار می‌تواند در کلاس از دانش‌آموزان بخواهد با ترکیب این هنر با هنرهای دیگر، جذابیت کار خود را بالا ببرند. با توجه به ویژگی خاص این هنر که ارزان بودن وسایل کار (کاغذ) و دسترسی آسان به آن است، در هر موقعیتی و با هر امکاناتی می‌توان آن را برای همه‌ی کودکان، حتی کودکان مرزی یا دارای اختلال یادگیری، استفاده کرد.

پرورش هوش طبیعت‌گرا

افراد دارای هوش طبیعت‌گرا توانایی مشاهده‌گری دارند، به شناسایی و تبیین طبیعت می‌پردازند، دوست طبیعت‌اند و به خوبی از آن مراقبت

می‌کنند. این هوش همچنین در زمینه‌هایی مانند گیاه‌شناسی، جانورشناسی و طبیعت‌گردی به درد می‌خورد. از جمله فایده‌های کاغذتایی پرورش استعداد طبیعت‌گراست. هنر کاغذتایی که تاریخچه‌ی زیبایی از صلح و دوستی دارد، به دلیل استفاده از کاغذ، خللی به طبیعت وارد نمی‌کند. حتی در مواردی می‌توان به کودکان یاد داد از کاغذهای باطله به عنوان روشی برای بازیافت بهره ببرند و طرح‌های اورنگامی را روی کاغذهای باطله اجرا کنند. کاغذتایی با تقویت مشاهده‌گری از طبیعت و ساخت طرح‌هایی از توجه خاصی داشته است. لذا الگوبرداری از طبیعت و ساخت طرح‌هایی از حیوان‌ها، درخت‌ها، گل‌ها و سایر اجزای طبیعت نظیر برگ درخت یکی از مرسوم‌ترین مدل‌های کاغذتایی است. آموزگاران از طریق بازی کاغذ و تا می‌توانند «طرح مولکول‌ها و ترکیب‌های شیمیایی ساده» را آموزش دهند و با ساخت برخی اجزای طبیعت، کلاس درس خویش را جذاب کنند. کودکان با ساخت کاغذتایی یک حیوان، نحوه‌ی مراقبت از آن را نیز فرامی‌گیرند.

پرورش هوش فضایی

اصلی‌ترین ویژگی‌های استعداد تجسم فضایی درک تصویرهای ذهنی، استدلال فضایی، مهارت‌های گرافیکی و هنری و تخیل فعال است. هوش فضایی همچنین شامل حساسیت به رنگ، خط، شکل، ترکیب، فضا و رابطه‌ی این مؤلفه‌هاست. این نوع هوش نیازمند ظرفیت بالا در فضا و رابطه‌ی این مؤلفه‌هاست. این نوع هوش نیازمند ظرفیت بالا در تصویرسازی و گرافیک برای ارائه‌ی اندیشه‌ها و طرح‌ها به صورت دیداری و فضایی است. می‌توان گفت، مهم‌ترین عرصه‌ی پرورش استعداد کاغذتایی استعداد تجسم فضایی است. با این بازی درک فضایی و تجسم سه‌بعدی کودک تقویت می‌شود. تجسم فضایی از طریق اصطلاحات فضایی نظیر «وسیع، کوچک، دراز، کوتاه، بزرگ، ریز، بلند، مستقیم، خمیده‌شده، دارای انحنا، گوشه، کنار، خط، نوک‌تیز، تیز، لبه، داخل، خارج، زیر، اطراف، گوشه، بالا، پایین، جلو، پشت و موّز» توسعه و پرورش می‌یابد. این اصطلاحات از طریق بازی کاغذتایی به خوبی آموزش داده و به کار گرفته می‌شود. همچنین کودکان با مشاهده‌ی نمونه کارهای این هنر و تقلید آن و نیز از طریق تمرین پی‌درپی و هماهنگی چشم و دست، ادراک دیداری و فضا را تقویت می‌کنند. هنگامی که فرد بدون مشاهده و فقط بر اساس آموخته‌های قبلی شکل‌های متعدد کاغذتایی را می‌سازد، حافظه‌ی تصویری و فضایی وی تقویت می‌شود و در اینجاست که تجسم فضایی واقعی شکل می‌گیرد.



پرورش هوش بدنی حرکتی

هوش بدنی حرکتی شامل هماهنگی، مهارت و استفاده از همه‌ی بدن یا قسمتی از بدن مانند دست‌هاست. کاغذتایی هنر دست‌ورزی است. در کاغذتایی لازم است دست‌ها و چشم‌ها با هماهنگی کامل کار کنند. حرکت‌های ظریف و پیچیده‌ی این مهارت، حرکت انگشتان دست کودک را تقویت و انعطاف‌پذیر می‌کند. متأسفانه امروزه به دلیل استفاده‌ی بیش‌ازحد از ابزار دیجیتال، کودکان مهارت‌های دست‌ورزی اندکی دارند. برخی از آن‌ها ممکن است در آینده تحصیلات بالایی در زمینه‌های مهندسی پیدا کنند، ولی به دلیل نداشتن مهارت دست‌ورزی، ناتوانی فنی پیدا می‌کنند. لذا فعالیت دست‌ورزی کاغذتایی برای توانمندی‌های فنی آینده‌ی کودکان فعالیت ضروری است.

پرورش هوش درون فردی

داشتن هوش درون فردی به معنای آگاهی فرد از احساسات، فکرها، اضطراب‌ها و ویژگی‌های خود است. همچنین توانایی استفاده از این هوش در کنترل انگیزه‌ها، رفتارها، تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها کمک بسیاری می‌کند. کاغذتایی فعالیتی عملی است که بر مؤلفه‌های روان‌شناختی تأثیرگذار بر ساختار هوش درونی کودکان مؤثر است و آن‌ها را به خوبی تقویت می‌کند.

آزمایشی

اردیبهشت ماه

دوره‌ی بیست و پنجم

شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۰

۳۹

می‌کند. لذا انجام کاغذتایی حتی برای بزرگسالان با هدف تقویت حافظه و رهایی از نشخوارهای ذهنی بسیار مفید است.

• بهبود توجه و تمرکز

هنگامی که دانش آموز به فعالیت‌های کاغذتایی می‌پردازد، با تمام ذهن و فکر خود به دنبال یافتن بهترین روش برای ساختن اجسام مورد نظر به دقت و تمرکز لازم را هنگام آموزش تکرار کردن به روش‌های متعدد کاغذتایی، یک برگ کاغذ باید مرحله به مرحله و بدون امکان گذر کردن از مرحله‌ای یا حذف مرحله‌ی قبلی تا شود و لازم است از شیوه‌نامه‌ی بسزایی دارد. همچنین بازی‌های کاغذتایی کودک را مجبور به حفظ توجه و تمرکز می‌کنند، زیرا کودک با کوچک‌ترین اشتباه در تازدن به مشکل دلیل برای کودکانی با زمینه‌ی بیش‌فعالی یا اختلالات یادگیری بهترین آموزش به این کودکان به صورت حضوری صورت بگیرد و از طرح‌های ساده آغاز شود، سپس طرح‌های پیچیده‌تر آموزش داده شوند.

• تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و حل مسئله

کاغذتایی هنری است که به کودکان کمک می‌کند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری خوبی داشته باشند. انجام فعالیت‌های متوالی و منظم کاغذتایی موجب نظم‌بخشی ذهن می‌شود. به‌طور معمول کودکان برای مسئله‌هایی که در کلاس درس با آن‌ها مواجه می‌شوند، راه حل و پاسخ واحدی دارند، اما کاغذتایی به کودکان کمک می‌کند تفکر جانبی و واگرا را در خود تقویت کنند. دانش‌آموزان می‌توانند از طریق انجام این بازی و مهارت، مثلاً برای بازسازی الگو یا شکلی نهایی، انواع راه‌ها را بیازمایند و از طریق آزمون و خطا و کسب تجربه، راه‌های متعدد حل مسئله را تمرین کنند.

• خلاقیت

کاغذتایی هنری است که به کودک کمک می‌کند با کاغذی ساده و گاهی کاغذی بازیافتی خلاقیت‌های خود را ابراز کند. می‌توان کودکانی را که در



برخی از مؤلفه‌های روان‌شناختی تحت تأثیر کاغذتایی عبارت‌اند از:

• پرورش روحیه‌ی قناعت‌گری، سازگاری و خلاقیت

کاغذتایی به دلیل استفاده از کمترین امکانات (کاغذ) قناعت را به‌خوبی آموزش می‌دهد. کودکان در این هنر از امکانات کمی مثل دوخت و چسب استفاده نمی‌کنند و مجبورند به همان کاغذ اکتفا کنند. این شرایط به‌نوعی باعث پذیرش محدودیت‌ها می‌شود و خلاقیت و سازگاری را افزایش می‌دهد.

• افزایش صبر، حوصله و پشتکار

کودکان با تکرار کردن‌های پی‌درپی کاغذ، طبق الگوها و نقشه‌های موجود، یاد می‌گیرند تا پایان کار صبور باشند و کار خود را پیگیری کنند. از این طریق به‌طور عملی درک می‌کنند اشتباه کردن فرایندی طبیعی در روند کارشان است.

• کاهش استرس و اضطراب

انجام طرح‌های کاغذتایی با مشغول کردن ذهن به تکرار مکرر و تمرکز بر ساخت شکلی مشخص، ذهن را از استرس، اضطراب و تنش‌های روزانه رها می‌کند. همچنین، این هنر با تکیه بر حافظه‌ی تصویری و انجام تکرارهای متوالی، ذهن فرد را از نشخوارهای ذهنی ناخوشایند دور



هنر کاغذتایی تسلط پیدا کرده‌اند، کم‌کم تشویق کرد در طرح‌های خود تغییراتی ایجاد کنند و شکل‌های نوینی بیافرینند. حتی ممکن است در مسیر انجام برخی طرح‌ها کودکان اشتباهاتی در تازدن داشته باشند و به‌طور تصادفی شکل جدیدی را ایجاد کنند. بدین طریق خلاقیت آنان شکوفایی شود.

پرورش هوش برون‌فردی با اجتماعی

هوش بین‌فردی به سازگاری فرد با احساسات، عواطف و خلق‌وخوی دیگران کمک می‌کند. افراد با هوش بین‌فردی بساا غالباً در ارتباط برقرار کردن با دیگران بسیار خوب عمل می‌کنند. گاهی اوقات از این هوش به‌عنوان هوش اجتماعی نیز یاد می‌شود. در اوضاع کرونایی، یکی دیگر از فایده‌های کاغذتایی برای کودکان، تقویت مهارت‌های اجتماعی است. کاغذتایی قابلیت اجرای گروهی در خانواده یا در کلاس درس را دارد. می‌توان برخی از مدل‌های این بازی را که از ترکیب چند طرح ساخته می‌شوند، به‌راحتی در جمع خانواده و دوستان به‌شکل گروهی اجرا کرد و مهارت‌های گروهی نظیر دیدن مسئله از نقطه‌نظر دیگران، گوش کردن، همدلی، مشورت، همکاری با گروه، ایجاد ارتباط مؤثر با دیگران، اعتمادسازی و حل‌وفصل آرام مشکلات و درگیری‌ها را به کودکان آموزش داد.

پرورش هوش کلامی

هوش کلامی به چهار مؤلفه‌ی معناشناسی، آواشناسی، شناخت قواعد و دستور زبان و شناخت کاربرد زبان در وضعیت‌های متفاوت مرتبط است. می‌توان از مهارت کاغذتایی به‌عنوان ابزاری جالب و جذاب در راستای پرورش هوش کلامی نهایت استفاده را برد. مثلاً می‌توان از کودکان خواست انشا یا نامه‌ای بنویسند و آن را درون پاکت‌های طرح‌دار کاغذتایی قرار دهند، یا کلمات و ترکیبات تازه‌ی درس را روی شکل‌های کاغذتایی ساخته‌شده نظیر گل‌ها و برگ‌ها یادداشت کنند. ترکیب مهارت کاغذتایی و ادبیات کلامی به غنا و زیبایی هر دو می‌افزاید.

پیشنهادهایی به آموزگاران

۱. یکی از روزهای هفته را برای فعالیتی با استفاده از مهارت کاغذتایی در نظر بگیرید؛ مثلاً سه‌شنبه‌های کاغذتایی.
۲. از دانش‌آموزان بخواهید با اجرای سرعتی، شکلی را با کاغذتایی بسازند و قطعه‌فیلم‌های (کلیپ‌های) آن را بفرستند.
۳. به دانش‌آموزان بگویند در طرح‌های کاغذتایی تغییراتی ایجاد کنند.
۴. از دانش‌آموزان بخواهید هنر کاغذتایی را با دیگر رشته‌ها و فعالیت‌های هنری ترکیب کنند؛ مثلاً طرح‌های کاغذتایی را رنگ‌آمیزی کنند یا نقاشی و خط را با کاغذتایی ترکیب کنند.
۵. در تدریس درس‌هایی نظیر ریاضی و علوم تجربی از هنر کاغذتایی به‌عنوان ابزار آموزشی نهایت استفاده را ببرید.
۶. از دانش‌آموزان بخواهید هر کدام طرح کاغذتایی جدیدی را یاد بگیرند و از طریق فیلم کوتاه آن را آموزش دهند.
۷. مسابقه‌های کاغذتایی بین دانش‌آموزان به‌صورت مجازی یا حضوری برگزار کنید.



آخرین گام‌ها

ماه و فصل امتحانات را چگونه برگزار می‌کنید؟



استان زنجان

■ **فریده گلبن، آموزگار پایه‌ی چهارم:** «با تعداد کمی از بچه‌ها که نیاز به تمرین دارند، کلاس جبرانی می‌گذارم و هر هفته یک فصل ریاضی را با آن‌ها کار می‌کنم.»

■ **فاطمه قلی‌زاده، آموزگار پایه‌ی پنجم:** «در طول ایام عید، بچه‌ها باید با مرور درس‌ها، یادداشت کنند مفاهیم فارسی و علوم را که امسال خوانده‌اند، در کجایا به کار گرفته‌اند.»

■ **زهره نعیمی، آموزگار پایه‌ی دوم:** «هفته‌ی اول بعد از عید دوره و یادآوری داریم. هفته‌ی اول اردیبهشت هم وقت پایان بودجه‌بندی کتاب‌هاست. در سه هفته‌ی آخر، تمامی کتاب‌ها را با توجه به صفحات آن‌ها به تعداد روزها تقسیم و مرور می‌کنیم.»

■ **ثروت اسلامیان، آموزگار پایه‌ی ششم:** «بعد از عید، با برگزاری آزمون‌های هفتگی یا انجام مسابقات علمی یا فعالیت‌های گروهی، دانش‌آموزان را به مرور کردن درس‌ها ترغیب می‌کنیم.»

■ **تهمینه درگاهی، آموزگار پایه‌ی اول:** «ابتدا باید نقاط ضعف و مشکلات هر دانش‌آموز به صورت انفرادی شناسایی شوند و تا حد امکان با او کار شود.»

استان اصفهان

■ **نگین مقصودی، آموزگار پایه‌ی چهارم ابتدایی:** «شناسایی دانش‌آموز ضعیف، طراحی تمرین، همکاری والدین و عملی کردن تمرین از برنامه‌های آخر سال است؛ مثلاً تهیه‌ی جدول مطالعه‌ی روزانه از طرف آموزگار، تکمیل آن توسط والدین و تحویل آن در پایان هفته به آموزگار.»

■ **زهره احمدی، آموزگار پایه‌ی ششم ابتدایی:** «من برنامه‌ی دوره‌ی تمام درس‌ها را به دانش‌آموزان می‌دهم و از مادرها هم می‌خواهم طبق برنامه‌ی روزانه پرسش داشته باشند و نتایج را ثبت کنند. برای درس ریاضی هم در اردیبهشت‌ماه شروع به دوره‌ی فصل‌ها می‌کنم.»

مریم شهرآبادی

کارشناس آموزش ابتدایی



روزهای پایانی سال تحصیلی از چندنظر حساس هستند و دو سه سالی است حساس‌تر هم شده‌اند. شما آموزگاران با تجربه و کم‌تجربه چگونه از این روزها استفاده‌ی مفید می‌کنید. آیا درس‌ها را مرور می‌کنید یا به رفع اشکال می‌رسید؟ آیا مثل دوران آموزش حضوری بچه‌ها را شناخته‌اید و برای توصیف و روشن کردن نقاط ضعف و قوتشان آماده‌اید؟ آیا طبق بودجه‌بندی عمل کرده‌اید؟ کلاس جبرانی برگزار می‌کنید؟ آزمون‌ها را عملکردی برگزار می‌کنید یا مدادکاغذی؟



آیندگی

اردیبهشت‌ماه
دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۱

۴۲

تهران و شهرستان های استان

■ **مریم فرهادی، آموزگار پایه ی ششم:**
«برای هر کتاب اهدافی در نظر گرفته شده است. بهتر است آموزگار پیش نیازهای درسی هر سال را با دانش آموزان تمرین و تکرار کند.»

■ **معصومه سلطانی پور، آموزگار پایه ی پنجم:** «بعد از تکرار و تمرین و رفع اشکالات دانش آموزان، آزمون می گیریم. این آزمون ها در طول سال تحصیلی جمع آوری می شوند و عملکرد دانش آموز را نشان می دهند.»

■ **سیده معصومه صدیقی، آموزگار پایه ی ششم:** «سعی می کنم از اول سال با تدبیر برنامه ریزی کنم تا دانش آموزان برای امتحانات آماده شوند. به طور معمول درس هایی را که آن ها کمتر علاقه مند هستند، به عنوان اولین یا دومین درس برای تکرار و تمرین انتخاب می کنم.»

■ **فریبا عقلی، معاون آموزش ابتدایی:** «درس هایی را که سنگین ترند یا دانش آموزان در آن ها ضعیف اند، زودتر شروع می کنیم و بعد به سراغ درس هایی می رویم که قرار است زودتر امتحان بدهیم.»

■ **ثریا دالوند، آموزگار پایه ی ششم منطقه ی واوان اسلامشهر:** «بودجه بندی را مطابق با وضعیت یادگیری دانش آموزان در نظر می گیرم. برای درسی مثل ریاضی در پایان هر فصل آزمون کتبی گرفته می شود. الان که شرایط مجازی است، سعی می کنم در یک ساعت، ۲۰ دقیقه را به تدریس یا مرور اختصاص دهم و در ۳۰ دقیقه ی دیگر طی گفت و گویی صوتی، حداقل یک سؤال از هر دانش آموز بپرسم.»

■ **امیره جولایی، آموزگار پایه ی سوم:** «دانش آموزان دوره ی ابتدایی از زمانی که وارد مدرسه می شوند براساس فعالیت های کلاسی و تکلیف ها و پرسش ها و پاسخ ها مورد سنجش قرار می گیرند. آزمونک هایی

نیز به صورت کتبی شامل آزمونک های مداد کاغذی و آزمون های عملکردی برای این منظور برگزار می شوند.»

■ **فاطمه مکرم رفتاری، آموزگار پایه ی چهارم:** «امتحان را نه به عنوان دردسر و مانع، بلکه به عنوان فرصتی برای نشان دادن توانایی ها و قابلیت ها به دانش آموزان معرفی نمایید. با علاقه و لذت درس ها را تدریس، تکرار و تمرین کنید تا موجبات یادگیری عمیق درس ها در دانش آموزان فراهم شود. با ایجاد هماهنگی و انسجام در خانه و مدرسه، محیط را برای درس خواندن و مطالعه آماده سازید.»

■ **ناهید خسروآبادی، آموزگار پایه ی سوم:** «در وضعیت تشکیل کلاس ها به طور مجازی، باید روزانه از دانش آموزان پرسش شود. مزیت این روش آن است که مطمئن می شویم دانش آموز بدون کمک خانوادگی خود هر آنچه را آموخته است، بیان می کند. آزمون به صورت کتبی و با در نظر گرفتن زمان مشخص نیز باید برگزار شود.»

■ **فرخ شیخ بابایی، آموزگار پایه ی دوم:** «شرایط امتحان با توجه به این محدودیت ها باید در قالب ساده تری طراحی شود. نگاه سختگیرانه کاهش پیدا کند، اما معلم باید اطمینان یابد دانش آموزان محتوایی را که قرار است در قالب امتحان طرح شود، به خوبی یاد گرفته اند.»

■ **آزیتا سادات طباطبایی کیلان، آموزگار پایه ی چهارم:** «ارزشیابی توصیفی به زمانی خاص محدود نخواهد شد. بنابراین چیزی به نام فصل امتحانات نداریم. اما در اواخر دی ماه اطلاعات دانش آموزان را جمع می کنیم. در واقع با باز خورد پایانی، وضعیت دانش آموز را به او اعلام می کنیم.»

■ **آرزو دلداری، آموزگار پایه ی پنجم:** «در پایان هر هفته از دانش آموزانم آزمون می گیرم تا به نحوه ی امتحان دادن عادت کنند و نگرانی شان از بین برود. با همکارم

تصمیم گرفتیم مطابق بودجه بندی کتاب و با مشورت معلمان هم پایه، سؤالاتی را طرح کنیم و به شکل آزمون مداد کاغذی از دانش آموزان امتحان بگیریم. بقیه ی سؤالات را نیز به عنوان برگه ی کار در منزل به دانش آموزان دادیم تا در خانه به کمک کتاب و اولیا جواب دهند. این کار باعث می شود دوره ای هم کرده باشند.»

■ **ناهید امینی، آموزگار پایه ی اول:** «در طول سال از هر چهار درس یک آزمون می گیرم و به طور دائم نیز از درس های قبلی پرسش و پاسخ دارم تا بچه ها را در چالش شرایط اضطراب آمیز قرار ندهم.»

■ **رقيه موسیوند، آموزگار پایه ی سوم:** «بنده هر ماه از درس داده شده آزمون مداد کاغذی می گیرم. در روزهای پایانی سال هم کتاب را تقسیم بندی می کنم و هر روز صفحات مشخص شده را با بچه ها دوره و مرور می کنیم.»

■ **سیده شهلا موسوی، آموزگار پایه ی ششم:** «از نیمه ی دی ماه برنامه ای منسجم و هماهنگ برای آزمون آخر سال می فرستم. با بچه ها کتاب ها را دوره می کنیم و مرتب پرسش و پاسخ داریم.»

■ **مریم سرلکیان، آموزگار پایه ی دوم:** «در دوره ی کرونا با آزمون های دست ورزی، انجام آزمایش، فیلم و امتحان های طول سال دانش آموزان را می آزمایشیم.»

■ **سمیه خان محمدی، آموزگار پایه ی سوم:** «شناخت عمیق و دقیق دانش آموز، توجه به تلاش های او، کاهش استرس، شناسایی مشکلات یادگیری در زمان مناسب، تلاش برای رفع آن و ایجاد فضای محبت آمیز به جای رقابت باید در برنامه ریزی پیش از امتحانات گنجانده شود.»

■ **فاطمه سعیدی نسب، آموزگار پایه ی دوم:** «طبق برنامه، هر هفته آزمونک برگزار می کنم. در شرایط مجازی هم مناسب ترین راه پرسش و پاسخ شفاهی است.»

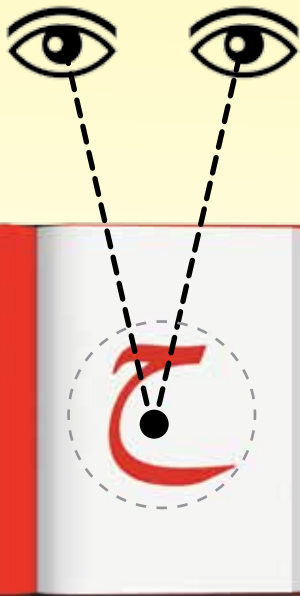
خوانش پریشی

طراحی بازی‌های آموزشی برای بهبود نشانه‌های اختلالات یادگیری

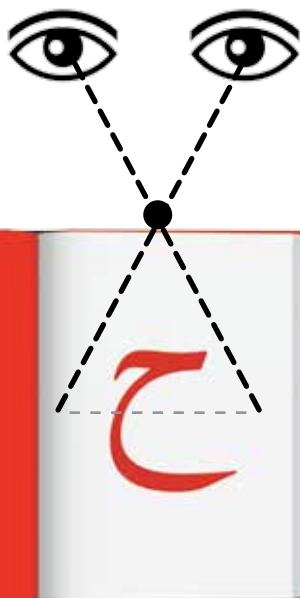
بدیهی است، در وضعیت آموزش از راه دور که امکان تعامل معلم با دانش آموز به مراتب کمتر از آموزش حضوری است، بهترین راهکار، طراحی بازی آموزشی برخوردار از اثرگذاری در اختلالات یادگیری است. طراحی این بازی‌های آموزشی برای همه‌ی کلاس به‌طور عام، و توسعه و تداوم این فعالیت برای دانش آموزان هدف به‌شکل اختصاصی و در قالب فعالیت‌های یادگیری انجام می‌شود. از این طریق، ضمن اینکه به بهبود اختلالات یادگیری در موارد مبتلا به کمک می‌کنیم، به دانش آموزان با امکان ابتلای پنهان به اختلالات یادگیری که شناسایی نشده‌اند نیز یاری می‌رسانیم. همچنین مهارت‌ها و توانایی‌های دانش آموزان دیگر را نیز ارتقا می‌دهیم. برای اجرای این فعالیت، اختلالات یادگیری را به‌شکل موضوعی بررسی می‌کنیم:

خوانش پریشی یا دیسلکسیا

خوانش پریشی اختلالی زبانی شامل خواندن، نوشتن و درک مطلب است که فراوان‌ترین و شایع‌ترین اختلال یادگیری محسوب می‌شود و مهارت‌های زبانی را در بر می‌گیرد. دانش آموزان مبتلا به این عارضه در «کدگذاری» واژگان، درک و تلفظ واج‌ها اشکال دارند و صداها را به‌دشواری تشخیص می‌دهند. گاهی خوانش پریشی برای سال‌ها پنهان می‌ماند و کشف نمی‌شود. مهم‌ترین کار برای کاهش و بهبود نشانه‌های خوانش پریشی، تلاش در ایجاد تمرکز چشمی ابتدا روی یک نقطه از صفحه و سپس کل صفحه است. چشمان افراد مبتلا به خوانش پریشی به‌اصطلاح «می‌دود»، می‌لرزد، می‌لغزد و حرکات پی‌درپی دارد. برخی از این افراد حرکات چشمی فراوانی دارند. چشم آن‌ها به‌جای ۱۵۰ حرکت در فرد عادی، روی ۱۰۰۰ نقطه در دقیقه حرکت می‌کند. این زیاده‌ی حرکت باعث می‌شود آن‌ها روی نقطه‌ی صحیح متمرکز نشوند و تصویرهای مخلوط، پریشان و غلطی دریافت کنند. افراد مبتلا به این اختلال، تصویرهای متنوع و گوناگونی را در یک زمان دریافت می‌کنند، در حالی که نمی‌دانند کدام تصویر صحیح و کدام خطاست. حروف الفبا به نظرشان یا تار و ناواضح هستند یا حرکت می‌کنند. هنگام خواندن، چشم آن‌ها روی تمام صفحه به‌سرعت می‌چرخد. بنابراین کلمه‌ها و خط‌ها را گم می‌کنند. اغلب دانش آموزانی که هنگام خواندن، خطی را که می‌خوانند فراموش می‌کنند یا خط بعدی را جا می‌اندازند، دچار این عارضه هستند.



فرد عادی

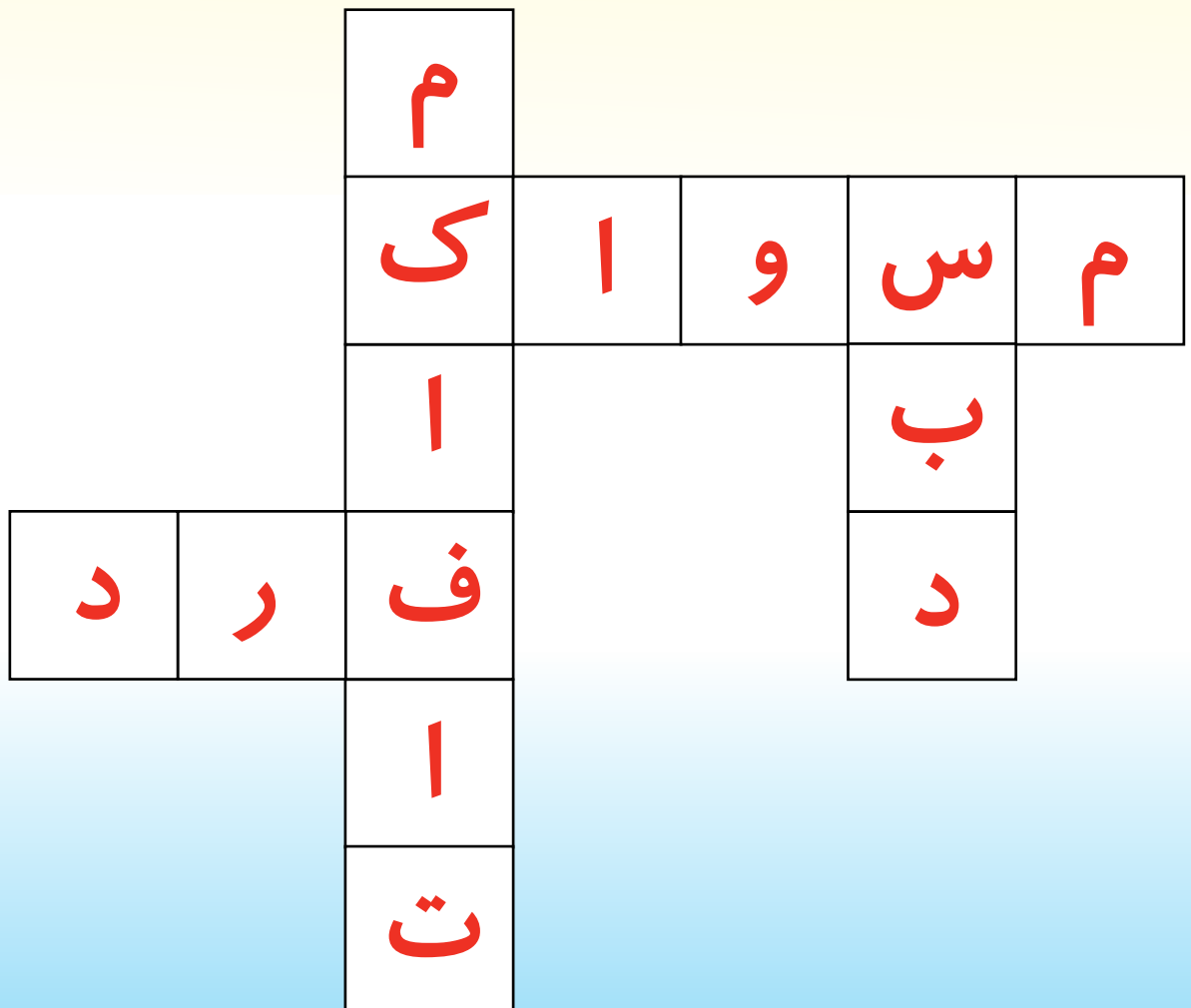


فرد مبتلا به دیسلکسیا

بازی‌های آموزشی مؤثر در بهبود خوانش‌پریشی

بازی‌هایی که از تمرکز روی یک نقطه یا یک موضوع آغاز می‌شوند و سپس برای ادامه‌ی فعالیت توسعه می‌یابند، در بهبود این اختلال مؤثرند. برخی از این بازی‌ها عبارت‌اند از:

۱. کلمه‌سازی با چند نشانه‌ی الفبایی محدود؛ مثلاً با پنج حرف که روی مربع‌ها نوشته شده باشد، کلمه‌های متفاوت بسازند (بازی تک‌نفره)؛
۲. کلمه‌سازی جدولی با استفاده از مربع‌های حروف (بازی دو یا چندنفره)؛
۳. بازی کردن با کارت‌های حافظه؛
۴. یافتن کاستی و نقص یک تصویر و کامل کردن آن؛
۵. ساختن هم‌قافیه‌ها (کلمات هم‌پایان)؛
۶. پیدا کردن شکل مشابه شکل الگو در میان مجموعه‌ای از شکل‌های به‌ظاهر همانند و پیدا کردن شکل غیرمشابه با شکل الگو در میان مجموعه‌ای از شکل‌های به‌ظاهر یکسان؛
۷. کشف کردن شکل‌های درهم‌ریخته در یک تصویر؛
۸. پیدا کردن شکلی معین از میان تصویری با انواع شکل‌ها یا همان بازی «بگرد و پیدا کن».



با پنجمی‌ها

مروری بر علوم پنجم ابتدایی



احمد رضا اعرابی
دبیر فیزیک

همان اندازه که آموزش باید به صورت مفهومی صورت گیرد، پرسش نیز باید مکمل آموزش باشد و به صورت کاملاً مفهومی و استاندارد انجام شود؛ به گونه‌ای که فقط به مخزن حفظیات دانش آموز نظر نداشته باشد، بلکه آموخته‌های او را به درستی بسنجد. در گفتار زیر بر آنیم نمونه‌ای از این پرسش‌های استاندارد را معرفی کنیم. امید اینکه مقبول افتد.

علوم سال پنجم دانش آموز را به طور دقیق با فرایند آزمایش آشنا می‌کند. سعی بر این است که در حین سقوط یک وسیله، عوامل مؤثر بر حرکت آن را بررسی و با تنظیم جدولی مناسب، داده‌های به دست آمده را دسته‌بندی کند. بنابراین می‌توان پرسش زیر را از دانش آموز به عمل آورد:

۱. اگر یک پر را از بلندی رها کنیم، چگونه سقوط می‌کند و چه عواملی بر سقوط آن تأثیر می‌گذارند؟ اگر این کار را با یک سکه انجام دهیم، به نظر شما چه اتفاقی می‌افتد و چرا این جریان با سقوط پر متفاوت است؟

کتاب در درس دوم تفاوت فرایندهای فیزیکی و شیمیایی را می‌گوید و ویژگی هر فرایند را برمی‌شمارد.

۲. کدام یک از فرایندهای زیر فیزیکی و کدام یک شیمیایی است؟ دلیل انتخاب خود را بنویسید. یخ بستن آب - روشن کردن کبریت - بافتن دستکش - پختن نان - تهیه پنیر از شیر.

۳. به آشپزخانه بروید و در حالی که به مادر خود کمک می‌کنید، بررسی کنید چند فرایند فیزیکی و چند فرایند شیمیایی در آنجا اتفاق می‌افتد؟ این فرایندها را بنویسید.

۱۱. چرا با اینکه حشرات از بقیه موجودات بیشترند، ولی فسیل آن‌ها بسیار کمتر است!

در سه بخش بعد، بدن و اعضای آن و چگونگی کارکرد هر یک بررسی می‌شود. این موضوع برای دانش آموزان بسیار جذاب و آموزنده است. گاهی اوقات آموزگار با پرسش‌های مناسب آینده دانش آموز را رقم می‌زند و او را به این موضوعات علاقه‌مند می‌کند. همین فصل ممکن است دانش آموز را به انتخاب رشته‌ی علوم تجربی علاقه‌مند کند. پرسش‌های این سه بخش را باید از حالت حفظی در آورد و جنبه‌ی مفهومی به آن‌ها داد. به نمونه‌های این سؤالات توجه کنید.

۱۲. دست خود را بالا بیاورید و به بالا آمدن آن توجه کنید. در این فرایند چه اتفاقاتی می‌افتد و چگونه دست بالا می‌آید؟

۱۳. هریک از ماهیچه‌های زیر چه کارهایی انجام می‌دهند؟ ماهیچه‌ی بازو؛ ماهیچه‌ی قلب؛ ماهیچه‌ی چشم؛ ماهیچه‌ی معده.

۱۴. در تصویر زیر کنار هر پیکانه نام آن را بنویسید.



۱۵. در این تصویر ببینید چه اتفاقی افتاده است و چه کار باید کرد؟



۱۶. یک سلول عصبی رسم کنید و نام قسمت‌های آن را بنویسید.

۱۷. هریک از جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

بخش سوم پدیده‌ی رنگین کمان را شرح می‌دهد. ویژگی شکست نور را مطالعه می‌کند و آزمایش‌های بسیار جالبی در این باره انجام می‌دهد. در این فصل می‌توان از دانش آموز پرسید:

۴. چگونه می‌توانید در آزمایشگاه رنگین کمان مصنوعی تولید کنید.

۵. چند وسیله نام ببرید که در آن‌ها از عدسی استفاده شده باشد.

۶. چگونه می‌توان جهت پیکانه را برعکس کرد.

۷. درون کادر زیر نام وسیله‌ای را بنویسید که تصویر شمع را روی دیوار وارونه کرده است.



در بخش چهارم کتاب از علم زمین‌شناسی صحبت شده و چگونگی ایجاد فسیل جانوران در لایه‌های مختلف زمین آمده است. به عنوان نمونه، می‌توان سؤالات زیر را از دانش آموز پرسید:

۸. در ساحل، حسین با مشاهده‌ی زمین تشخیص داد یک تراکتور و یک ماشین سواری از آنجا عبور کرده‌اند. اثر باقی‌مانده از هر ماشین را رسم کنید. ۹. هریک از جای پاهای زیر به کدام حیوان مربوط است؟



۱۰. در داخل کادر شکل فسیل خواسته شده را رسم کنید.



فسیل گیاه سرخس



فسیل ماهی



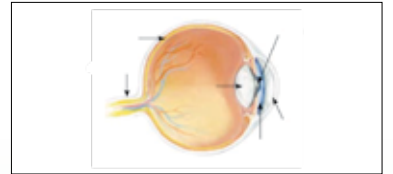
فسیل صدف

جمجمه / ستون مهره / مفصل / ماهیچه‌ی معده / مغز / نخاع
به جایی که دو استخوان به هم وصل می‌شوند، می‌گویند. در مفصل بین استخوان‌ها وجود دارد. و نرم و آسیب‌پذیرند. به همین دلیل درون و قرار گرفته‌اند. برای گوارش غذا از استفاده می‌شود.

۱۸. در شکل زیر توضیح دهید دانش‌آموز چگونه دست خود را بالا می‌آورد.



۱۹. نام‌گذاری کنید.



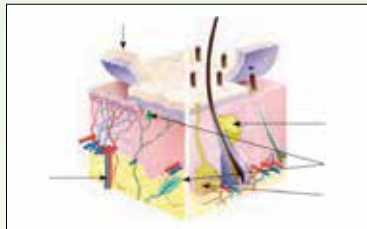
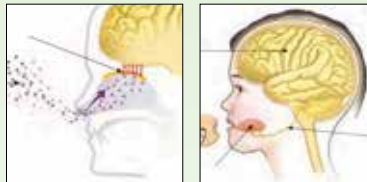
۲۰. با توجه به شکل، فرایند دیده‌شدن توپ را توضیح دهید.



۲۱. نام‌گذاری کنید.



۲۲. کدام تصویر به فرایند بویایی، کدام به فرایند چشایی و کدام به فرایند لامسه مربوط است. زیر هر تصویر شیوه‌ی انجام فرایند را توضیح دهید.

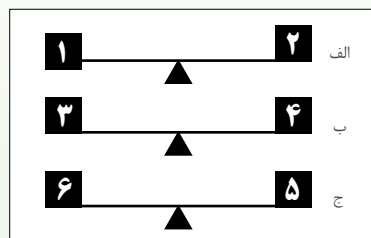


۲۳. چگونه می‌توانید از هریک از اعضای که در زیر نام برده شده است محافظت کنید؟
الف. پوست ب. چشم
ج. گوش د. ستون فقرات

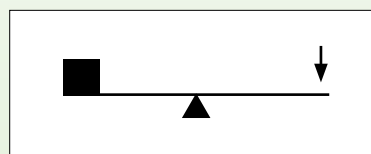
۲۴. هریک از وسایل زیر به کدام عضو بدن کمک می‌کند.
الف (عینک؛ ب) سمک؛ د) دستکش؛
ه) ماسک؛ و) کلاه ایمنی.

در دو فصل بعدی در مورد جنبه‌های فیزیکی پدیده‌ها و وسایل اطراف دانش‌آموز بحث می‌شود و اهرم‌ها، ققرقه‌ها و سطح شیب‌دار بررسی می‌شوند. برای این دو فصل سوالات زیر مناسب به نظر می‌رسند:

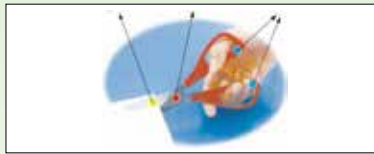
۲۵. در الکلنگ‌های زیر کدام جسم سنگین‌تر و کدام یک سبک‌تر است. آیا دو جسم با وزن مساوی هم داریم؟



۲۶. در اهرم زیر نام هر قسمت را بنویسید.



۲۷. در این شکل محل نیرو، تکیه‌گاه و جسم را مشخص کنید.



۲۸. در شکل زیر نام وسیله و چگونگی طرز کار و کمک آن را بنویسید.



۲۹. یک سطح شیب‌دار رسم کنید و بنویسید چگونه به ما کمک می‌کند.
۳۰. به وسایلی که یک لبه‌ی آن‌ها از لبه‌ی دیگر نازک‌تر باشد چه می‌گویند؟ چند وسیله را که این‌طور کارها را برای ما آسان می‌کنند، نام ببرید.

۳۱. یک ققرقه رسم کنید و چگونگی کار آن را روی شکلی که رسم کرده‌اید توضیح دهید.
۳۲. پیچ‌ها چگونه کارها را آسان می‌کنند؟
۳۳. در هریک از وسایل زیر از چه وسیله‌ای برای آسان‌شدن کارها کمک می‌گیریم:



از فصل دهم تا آخر کتاب، وضعیت خاک و کاشتن گیاهان و ویژگی‌های آن‌ها بررسی و اطلاعات بسیار مهمی به دانش‌آموزان داده می‌شود که بسیار کاربردی و زیبا هستند. پرسش‌های زیر مناسب این فصل‌ها به نظر می‌رسند:

۳۴. تصویر زیر چه فرایندی را نشان می‌دهد و چه فایده‌هایی دارد؟



پنجم ابتدایی کتاب علوم



فسیل‌ها



تغییرات مواد



رنگین کمان

آزمایشی

اردیبهشت‌ماه
دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۱

۴۷



سفری کوتاه



اعظم لاریجانی

گاهی احساس می‌کنی باید کاری متفاوت انجام دهی؛ همان زمان که کسالت گریبان بچه‌ها را گرفته یا آن‌وقتی که ارتباط برخی از آن‌ها دچار مشکل شده است. همان زمانی که برخی از آن‌ها قفلی بزرگ روی ذهن خود زده‌اند یا آن وقتی که آرام و قرار ندارند. حتی آن زمانی که می‌خواهی با لحن و شیوه‌ای متفاوت مطلبی را آموزش دهی، یا نه! فقط می‌خواهی ذهن و قلبشان کمی آرام شود...

همان‌گاه دست کودکان را بگیر و سفر را آغاز کن. مسافرت فقط به معنی رفتن از محلی به محل دیگر نیست. باید حرکت کنی و از جایی که هستی، فاصله بگیری. لازم است چندوقتی از درس و تکلیف دور شوی. شاید لازم باشد با انجام چند فعالیت فیزیکی به آن‌ها کمک کنی انرژی فروخورده‌ی خود را آزاد کنند! یا از دانش‌آموزانت کمک بگیری تا سروسامانی به وضع کلاس بدهی. دانش‌آموزان رشد خواهند کرد، اگر به آن‌ها یاری برسانی و بیشتر خواهند بالید، اگر خود نیز یاری‌کردن را بیاموزند.

رویارویی با چالش‌ها به آن‌ها کمک می‌کند بتوانند احساسات خود را مدیریت کنند. مشارکت در کار به آن‌ها می‌آموزد چگونه تعارضات را حل کنند و روابطشان را بهبود بخشند. با سپردن مسئولیت به آن‌ها، احساس مهم‌بودنشان را منتقل می‌کنی. اگر خود را عامل تغییری مثبت ببینند، دیدگاهشان نسبت به جهان گسترش پیدا می‌کند. با در معرض مشکلات قرار گرفتن، به همدلی و بروز خلاقیت تشویق می‌شوند. در بینابین همین سفر، خواهند آموخت چگونه از دریچه‌ی اختصاصی خود جهان را ببینند و به حد وسیع بر آن تأثیر بگذارند.

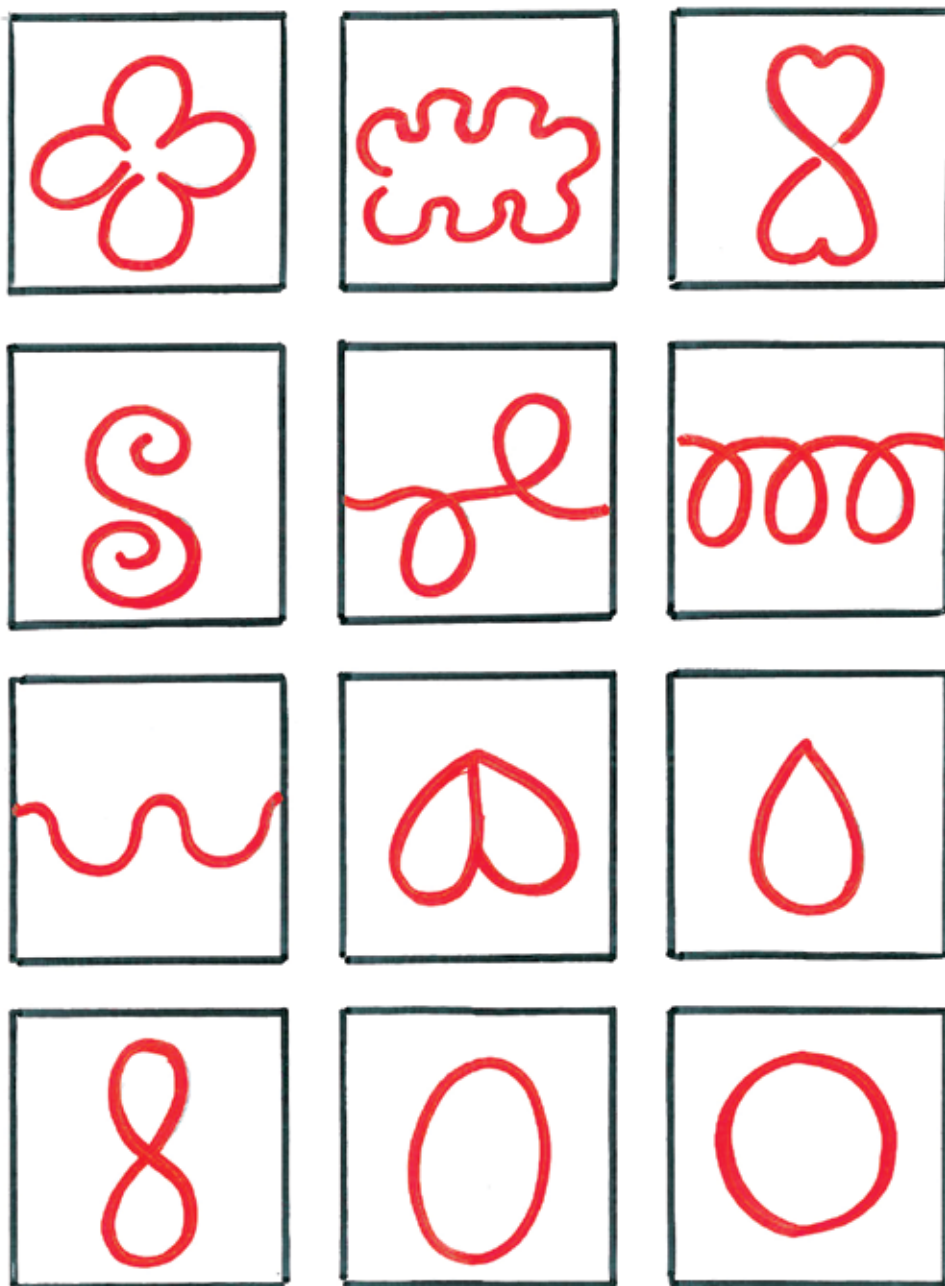
آیندازی

اردیبهشت ماه
دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۱

۴۸

با یاد دانش آموز دبستانی ۹ ساله‌ای که در اثر سرطان پر کشید، تقدیر می‌کنیم
از مادرش خانم «نرگس دهقان» که آموزگار دبستان است. او ساعت ۹ صبح
روز بعد از فوت فرزند، در کلاس مجازی‌اش حاضر شد و با ادامه‌دادن فرایند
تدریس، مهر آموزگاری را به محبت مادری گره زد.
آموزگارم روزت مبارک!





شرح چگونگی بازی